



مرکز تحقیقات اسلامی

اصفهان

گامی



ارسلان علی محمد صالح

www.ghaemiyeh.com
www.ghaemiyeh.org
www.ghaemiyeh.net
www.ghaemiyeh.ir

میزان الحجۃ

عربی - فارسی

مندی ری شهری

۱

نشر سوره سوره

ترجمه و تصحیح

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

میزان الحکمه

نویسنده:

محمدی ری شهری

ناشر چاپی:

دارالحديث

ناشر دیجیتال:

مرکز تحقیقات رایانه‌ای قائمیه اصفهان

فهرست

۵	فهرست
۱۴	میزان الحکمۃ جلد ۱
۱۴	مشخصات کتاب
۱۵	اشاره
۲۶	حرف الف
۲۷	ایثار
۲۷	پاداش
۲۷	مزد درستکاران و نیکو کاران
۲۷	اجاره
۲۸	اجل
۲۸	آخرت
۲۹	برادر
۲۹	مؤمنان با هم برادرند
۲۹	ادب
۳۰	اذان
۳۰	آزردن
۳۱	تاریخ
۳۱	مبدا تاریخ هجری
۳۲	زمین
۳۲	احکام زمین
۳۲	اسیر
۳۲	تن به اسارت دادن روا نیست
۳۲	سرمشق

۳۲	 اصول
۳۲	 همه چیز مطلق و آزاد است
۳۳	 خوردن
۳۳	 کم خوری
۳۳	 الفت
۳۴	 الله
۳۴	 فرمانروایی
۳۴	 ضرورت فرمانروایی
۳۴	 آرزو
۳۴	 آرزو رحمت است
۳۵	 امت
۳۵	 جایگاه امت اسلامی
۳۵	 امامت ۱ / امامت عامه
۳۵	 امامت
۳۵	 امامت ۲ / امامت خاصه ۱
۳۶	 انتخاب امام
۳۶	 امامت ۳ / امامت خاصه ۲
۳۶	 امامت ۳ / امامت خاصه ۲
۳۶	 اشاره
۳۶	 فاطمه سرور زنان عالم است
۳۷	 خشم گرفتن خدا برای خشم فاطمه
۳۷	 نامگذاری آن دو بزرگوار
۳۷	 سروران جوانان بهشت
۳۸	 دوست داشتن حسنین

۳۸	هدیه پیامبر به حسنین .
۳۸	امامت حسنین .
۳۸	تصریح به امامت آن بزرگوار.
۳۸	حسن از من است و من از اویم .
۳۹	محبت امام حسن علیه السلام .
۳۹	عبادت امام حسن علیه السلام .
۳۹	تصریح به امامت آن بزرگوار.
۳۹	حسین از من و من از حسینم .
۳۹	تصریح به امامت آن بزرگوار.
۴۰	منزلت امام زین العابدین علیه السلام .
۴۰	تصریح به امامت آن بزرگوار.
۴۰	شکافنده علم و دانش .
۴۰	تصریح به امامت آن بزرگوار.
۴۰	اخلاق و رفتار پسندیده آن حضرت .
۴۱	تصریح به امامت آن حضرت .
۴۱	امام در زندان .
۴۱	تصریح به امامت آن حضرت .
۴۲	امام در زندان سرخس .
۴۲	آگاهی امام از زبانهای مختلف .
۴۲	آرامش امام .
۴۲	تصریح به امامت آن بزرگوار.
۴۳	تصریح به امامت آن بزرگوار.
۴۳	امام در زندان .
۴۳	تصریح به امامت آن بزرگوار.

۴۳	حالت امام در زندان .
۴۴	نامهای امام .
۴۴	نص بر امامت آن حضرت .
۴۵	بشارت به مهدی علیه السلام .
۴۵	مهدی بقیة الله در زمین است .
۴۵	قیامت برپانشود تا مهدی علیه السلام ظهور کند.
۴۵	همنامی آن امام و پیامبر.
۴۶	دو غیبت امام قائم علیه السلام .
۴۶	دعا در زمان غیبت امام علیه السلام .
۴۷	حکم قیام کردن قبل از قیام قائم (۱).
۴۷	قیام کردن قبل از قیام قائم (۲).
۴۸	انتظار فرج (گشایش) .
۴۸	انتظار فرج برترین عبادت است .
۴۸	ظهور قائم علیه السلام پس از نومیدی مردم .
۴۸	تعیین کنندگان وقت ظهور دروغگویند.
۴۹	علت غیبت .
۴۹	بهره گیری مردم از امام در زمان غیبت .
۵۰	نشانه های ظهور.
۵۱	در هنگام ظهور (۱).
۵۱	در هنگام ظهور (۲).
۵۱	یاران امام .
۵۱	رفتار آن حضرت باستمگران پس از قیام .
۵۱	نوآوری قائم .
۵۲	جهان پس از ظهور مهدی علیه السلام .

۵۲	پس از قائم علیه السلام .
۵۲	ایمان .
۵۲	ایمان .
۵۳	ایمان و اسلام .
۵۳	ریشه ایمان .
۵۳	حقیقت ایمان (۱) .
۵۴	حقیقت ایمان (۲) .
۵۴	حقیقت ایمان (۳) .
۵۴	حقیقت ایمان (۴) .
۵۵	حقیقت ایمان (۵) .
۵۵	ایمان و عمل .
۵۶	مرجئه .
۵۶	ایمان و گناهان (۱) .
۵۷	ایمان و گناهان (۲) .
۵۷	ایمان و گناهان (۳) .
۵۷	ایمان کامل .
۵۸	آنچه ایمان را کامل می کند (۱) .
۵۸	آنچه ایمان را کامل می کند (۲) .
۵۹	آنچه ایمان را کامل می کند (۳) .
۵۹	ایمان و آرامش .
۵۹	افزایش یافتن ایمان .
۵۹	درجات ایمان .
۶۰	برترین ایمان .
۶۰	شاخه های ایمان .

۶۰	 ارکان ایمان .
۶۱	 محکمترین حلقه های ایمان .
۶۱	 ایمان استوار و ایمان عاریتی و ناپایدار .
۶۱	 عوامل استوار شدن ایمان .
۶۲	 چشیدن طعم ایمان .
۶۲	 نچشیدن طعم ایمان .
۶۲	 نچشیدن حلاوت ایمان .
۶۳	 کمترین درجه ایمان .
۶۳	 آنچه ایمان را سلب می کند .
۶۳	 کمترین چیزی که ایمان را سلب می کند .
۶۳	 آنچه با ایمان سازگار نیست .
۶۴	 مقتضیات ایمان .
۶۵	 علت نامگذاری مؤمن به این نام .
۶۵	 ارجمندی مؤمن .
۶۶	 مؤمنان همچون یک پیکرند .
۶۶	 مؤمن کیست ؟ (۱) .
۶۸	 مؤمن کیست ؟ (۲) .
۶۹	 صلابت مؤمن .
۶۹	 کرنش همه چیز برای مؤمن .
۷۰	 مؤمنان اندکند .
۷۰	 نشانه های مؤمن .
۷۱	 صفات مؤمنان .
۷۱	 بهترین مؤمنان .
۷۱	 امانتداری .

۷۱	 امانتداری .
۷۲	 کسی که امانتدار نباشد ایمان ندارد.
۷۳	 دستاوردهای امانتداری .
۷۳	 کسانی که نباید به آنها امانت سپرد.
۷۳	 امانت الهی .
۷۴	 زنهار دادن .
۷۴	 زنهار دادن .
۷۴	 پیمان‌داری .
۷۴	 احترام گذاشتن به پیمانها و زنهارها.
۷۵	 همدمی .
۷۵	 همدمی .
۷۵	 انس با خدا.
۷۵	 انسان .
۷۵	 اشاره .
۷۶	 شرافت مؤمن .
۷۶	 فلسفه آفرینش انسان .
۷۷	 چگونگی آفرینش انسان .
۷۸	 ناتوانی انسان .
۷۸	 معیار انسان (۱).
۷۸	 معیار انسان (۲).
۷۸	 ویژگی انسان کامل .
۷۸	 ظروف طلا و نقره .
۷۹	 بخل .
۷۹	 بخل .

۸۰	 بخیل .
۸۰	 ویژگیهای بخیل .
۸۱	 بخیل کمتر آسایش دارد.
۸۱	 بخیلترین مردم .
۸۱	 نشانه بخل .
۸۱	 بدعت .
۸۱	 (جدید)
۸۲	 بدعتگذاران .
۸۲	 معنای بدعت .
۸۲	 رویگرداندن از بدعتگذار.
۸۲	 بدعتگذار و عبادت .
۸۳	 بطلان عمل بدعتگذار.
۸۳	 توبه بدعتگذار.
۸۳	 بدا.
۸۳	 بدا.
۸۳	 معنای بدا.
۸۴	 بدای محال .
۸۴	 ابدال .
۸۴	 ابدال .
۸۵	 ولخرجی .
۸۵	 ولخرجی .
۸۵	 معنای ولخرجی .
۸۵	 نیکوکاری .
۸۵	 نیکوکاری .

درها و گنجهای نیکوکاری .	۸۶
نشانه نیکوکار.	۸۶
مراتب نیکوکاری .	۸۶
فرمان به نیکوکاری نسبت به یکدیگر.	۸۶
نیکوکاری کامل .	۸۷
برزخ .	۸۷
برزخ .	۸۷
ارواح مؤمنان در برزخ .	۸۷
ارواح کافران در برزخ .	۸۸
بابرکت .	۸۸
عوامل برکت زا.	۸۸
عوامل برکت زدا.	۸۹
برهان .	۸۹
(جدید) .	۸۹
برهان خواهی .	۸۹
خوشرویی .	۹۰
خوشرویی .	۹۰
برابری هشدار و نوید.	۹۱
درباره مرکز تحقیقات رایانه‌ای قائمیه اصفهان	۹۲

میزان الحکمة جلد ۱

مشخصات کتاب

سرشناسه : محمدی ری شهری، محمد، ۱۳۲۵ -

عنوان قراردادی : میزان الحکمة . فارسی - عربی

عنوان و نام پدیدآور : میزان الحکمة (با ترجمه فارسی) / محمدی ری شهری ؛ ترجمه حمیدرضا شیخی ؛ مقابله و تصحیح علی حچیمی ... [و دیگران] ؛ ویراستار فارسی سعیدرضا علی عسکری، محمد باقری زاده اشعری، قاسم شیرجعفری ؛ ویراستار عربی کمال کاتب ... [و دیگران].

وضعیت ویراست : ویراست ۲.

مشخصات نشر : قم: موسسه علمی فرهنگی دارالحديث، سازمان چاپ و نشر، ۱۳۸۶-

مشخصات ظاهری : ج.

فروست : پژوهشکده علوم و معارف حدیث؛ ۵.

شابک : دوره ۷-۲۰۰-۴۹۳-۹۶۴-۹۷۸ ؛ دوره، چاپ نهم ۹-۳۵۰-۴۹۳-۹۶۴-۹۷۸ ؛ ۵۵۰۰۰۰ ریال: ج. ۱ ۹۷۸-۹۶۴-۴۹۳-۲۰۱-۲۰۰-۴۹۳-۹۶۴-۹۷۸ ؛ ۸۵۰۰۰۰ ریال: ج. ۱، چاپ نهم ۶-۳۵۱-۴۹۳-۹۶۴-۹۷۸ ؛ ۵۵۰۰۰۰ ریال: ج. ۲ □ چاپ هفتم ۱-۲۰۲-۴۹۳-۹۶۴-۹۷۸ ؛ ۸۵۰۰۰۰ ریال: ج. ۲، چاپ نهم ۳-۳۵۲-۴۹۳-۹۶۴-۹۷۸ ؛ ۸۵۰۰۰۰ ریال: ج. ۳، چاپ نهم ۰-۳۵۳-۴۹۳-۹۶۴-۹۷۸ ؛ ۵۵۰۰۰۰ ریال: ج. ۴ ۹۷۸-۹۶۴-۴۹۳-۲۰۴-۵- ؛ ۸۵۰۰۰۰ ریال: ج. ۴، چاپ نهم ۷-۳۵۴-۴۹۳-۹۶۴-۹۷۸ ؛ ۵۵۰۰۰۰ ریال (ج. ۵، چاپ هفتم) ؛ ۸۵۰۰۰۰ ریال: ج. ۵، چاپ نهم ۴-۳۵۵-۴۹۳-۹۶۴-۹۷۸ ؛ ۵۵۰۰۰۰ ریال (ج. ۶ □ چاپ هفتم) ؛ ۸۵۰۰۰۰ ریال: ج. ۶، چاپ نهم ۱-۳۵۶-۴۹۳-۹۶۴-۹۷۸ ؛ ۸۵۰۰۰۰ ریال: ج. ۷، چاپ نهم ۸-۳۵۷-۴۹۳-۹۶۴-۹۷۸ ؛ ۵۵۰۰۰۰ ریال: ج. ۸، چاپ هفتم ۹۷۸-۹۶۴-۴۹۳-۲۰۸-۳- ؛ ۸۵۰۰۰۰ ریال: ج. ۸، چاپ نهم ۵-۳۵۸-۴۹۳-۹۶۴-۹۷۸ ؛ ۸۵۰۰۰۰ ریال: ج. ۹، چاپ نهم ۲-۳۵۹-۴۹۳-۹۶۴-۹۷۸ ؛ ۵۵۰۰۰۰ ریال: ج. ۱۰، چاپ هفتم ۶-۲۱۰-۴۹۳-۹۶۴-۹۷۸ ؛ ۸۵۰۰۰۰ ریال: ج. ۱۰، چاپ نهم ۸-۳۶۰-۴۹۳-۹۶۴-۹۷۸ ؛ ۵۵۰۰۰۰ ریال: ج. ۱۱، چاپ دوازدهم ۸-۳۶۰-۴۹۳-۹۶۴-۹۷۸ ؛ ۵۵۰۰۰۰ ریال: ج. ۱۱، چاپ هفتم ۷-۲۰۰-۴۹۳-۹۶۴-۹۷۸ ؛ ۷۰۰۰۰۰ ریال: ج. ۱۱، چاپ هشتم ۳-۲۱۱-۴۹۳-۹۶۴-۹۷۸ ؛ ۸۵۰۰۰۰ ریال: ج. ۱۱، چاپ نهم ۵-۳۶۱-۴۹۳-۹۶۴-۹۷۸ ؛ ۵۵۰۰۰۰ ریال: ج. ۱۲، چاپ هفتم ۹۷۸-۹۶۴-۴۹۳-۲۱۲-۰- ؛ ۸۵۰۰۰۰ ریال: ج. ۱۲، چاپ نهم ۲-۳۶۲-۴۹۳-۹۶۴-۹۷۸ ؛ ۵۵۰۰۰۰ ریال (ج. ۱۳، چاپ هفتم) ؛ ۷۰۰۰۰۰ ریال: ج. ۱۳، چاپ هشتم ۷-۲۰۰-۴۹۳-۹۶۴-۹۷۸ ؛ ۸۵۰۰۰۰ ریال: ج. ۱۳، چاپ نهم ۹-۳۶۳-۴۹۳-۹۶۴-۹۷۸ ؛ ۵۵۰۰۰۰ ریال: ج. ۱۴، چاپ هفتم ۴-۲۱۴-۴۹۳-۹۶۴-۹۷۸ ؛ ۷۰۰۰۰۰ ریال (ج. ۱۴ □ چاپ هشتم) ؛ ۸۵۰۰۰۰ ریال: ج. ۱۴، چاپ نهم ۹۷۸-۹۶۴-۴۹۳-۳۶۴-۶- :

یادداشت : فارسی - عربی.

یادداشت : چاپ هفتم.

یادداشت : ج. ۱ - ۸، ۹ و ۱۰ - ۱۴ (چاپ نهم: ۱۳۸۷).

یادداشت : ج. ۲ □ ۴، ۵، ۶، ۸ □ ۱۰ - ۱۴ (چاپ هفتم: ۱۳۸۶).

یادداشت : ج. ۸ و ۱۰ (چاپ دوازدهم: ۱۳۹۰).

یادداشت : ج. ۱۱، ۱۳ □ ۱۴ (چاپ هشتم: ۱۳۸۶).

یادداشت : کتابنامه.

یادداشت : نمایه.

مندرجات : ج. ۱. آ - ب. ج. ۲. ب - ح. ج. ۳. ح - خ. ج. ۴. د - ر. ج. ۵. ز - ش. ج. ۶. ش - ظ. ج. ۷. ع. ج. ۸. ع - غ. ج. ۱۱. م - ن. ج. ۱۲. ن - ه. ج. ۱۳. ه - ی. ج. ۱۴. فهرست‌ها

موضوع : احادیث

موضوع : احادیث شیعه -- قرن ۱۴

موضوع : احادیث اهل سنت -- قرن ۱۴

شناسه افزوده : شیخی، حمیدرضا، ۱۳۳۷ -، مترجم

شناسه افزوده : علی‌عسکری، سعیدرضا، ۱۳۴۴ -، ویراستار

شناسه افزوده : کاتب، کمال، ویراستار

شناسه افزوده : موسسه علمی - فرهنگی دارالحديث. سازمان چاپ و نشر

رده بندی کنگره : BP۱۱۶/۵ م۳م ۹۰۴۱ ۱۳۸۶

رده بندی دیویی : ۲۹۷/۲۱

شماره کتابشناسی ملی : ۱۲۰۱۷۱۴

اشاره

ایثار.

ارزش ایثار.

تاثیر ایثار بر مکارم اخلاق .

ارزش ایثارگران .

جایگاه والای ایثار.

پاداش .

مزد درستکاران و نیکو کاران .

پاداش آخرت .

پاداش عظیم .

پاداش ارجمند.

پاداش بی منت و بی پایان .

دوبار پاداش دادن .

اجاره .

کراهت اجیر شدن .

دلالتی در اجاره .

ستم کردن در حق مزدبر.

تعیین کارمزد.

آداب مزد دادن .

امام اجیر امت است .

اجل .

اجل دژی استوار است .

هر پدیده ای عمری دارد.

هر امتی اجلی (سرآمدی) دارد.

اجل معلق واجل محتوم .

آنچه اجل معلق را دور می کند.

آخرت .

عظمت امور آخرت .

آخرت , سرای ماندگار.

آخرت , سرای زندگی .

برتری آخرت .

یاد آخرت .

کار برای آخرت .

اهتمام ورزیدن به آخرت .

صفت اهل آخرت .

برادر.

مؤمنان با هم برادرند.

برادران راستین .

دوست داشتن برادران .

عوامل پایداری دوستی .

دوستی و برادری برای خدا.

برادری کردن به خاطر دنیا.

برادری و دوستی دینی .

عوامل نابود کننده برادری .

اظهار محبت نسبت به برادر.

بریدن از برادران .

پیوند با برادران .

اقسام برادران .

برادر مورد اعتماد.

نهی از برخی برادرها و دوستها.

نگه داشتن برادریهای دیرینه .

برادری حقیقی .

انتخاب برادر.
تحمل لغزش برادر.
بهترین برادران .
برادر کامل .
بدترین برادران .
آزمودن برادران .
راهنمایی برادران .
احترام و بزرگداشت برادران .
برآوردن نیاز برادران .
آداب برادری .
ادب .
جامه ادب .
تربیت ناپسند.
ادب و خرد.
تادیب و تربیت نفس .
دستآورد ادب .
تفسیر ادب .
بهترین ادب .
تشویق به ادب کردن فرزندان.
چگونگی تربیت .
نکاتی که در تربیت باید رعایت شود.
تربیت پیامبر به وسیله خداوند.
مؤدب شدن به آداب خدایی .
تادیب خداوند.
اذان .
اذان گو.
تفسیر اذان .
تشویق به اذان گفتن در گوش نوزاد.
آزردن .
آزردن مؤمن .
نیازردن .
شکیبایی برآزار دیدن در راه خدا.
تاریخ .

مبدا تاریخ هجری .

زمین .

احکام زمین .

هرکس زمینی را احیا کند از آن اوست .

میراندن زنده ها.

اسیر.

تن به اسارت دادن روا نیست .

خوشرفتاری با اسیر.

سرمشق .

اصول .

همه چیز مطلق و آزاد است .

همه چیز پاک است .

یقین باشک کردن از میان نمی رود.

مواردی که در ید قدرت خدا (و خارج از اختیار بشر) است .

آنچه را خدا پوشیده داشته است .

اصول گوناگون .

آفتها.

خوردن .

کم خوری .

پر خوری .

به اندازه خوردن و تاثیر آن در تندرستی .

پیامدهای سوء پر خوری .

سیری شکم پارسایی را تباه می کند.

گرسنگی .

رهاورد گرسنگی .

اندازه خوردن .

از آداب سفره .

الفت .

در کسی که با دیگران انس و الفت نمی گیرد خیری نیست .

الله .

فرمانروایی .

ضرورت فرمانروایی .

فرمانروایی بدکاران .

- ارزش حکومت .
- آرزو.
- آرزو رحمت است .
- آرزوها را پایانی نیست .
- پرهیز دادن از آرزوهای پوچ و باطل .
- آرزو و اجل .
- نتایج آرزوی دراز.
- آرزوی کوتاه .
- نهی از امید بستن به غیر خدا.
- امت .
- جایگاه امت اسلامی .
- نیکان امت .
- امت میانه .
- آنچه مایه خیر و خوبی امت است .
- مقام امت اسلام در آخرت .
- چیرگان و قیام کنندگان امت اسلامی .
- تبانی ملت‌ها بر ضد امت اسلام .
- نگرانی پیامبر درباره امتش / ۱.
- نگرانی پیامبر در باره امتش / ۲.
- نگرانی پیامبر برای امتش / ۳.
- امامت ۱ / امامت عامه .
- امامت .
- امامت مایه کمال دین است .
- امامت شالوده اسلام است .
- امامت ریشه همه خوبی‌هاست .
- امامت رشته کار((۱۳)) امت است .
- امامت راه خداوند است .
- تفسیر امامت به نور.
- برتری امامت بر نبوت .
- ناگزیری از حجت (نیاز به رهبر الهی).
- حجت , امامی است شناخته شده .
- گاه حجت در بیم و گمنامی به سر می برد.
- اگر امام نباشد زمین در هم فرو رود.

فراخواندن هرامتی با امام و پیشوای آن .

شناخت امام .

پیامد شناختن و نشناختن امام .

آن که بی شناختن امام زمان خود بمیرد.

کسی که امام را نمی شناسد و او را انکار هم نمی کند.

شرایط امامت و ویژگیهای امام .

موانع امامت و رهبری .

آنچه خداوند بر پیشوایان حق واجب کرده .

حقوق متقابل امام و امت .

پیشوایان شما نمایندگان شما هستند.

پیشوایان دوزخ .

مدعی امامت .

احادیث ساختگی برای تثبیت پیشوایی پیشوایان ستمگر.

از کسی که فرمانبر خداوند سبحان نیست نباید فرمان برد.

شورش علیه حکمرانان ستمگر از دیدگاه معتزله .

امامت ۲ / امامت خاصه ۱.

انتخاب امام .

حدیث ثقلین .

وجوب پیروی از اهل بیت .

پاره ای از ویژگیهای اهل بیت .

فلسفه حکومت از نگاه اهل بیت .

ترس از تفرقه و جدایی .

امامان دوازدهگانه .

علم امام .

امامت ۳ / امامت خاصه ۲.

دوست داشتن امام علی علیه السلام .

دشمن داشتن امام علی علیه السلام .

علی پیشوای نیکوکاران .

علی امام و پیشوای شماسست .

علی جانشین من است .

علی ولی هر مؤمنی است .

علی با حق است .

علی با قرآن است .

علی حجت خداست .

علی دروازه علم پیامبر است .

علی داناترین مردم پس از من است .

من و علی از یک درخت هستیم .

تو برادر من هستی .

علی از من و من از اویم .

تو برای من همچون هارونی .

ولایت علی .

(۲) علی از زبان پیامبر صلی الله علیه و آله (متفرقه) .

(۳) علی از زبان علی همانا من .

اسلام امام علی علیه السلام .

علم و دانش امام علی علیه السلام .

مظلومیت امام علی علیه السلام .

(۴) علی از زبان علی (متفرقه) .

امامت ۳ / امامت خاصه ۲ .

فاطمه پاره تن پیامبر .

فاطمه سرور زنان عالم است .

خشم گرفتن خدا برای خشم فاطمه .

نامگذاری آن دو بزرگوار .

سروران جوانان بهشت .

دوست داشتن حسنین .

هدیه پیامبر به حسنین .

امامت حسنین .

تصریح به امامت آن بزرگوار .

حسن از من است و من از اویم .

محبت امام حسن علیه السلام .

عبادت امام حسن علیه السلام .

تصریح به امامت آن بزرگوار .

حسین از من و من از حسینم .

تصریح به امامت آن بزرگوار .

منزلت امام زین العابدین علیه السلام .

تصریح به امامت آن بزرگوار .

شکافنده علم و دانش .

- تصریح به امامت آن بزرگوار.
- اخلاق و رفتار پسندیده آن حضرت .
- تصریح به امامت آن حضرت .
- امام در زندان .
- تصریح به امامت آن حضرت .
- امام در زندان سرخس .
- آگاهی امام از زبانهای مختلف .
- آرامش امام .
- تصریح به امامت آن بزرگوار.
- تصریح به امامت آن بزرگوار.
- امام در زندان .
- تصریح به امامت آن بزرگوار.
- حالت امام در زندان .
- نامهای امام .
- نص بر امامت آن حضرت .
- بشارت به مهدی علیه السلام .
- مهدی بقیه الله در زمین است .
- قیامت برپانشود تا مهدی علیه السلام ظهور کند.
- همنامی آن امام و پیامبر.
- دو غیبت امام قائم علیه السلام .
- دعا در زمان غیبت امام علیه السلام .
- حکم قیام کردن قبل از قیام قائم (۱).
- قیام کردن قبل از قیام قائم (۲).
- انتظار فرج (گشایش).
- انتظار فرج برترین عبادت است .
- ظهور قائم علیه السلام پس از نوبدی مردم .
- تعیین کنندگان وقت ظهور دروغگویند.
- علت غیبت .
- بهره گیری مردم از امام در زمان غیبت .
- نشانه های ظهور.
- در هنگام ظهور (۱).
- در هنگام ظهور (۲).
- یاران امام .

رفتار آن حضرت باستمگران پس از قیام .

نوآوری قائم .

جهان پس از ظهور مهدی علیه السلام .

پس از قائم علیه السلام .

ایمان .

ایمان و اسلام .

ریشه ایمان .

حقیقت ایمان (۱).

حقیقت ایمان (۲).

حقیقت ایمان (۳).

حقیقت ایمان (۴).

حقیقت ایمان (۵).

ایمان و عمل .

مرجئه .

ایمان و گناهان (۱).

ایمان و گناهان (۲).

ایمان و گناهان (۳).

ایمان کامل .

آنچه ایمان را کامل می کند (۱).

آنچه ایمان را کامل می کند (۲).

آنچه ایمان را کامل می کند (۳).

ایمان و آرامش .

افزایش یافتن ایمان .

درجات ایمان .

برترین ایمان .

شاخه های ایمان .

ارکان ایمان .

محکمترین حلقه های ایمان .

عوامل استوار شدن ایمان .

چشیدن طعم ایمان .

نچشیدن طعم ایمان .

نچشیدن حلاوت ایمان .

کمترین درجه ایمان .

آنچه ایمان را سلب می کند.

کمترین چیزی که ایمان را سلب می کند.

آنچه با ایمان سازگار نیست .

مقتضیات ایمان .

علت نامگذاری مؤمن به این نام .

ارجمندی مؤمن .

مؤمنان همچون یک پیکرند.

مؤمن کیست ؟ (۱).

مؤمن کیست ؟ (۲).

صلابت مؤمن .

کرنش همه چیز برای مؤمن .

مؤمنان اندکند.

نشانه های مؤمن .

صفات مؤمنان .

بهترین مؤمنان .

امانتداری .

کسی که امانتدار نباشد ایمان ندارد.

دستاوردهای امانتداری .

کسانی که نباید به آنها امانت سپرد.

امانت الهی .

زنهار دادن .

پیمانداری .

احترام گذاشتن به پیمانها و زنهارها.

همدمی .

انس با خدا.

انسان .

کرامت و بزرگواری آدمیان .

شرافت مؤمن .

فلسفه آفرینش انسان .

چگونگی آفرینش انسان .

ناتوانی انسان .

معیار انسان (۱).

معیار انسان (۲).

- ویژگی انسان کامل .
- ظروف طلا و نقره .
- بخل .
- بخیل .
- ویژگیهای بخیل .
- بخیل کمتر آسایش دارد.
- بخیلترین مردم .
- نشانه بخل .
- بدعت .
- بدعتگذاری .
- بدعتگذاران .
- معنای بدعت .
- رویگرداندن از بدعتگذار.
- بدعتگذار و عبادت .
- بطلان عمل بدعتگذار.
- توبه بدعتگذار.
- بدا.
- معنای بدا.
- بدای محال .
- ابدال .
- ولخرجی .
- معنای ولخرجی .
- نیکوکاری .
- درها و گنجهای نیکوکاری .
- نشانه نیکوکار.
- مراتب نیکوکاری .
- فرمان به نیکوکاری نسبت به یکدیگر.
- نیکوکاری کامل .
- برزخ .
- ارواح مؤمنان در برزخ .
- ارواح کافران در برزخ .
- بابرکت .
- عوامل برکت زا.

عوامل برکت زدا.

برهان .

برهان خداوند.

برهان خواهی .

خوشرویی .

برابری هشدار و نوید.

حرف الف

- الايثار: ((ايثار)) ۲۱ .

- الاجر: ((پاداش)) ۲۹ .

- الاجاره: ((اجاره)) ۳۵ .

- الاجل: ((اجل)) ۴۳ .

- الاخره: ((آخرت)) ۵۱ .

- الاخ: ((برادر)) ۶۳ .

- الادب: ((ادب)) ۹۱ .

- الاذان: ((اذان)) ۱۱۱ .

- الايذا: ((آزردن)) ۱۱۷ .

- التاريخ: ((تاریخ)) ۱۲۳ .

- الارض: ((زمین)) ۱۲۹ .

- الارض: ((زمین)) ۱۲۹ .

- الاسير: ((اسیر)) ۱۳۵ .

- الاسوة: ((سرشتی)) ۱۳۹ .

- الاصول: ((اصول)) ۱۴۳ .

- الافات: ((آفتها)) ۱۴۹ .

- الاكل: ((خوردن)) ۱۵۵ .

- الالفه: ((الف)) ۱۶۹ .

- الله: ((الله)) ۱۷۳ .

- الاماره: ((فرمانروایی)) ۱۷۷ .

- الامل: ((آرزو)) ۱۸۳ .

- الامه: ((امت)) ۱۹۳ .

- الامامة: ((امامت)) ۲۰۵ .

- الايمان: ((ایمان)) ۳۵۷ .

- الامانة: ((امانتداری)) ۴۰۷.

- الامان: ((زنهار دادن)) ۴۱۷.

- الانس: ((همدمی)) ۴۲۱.

- الانسان: ((انسان)) ۴۲۵.

- الانا: ((ظرف)) ۴۳۵.

ایثار.

.۷

پاداش.

مزد درستکاران و نیکو کاران.

قرآن.

((و آنان که به کتاب چنگ می آویزند و نماز را بر پامی دارند, (بدانند که) ما اجر درستکاران را تباه نمی سازیم)).
((همانا خداوند اجر نیکوکاران را ضایع نمی کند)).

((آنان که ایمان آوردند و کارهای نیک کردند (بدانند که) ما پاداش کسی را که نیکوکاری کرده ضایع نمی کنیم)).
- امام علی علیه السلام خداوند خواست تا ما پاسدار شریعتش باشیم و نگهدار حرمتش مؤمن ما از این کار در پی پاداش بود و کافر ما از تبار خویش حمایت می کرد.

- آن حضرت به حسن و حسین, فرمود: حق بگوئید و برای پاداش (آخرت) کار کنید.

- امام علی علیه السلام اجر مجاهد شهید در راه خدایشتر از آن کسی نیست که توانایی (بر گناه) داشته باشد اما پاکدامنی ورزد.
نزدیک است انسان پاکدامن فرشته ای از فرشتگان شود.

اجاره.

قرآن.

((آیا آنان رحمت پروردگارت را قسمت می کنند؟

روزی آنان در زندگی دنیا را ما میان ایشان قسمت می کنیم و درجات و مراتب برخی را بر برخی دیگر بالا می بریم تا یکدیگر را به خدمت گیرند و رحمت پروردگارت از آنچه آنها گرد می آورند, بهتر است)).

((یکی از آن دو گفت: ای پدر! او را به کار گیر, او بهترین کسی است که می توانی به کار بگیری, هم نیرومند است و هم درستکار)).

- امام علی علیه السلام, در باره آیه ((ما روزی ایشان را میانشان قسمت می کنیم)), فرمود: خداوند سبحان با این آیه به ما خبر داده که اجاره یکی از راههای معیشت مردمان است, زیرا, با حکمت خود, همتها و خواستها و دیگر احوال ایشان را متفاوت و دیگرگون قرار داد و این امر را مایه قوام معیشت خلق ساخت, چون یک مرد مردی دیگر را اجیر می کند اگر مردی از ما ناچار شود کار بنایی یا نجاری و یا صنعتگری دیگر پیشه ها را برای خویش, انجام دهد با این وضعیت کارهای دنیا روبراه نمی شود و

آنها نیز فرصتش را ندارند و به یقین از انجام آن ناتوانند اما خداوند به این صورت تدبیری دقیق کرد که خواسته هایشان را گونه گون سازد و خواسته هر کس که به چیزی تعلق گرفت هر یک برای دیگری آن را انجام دهد، و هر کدام با کمک دیگری آن طور که مصلحت حالش اقتضا دارد، امور زندگانی اش را پیش ببرد.

اجل.

- امام علی علیه السلام اجلها (مدت عمر) را مشخص ساخته، برخی را کوتاه و برخی را دراز گردانید و پاره ای را پس و برخی را پیش انداخت و عوامل آنها را به مرگ پیوند داد (موجبات به سرآمدن اجل را فراهم آورد).
- مدت زندگانی (اجل) میدان راندن جان است و گریز از مرگ رسیدن بدان.
- راست ترین چیز، اجل و مرگ است.
- چیزی راست تر از اجل و مرگ نیست.
- نزدیکترین چیز اجل است.
- بهترین دارو اجل است.
- نفسهای آدمی گامهای او به سوی مرگ است.
- هر که مراقب اجل خود باشد، فرصتهایش را غنیمت شمارد.

آخرت.

قرآن.

- ((و آنان که به آنچه بر تو و پیش از تو فرو فرستاده ایم ایمان می آورند و به روز واپسین یقین دارند)).
- ((برای هیچ پیامبری نسزد که اسیرانی داشته باشد تا (کاملاً پیروز شود) و جای پای خود را در زمین محکم کند شما متاع ناپایدار دنیا را می خواهید و خدا سرای دیگر را می خواهد و خداوند پیروزمند و حکیم است.
- ((برخی از شما دنیا را می خواهند و برخی خواهان آخرتند)).
- ((هر کس کشت آخرت را بخواهد به کشته اش می افزاییم و هر کس کشت دنیا را بخواهد از همان به او عطا می کنیم و در آخرت بهره و نصیبی ندارد)).
- امام علی علیه السلام هلا- ای مردمان! دنیا متاعی است آماده که هر نیکوکار و بدکاری از آن می خورد و آخرت وعده ای است راست که فرمانروایی توانا در آن روز داوری می کند)).
- اوضاع و احوال دنیا تابع اتفاق است و اوضاع و احوال آخرت تابع استحقاق و شایستگی.
- دنیا پشت کرده و بدرود گویان است و آخرت روی آورده و آشکار شده است امروز روز آماده شدن است و فردا روز پیشی گرفتن.
- هر کس آزمند آخرت باشد آن را به دست آورد و هر که برای دنیا حرص زند نابود شود.
- دنیا آرزوی بدبختان است و آخرت پیروزی نیکبختان.
- از دنیای خود برای آخرت بهره ای برگیر.
- خود را به کار آخرت که ناگزیر از آنید سرگرم دارید.
- به آخرت چنگ درزن، دنیا خود با خواری پیش تو خواهد آمد.

- امروز عمل است نه حسابرسی و فردا حسابرسی است نه عمل .

- برای روزی آماده شوید که چشمها در آن روز خیره ماند و خردها از دهشت و هراس آن از کار بیفتند و هوش و ذکاوتها به کودنی گراید.

- همانا دنیا از تو جدا شدنی و آخرت به تو نزدیک است .

- همانا شما به سوی آخرت روانید و در پیشگاه خداوند حاضر خواهید شد.

برادر.

مؤمنان با هم برادرند.

قرآن .

((همانا مؤمنان با هم برادرند، پس میان برادرانتان آشتی دهید و از خدا پروا کنید، باشد که بر شما رحمت آرد)).

- امام علی علیه السلام بسا برادری که از مادرت زاییده نشده است .

- امام عسکری علیه السلام ، در نامه ای به مردم قم و آبه ((۲)) نوشت : عالم سلام الله علیه می گوید: مؤمن ، برادر تنی مؤمن است .

- امام صادق علیه السلام همانا مؤمنان برادران یکدیگرند و فرزندان یک پدر و مادر می باشند و اگر رگی از یکی بجنبند (و ناراحت باشد) دیگران به خاطر او شب را نمی خوابند.

- مؤمن برادر مؤمن است ، چشم او و راهنمای اوست به او خیانت و ستم نمی کنند، فرییش نمی دهد و وعده ای نمی دهد که به آن عمل نکند.

- مؤمن برادر مؤمن است ، همچون یک پیکر که هرگاه عضوی از آن به درد آید دیگر اندامها آن درد را حس می کنند، ارواح آنها از یک روح است .

- هر چیزی به چیزی آرام می گیرد و مؤمن به برادر مؤمن خود آرامش می یابد چنانکه پرنده به همجنس خود آرام می گیرد.

--

--

- پیامبر خدا صلی الله علیه و آله مؤمن به مؤمن آرام می گیرد، چنان که جگر تشنه با آب سرد.

- امام علی علیه السلام ای کمیل ! مؤمنان با هم برادرند و برای برادر چیزی ارجح از برادر نیست .

- امام باقر علیه السلام مؤمن برادر تنی مؤمن است !.

- پیامبر خدا صلی الله علیه و آله مؤمنان برادرند، خونشان برابر است ، در برابر دیگران یکدستند و کمترین آنها (می تواند) کسی را به امان و زندها همه شان درآورد.

ادب.

- امام علی علیه السلام ادب کمال آدمی است .

- خرد آدمی مایه سامان یافتن اوست و ادبش مایه قوام و استواریش و راستی اش پیشوای اوست و سپاسگزاریش کمال او.

- ای مؤمن ! این دانش و ادب جان بهای توست ، پس در فراگرفتن آن دو کوشا باش که هر چه بر دانش و ادبت افزوده شود، قدر

وارزشت فزونی گیرد.

- تو به ادب خود ارزش می یابی پس آن را با بردباری زینت بخش .

- هر که بهترین خصلتش ادبش نباشد کمترین وضع او گرفتاری و هلاکت است .

- ادب بهترین خوی است .

- برترین شرافت ادب است .

- بهترین چیزی که پدران برای فرزندان به میراث گذارند ادب است .

- ادب نیکو بهترین پشتیبان و برترین همنشین است .

- جوینده ادب دورانیش تر از جوینده طلاست .

- مردم به ادب نیک نیازمندترند تا به زر و سیم .

- سه چیز است که بالاتر از آنها وجود ندارد: ادب نیکو، دوری از شبهه و خویشنداری از نارواها.

- پیامبر خدا صلی الله علیه و آله ، هنگامی که معاذ را به یمن فرستاد، فرمود: ای معاذ! کتاب خدا را به آنها بیاموز و ایشان را بااخلاق شایسته ، خوب تربیت کن .

- ادب ، خود، شرافت و افتخار خانوادگی است .

- امام علی علیه السلام ادب یکی از دو شرافت خانوادگی است .

- بهترین شرافت و افتخار خانوادگی ادب نیکوست .

- گرامترین شرافت ادب نیکوست .

- ادب نیکو برترین تبار و والاترین خویشاوندی است .

- آموختن ادب آراستگی افتخارات و شرافت خانوادگی است .

- ادب بیاموز که آن زیور شرافت و افتخارات خانوادگی است .

- اندکی ادب بهتر است از تبار بسیار.

- ادب نیکو جایگزین شرافت و افتخارات خانوادگی است .

- شرافتی سودمندتر از ادب نیست .

- شرافتی گویاتر از ادب نیست .

- هر شرافت و افتخار خانوادگی پایان می پذیرد بجز خرد و ادب .

- ادب نیکو، تبار زشت را می پوشاند.

- کسی که ادب ندارد، شرافت خانوادگیش تباه شود.

اذان .

- پیامبر خدا صلی الله علیه و آله بلال ! برخیز و ما را بانماز آسایش بخش .

- شیطان چون آواز دعوت به نماز را بشنود بگریزد.

- اهل آسمان از ساکنان زمین چیزی جز اذان نمی شنوند.

آزردن .

- امام صادق علیه السلام سوگند به خدا که نیکان رستگار شدند، آیا می دانید آنها چه کسانی هستند؟ کسانی هستند که آزارشان به مورچه ای نمی رسد.
- پیامبر خدا صلی الله علیه و آله خوارترین مردم کسی است که مردمان را خرد و خوار شمارد.

تاریخ.

مبدا تاریخ هجری.

- ابن مسیب : عمر گفت : تاریخ را از چه زمانی محاسبه کنیم ؟

او برای این موضوع مهاجران را گرد آورد، علی علیه السلام به او فرمود: از روزی که پیامبر هجرت کرد و سرزمین شرک را ترک گفت عمر هم این کار را کرد.

- ابن مسیب : نخستین کسی که (مبدا) تاریخ را نوشت عمر بود او بعد از گذشت دو سال و نیم از خلافتش ، با مشورت علی بن ابی طالب ، شانزده سال از هجرت ثبت کرد.

- میمون بن مهران : سندی به عمر داده شد که سر رسید آن ماه شعبان بود، عمر گفت : کدام شعبان ؟

شعبان آینده یا شعبان گذشته و یا شعبان فعلی ؟

آن گاه به اصحاب پیامبر صلی الله علیه و آله گفت : برای مردم تاریخی وضع کنید که سردرگم نشوند یکی از ایشان گفت : براساس تاریخ روم بنویسید، گفتند: رومیها تاریخی طولانی دارند و از زمان ذوالقرنین حساب می کنند، گفتند: براساس تاریخ ایران بنویسید گفت : در ایران هر پادشاهی روی کار آمده ، (تاریخ) پیش از خود را به دور افکنده است پس ، همگی نظر دادند که از هجرت ده سال گذشته و لذا مبدا تاریخ را از هجرت پیامبر صلی الله علیه و آله حساب کردند.

- عمر بن خطاب مردم را گردآورد و از آنها درباره مبدا تاریخ پرسید علی علیه السلام گفت : از روزی که پیامبر هجرت کرد و در سرزمین شرک قدم گذاشت گویی اشاره داشت به این که بدعتی نگذارید و تاریخ را همان قرار دهید که در زمان رسول خدای نوشتند چون زمانی که پیامبر صلی الله علیه و آله در ماه ربیع الاول وارد مدینه شد دستور داد تاریخ آن را ثبت کنند.

- زهری و شعبی : هنگامی که آدم از بهشت به زمین آمد و فرزندانش در همه جا پراکنده شدند، پسران وی تاریخ را از زمان هبوط آدم حساب کردند و همان مبدا تاریخ شد تا آن که خداوند نوح را به پیامبری فرستاد و زان پس با بعثت نوح تاریخ می زدند بعد جریان طوفان پیش آمد و همان مبدا تاریخ شد سپس قضیه به آتش در افکندن ابراهیم رخ داد و فرزندان اسحاق از آتش ابراهیم تا زمان بعثت یوسف را تاریخ کردند و باز از پیامبری یوسف تا بعثت موسی و از زمان بعثت موسی تا پادشاهی سلیمان و از پادشاهی سلیمان تا بعثت عیسی و از بعثت عیسی تا زمان بعثت پیامبر خدا صلی الله علیه و آله فرزندان اسماعیل نیز از زمان در افکندن ابراهیم به آتش تا ساخته شدن خانه کعبه به دست ابراهیم و اسماعیل را تاریخ کردند پس ، از زمان ساخته شدن کعبه تا پراکندگی ((معد)) تاریخ بود پس ، هرگاه قومی از تهامه خارج می شدند، زمان خروج خود را تاریخ قرار می دادند تا آن کعب بن لوی در گذشت و از زمان مرگ او تا عام الفیل را تاریخ کردند بعد از آن عام الفیل مبدا تاریخ شد تا آن که عمر بن خطاب در سال هفده یا هجده مبدا تاریخ را از هجرت به حساب آورد.

- عبدالعزیز بن عمران : مردم همیشه تاریخ داشته اند در دوران نخست مبدا تاریخشان هبوط آدم از بهشت بود این تاریخ ادامه داشت تا آن که خداوند نوح را به پیامبری برگزید و مردم ، زمان نفرین نوح درباره قوم خود را آغاز تاریخ قرار دادند سپس طوفان را تاریخ گرفتند بعدها در افکندن ابراهیم به آتش را تاریخ کردند پس از آن فرزندان اسماعیل ، بنا نهادن کعبه را مبدا تاریخ

قرار دادند بعد مرگ کعب بن لؤی را و سپس عام الفیل را و پس از آن، مسلمانان هجرت پیامبر خدا را سرآغاز تاریخ قرار دادند.

زمین.

احکام زمین.

- امام صادق علیه السلام در تفسیر آیه ((خداوند زمین را به هر کس از بندگانش که بخواهد به میراث می دهد)) فرمود: آنچه از آن خداست متعلق به پیامبرش می باشد و آنچه از آن پیامبر خداست برای امام بعد از پیامبر خداصلی الله علیه و آله می باشد.

- امام باقر علیه السلام در کتاب علی علیه السلام یافته ایم که: ((همانا زمین از آن خداوند است و آن را به هر کس از بندگانش که بخواهد به ارث می دهد و فرجام از آن پرهیزگاران است)) و من و خاندانم همانان هستیم که [خداوند] زمین را به ما به ارث داده و ما مییم پرهیزگاران همه زمین از آن ماست پس، هر که یکی از زمینهای مسلمانان را احیا و آبادان سازد باید خراج آن را به امام ازخاندان من بپردازد و آنچه از آن زمین می خورد متعلق به اوست.

اسیر.

تن به اسارت دادن روا نیست.

- امام صادق علیه السلام زمانی که پیامبر خداصلی الله علیه و آله علی علیه السلام را برای اعلام برائت فرستاد، عده ای را نیز به همراه او گسیل داشت و فرمود: هر کس، بدون آن که زخمی سنگین بردارد، خود را تسلیم اسارت کند از ما نیست.

- امام علی علیه السلام هر کس، بدون جراحت شدید، تن به اسارت دهد، نباید برای آزادی او از بیت المال سربها داد، بلکه، درصورت تمایل خانواده اش، سر بهای او باید از مال خودش پرداخت شود.

سرمشق.

قرآن ::

((برای شما اگر به خدا و روز قیامت امیدی میدارید و خدا را فراوان یاد می کنید، پیامبر خدا سرمشق پسندیده ای است)).

((ابراهیم و همراهان او برای شما نیکو سرمشقی بوده اند)).

((آنها نیکو سرمشقی هستند برای شما: برای کسانی که از خدا و روز قیامت می ترسند و هر که رویگردان شود خدا بی نیاز و ستودنی است)).

- امام سجاد علیه السلام مبعوضترین مردم نزد خداوند کسی است که به سنت امامی اقتدا کند و به رفتار و کردارش نه.

- امام علی علیه السلام هر که خود را پیشوای مردم کند باید پیش از تعلیم دیگران خود را تعلیم دهد و قبل از زبان با کردارش تربیت کند.

اصول.

همه چیز مطلق و آزاد است.

- امام صادق علیه السلام همه چیز مطلق است تا آن که درباره آن گفته صریحی وارد شود.

- هر چیزی مطلق و آزاد است تا زمانی که درباره آن نهی برسد.

- همه چیز برای تو حلال است مگر آن که دقیقا بدانی آن حرام است که در این صورت باید آن را واگذاری همه چیزها همین حکم را دارند تا زمانی که خلاف آن برایت روشن شود یا بینه اقامه شود.

- تا زمانی که امری و نهی درباره اشیا به تو نرسد همه چیز آزاد است هر چیزی که در آن حلال و حرام باشد همیشه برای تو حلال است و تا وقتی یقین به حرمت بخشی از آن پیدا کنی، که در این صورت باید آن را ترک نمایی.

- هر چیزی که حلال و حرامی در آن باشد همواره برایت حلال است تا زمانی که دقیقا بدانی چیزی از آن حرام است که در این صورت باید آن را واگذاری.

خوردن.

کم خوری.

- امام علی علیه السلام کم خوردن نفس را گرامیترو تندرستی را پایدارتر می کند.

- هر که خوراکش کم باشد، دردهایش کم است.

- هر کس خوراکش اندک باشد، اندیشه اش زلال است.

- پیامبر خدا صلی الله علیه و آله هر که خوراکش کم باشد کمتر حساب پس دهد.

- آن که غذا کم خورد معده اش سالم ماند و صفای دل یابد و هر که پرخور باشد معده اش بیمار و قلبش سخت شود.

- بپوشید و تا نیمی از گنجایش معده ها بخورید و بیاشامید، که این بخشی از پیامبری است.

- هر که زیاد تسبیح و تمجید حق کند و کم خورد و کم نوشد و کم خوابد، فرشتگان مشتاق او شوند.

- امام علی علیه السلام هر گاه خداوند بخواهد بنده خود را اصلاح گرداند سه چیز نصیب او کند کم گویی، کم خوری و کم خوابی.

- کم خوری نشانه پاکدامنی است و پرخوری نشانه اسراف و زیاده روی.

الفت.

قرآن.

((اوست که تو را به یاری خویش و به یاری مؤمنان تایید کرد و دلهایشان را به یکدیگر الفت داد اگر تو همه آنچه را که در روی زمین است انفاق می کردی دلهای ایشان را با یکدیگر الفت نمی دادی، ولی خداوند دلهایشان را با یکدیگر مهربان ساخت که او پیروزمند و حکیم است)).

((و از نعمتی که خدا به شما ارزانی داشته است یاد کنید: آن هنگام که دشمن یکدیگر بودید و او دلهایتان را با هم الفت داد و به لطف او برادر شدید)).

- امام علی علیه السلام از جای کردن کوههای استوار آسانتر است تا الفت دادن دلهای از هم ریمیده.

- دلهای مردمان رمنده است، هر که با آنها الفت گیرد به او روی آورند.

- امام صادق علیه السلام نیکوکاران چون با هم روبه رو شوند --- هر چند به زبان اظهار دوستی و محبت با هم نکنند --- دلهایشان، به سرعت در آمیختن باران با آب رودخانه ها، به هم انس گیرد و بدکاران هر گاه با هم روبه رو شوند --- هر چند

به زبان اظهار دوستی و محبت با هم کنند — دل‌هایشان از انس و الفت بایکدیگر دور است، همانند چهارپایان که از مهر ورزی با هم بدورند، گر چه روزگاری دراز از یک آخور علوفه خورند.

الله.

فرمانروایی.

ضرورت فرمانروایی.

- امام علی علیه السلام، در قضیه حکمیت، فرمود: اینان می گویند فرمانروایی ضرورتی ندارد! ((۱۱)) حال آن که وجود فرمانروا لازم است تا در زمان حکومت او مؤمن کار خویش کند و کافر بهره خود برد.
- مردم را درست نکند مگر فرمانروا، نیکوکار باشد یا بدکار.
- بزودی معاویه بر شما چیره خواهد شد، گفتند: پس، چرا با او بجنگیم؟
فرمود: مردم را ناگزیر فرمانروایی باید، نیکوکار باشد یا بدکار.

- در باره حروریه که می گفتند ((حکم و داوری جز از آن خدا نیست))، فرمود: (بله) حکم (واقعا) از آن خداست و در زمین نیز حاکمان و داورانی هستند، اما آنان می گویند: فرمانروایی لزومی ندارد، حال آن که مردم را از حکومت گریزی نیست، تا مؤمن در آن حکومت کار خویش کند و تبه‌کار و کافر بهره خود برند و خداوند در زمان آن هر کس را به اجل مقدر می رساند.
- مردم را ناچار فرمانروایی باید، نیکوکار یا تبه‌کار، زیرا در حکومت او فرد با ایمان کار خویش (اطاعت خدا) می کند و کافر بهره خویش می برد و خداوند با وجود حکومت هر کس را به اجل مقدر می رساند و به وسیله او مالیاتها جمع آوری می شود و با دشمن جنگیده می شود و راهها ایمن می گردد و حق ناتوان از زورمند ستانده می شود و نیکوکار آسایش می بیند و از تبه‌کار درمان می ماند.

- ابوالبختری: مردی وارد مسجد شد و گفت: حکم جز از آن خدا نباشد دیگری نیز گفت: حکم جز خدا را شاید در این هنگام علی علیه السلام فرمود: (البته) حکم جز از آن خدا نیست ((همانا وعده خدا راست است مبدا آنان که به مرحله یقین نرسیده اند تورا بی ثبات و سبکسر گردانند)) شما نمی دانید اینها چه می گویند، می گویند: وجود حکومت لازم نیست ای مردم! (وضع) شما را درست و اصلاح نکند مگر فرمانروا، نیک باشد یا تبه‌کار گفتند: سخن تو درباره فرمانروای نیکو کردار، درست، اما تبه‌کار چگونه؟

فرمود: مؤمن به کار خود می پردازد و نابکار بر خوردار می شود، خداوند اجل مقدر را می رساند، راهبایان امن می شود، بازارهایتان رونق می گیرد، خراجهایتان گردآوری می شود، با دشمنان پیکار می شود و حق ناتوان از زورمند گرفته می گردد.

- امام علی علیه السلام شیر درنده بهتر است از فرمانروای ستمگر و فرمانروای ستمگر بهتر است از فتنه های دیر پای.

آرزو.

آرزو رحمت است.

- پیامبر خدا صلی الله علیه و آله آرزو برای امت من رحمت است و اگر آرزو نبود هیچ مادری فرزند خود را شیر نمی داد و هیچ

باغبانی درختی بر نمی نشاند.

- امام علی علیه السلام آرزو، رفیقی همدم است .

- عیسی علیه السلام نشسته بود و پیرمردی با بیل زمین را شیار می کرد، عیسی علیه السلام فرمود: بار خدایا! (امید و) آرزو را از او برگیر آن پیر در دم بیل را به کناری انداخت و دراز کشید ساعتی گذشت و عیسی گفت: بار خدایا! آرزو را به او بازگردان و بیدرنک آن پیر برخاست و شروع به کار کرد.

- امام سجاد علیه السلام بار خدایا! ای پروردگار جهانیان از تو مناسبترین آرزو را خواهانم .

امت .

جایگاه امت اسلامی .

قرآن .

((شما بهترین امتی هستید که برای مردم پدیدار گشته است ، که امر به معروف و نهی از منکر می کنید و به خدا ایمان دارید اگر اهل کتاب نیز ایمان بیاورند برایشان بهتر است ، بعضی از ایشان مؤمنند ولی بیشترشان تبهکارند)).

- پیامبر خدا صلی الله علیه و آله امت من امتی خجسته است ، معلوم نیست که اول آن خیر است یا آخر آن .

- این امت من امتی است در سایه رحمت حق .

(در این معنا روایات بسیاری وارد شده است .)

- شما هفتادمین امت را تشکیل داده اید و بهترین و گرامیترین آنها نزد خداوندید.

- بشارت باد این امت را به ارجمندی ، دینداری ، سربلندی ، پیروزی و قدرت یافتن در روی زمین .

- به هیچ امتی یقینی برتر از یقین امت من داده نشده است .

امامت ۱ / امامت عامه .

امامت .

قرآن ::

((و آنان که می گویند: ای پروردگار ما! از همسران و فرزندانمان دلهای ما را شاد دار و ما را پیشوای پرهیزگاران گردان)).

- امام علی علیه السلام او (پیامبر صلی الله علیه و آله) را فرستاد تا به حق فرا خواند و بر آفریدگان گواه باشد او پیامهای پروردگار را رساند و در این راه نه سستی کرد و نه کوتاهی ورزید و در راه خدا با دشمنان او جنگید بی آن که ناتوانی به او راه یابد یا آن که عذر و بهانه آورد او پیشوای پرهیزگاران و دیده رهیافتگان است .

- تا آن که کرامت خداوند سبحان (مقام پیامبری) به محمد صلی الله علیه و آله رسید پس ، آن حضرت را از بهترین خاندان و گرامی ترین دودمان برکشید (درخت دودمان) او را شاخه هایی است بلند و برافراشته و دست کسی به میوه آن نرسد او پیشوای پرهیزگاران است و دیده رهیافتگان رفتارشان میانه روی و اعتدال است و طریقه اش راهنمایی و هدایت سخنش حق را از باطل جدا سازد و حکم و داوریش به عدل و داداست .

امامت ۲ / امامت خاصه ۱.

انتخاب امام .

- سعد بن عبدالله قمی از حضرت مهدی علیه السلام درباره علت این که قوم (شیعیان) نمی توانند برای خود، امام انتخاب کنند سؤال کرد آن حضرت فرمود: آیا آن امام نیکوکار است یا تبهکار؟

عرض کردم: نیکوکار و صالح فرمود: آیا امکان دارد که یکی از آنها نداند نظر دیگری درباره صلاح و فساد چیست و در نتیجه، فرد فاسد و تبهکاری را انتخاب کنند؟

عرض کردم: بله فرمود: همین علت است اینک برای تو برهانی می آورم که اندیشه ات قانع شود.

آن گاه فرمود: به من بگو آیا پیامبرانی چون موسی علیه السلام و عیسی علیه السلام که خداوند آنان را برگزید و بر آنان کتاب فرو فرستاد و از حمایت وحی و عصمت برخوردارشان ساخت و سران امتها (ی خود) بودند و در قدرت انتخاب از آنان توانمندتر بودند، آیا ممکن است این دو پیامبر با آن همه عقل و کمال علمی، اگر بخواهند انتخاب کنند، انتخابشان به یک منافق تعلق گیرد و گمان برند که او مؤمن است؟

عرض کردم: خیر فرمود: همین موسی کلیم الله با آن همه عقل و کمال علمی و نزول وحی بر او، برای میقات پروردگار خود، از میان سران قوم و سردمداران سپاه خود هفتاد نفر را که در ایمان و اخلاص آنها شک نمی شد، انتخاب کرد، اما انتخاب او بر منافقان تعلق گرفت خداوند عزوجل فرموده است: ((موسی برای میقات با ما هفتاد مرد از میان قوم خود برگزید)) پس، وقتی مشاهده می کنیم که کسی که خدای بزرگ او را به پیامبری برگزیده است افسد را انتخاب می کند و نه اصلح را و می پندارد که او اصلح است نه افسد، پی می بریم که انتخاب (امام) تنها برای کسی رواست که از نهنیهای دلها آگاه است.

امامت ۳ / امامت خاصه ۲.

(۱) علی علیه السلام از زبان پیامبر صلی الله علیه و آله .

امامت ۳ / امامت خاصه ۲.**اشاره**

فاطمه پاره تن پیامبر.

- پیامبر خدا صلی الله علیه و آله فاطمه پاره تن من است، هر که او را شاد سازد مرا شاد کرده و هر که او را غمین کند مرا غمزده کرده است فاطمه عزیزترین فرد برای من است.

- همانا فاطمه پاره تن من است او نور دیده و میوه دل من است آنچه او را غمین کند، مرا نیز غمزده می کند و آنچه او را شاد سازد، مرا شاد می کند او نخستین فرد از خاندان من است که به من می پیوندند.

فاطمه سرور زنان عالم است .

- پیامبر خدا صلی الله علیه و آله خداوند بزرگ از میان زنان چهار تن را برگزید: مریم، آسیه، خدیجه و فاطمه.

- حسن و حسین، بعد از من و پدرشان، بهترین مردم روی زمین هستند و مادرشان برترین زنان روی زمین است.

- دخترم فاطمه سرور زنان عالم است.

- و اما دخترم فاطمه، او سرور زنان عالم، از آغاز تا به انجام است.

خشم گرفتن خدا برای خشم فاطمه .

- پیامبر خدا صلی الله علیه و آله به یقین خداوند با خشم فاطمه به خشم می آید و با خشنودی او خشنود می شود.
- به فاطمه علیها السلام --- : خداوند با خشم تو به خشم می آید و با خشنودی تو خشنود می شود.

نامگذاری آن دو بزرگوار.

- امام علی علیه السلام هنگامی که حسن به دنیا آمد نام او را حرب گذاشتم پیامبر خدا صلی الله علیه و آله آمد و فرمود: فرزندانم را به من نشان دهید، او را چه نام نهاده اید؟
- عرض کردم: حرب فرمود: نه، بلکه او حسن است و چون حسین به دنیا آمد اسم او را نیز حرب گذاشتم پیامبر خدا صلی الله علیه و آله آمد و فرمود: فرزندانم را به من نشان دهید، نام او را چه گذاشته اید؟
- عرض کردم: او را حرب نامیده ام فرمود: نه، بلکه حسین است.
- امام سجاد علیه السلام هنگامی که فاطمه علیها السلام حسن علیه السلام را به دنیا آورد به علی علیه السلام گفت: برایش اسم بگذار علی علیه السلام فرمود: من پیش از پیامبر خدا نامی روی او نمی گذارم پیامبر خدا صلی الله علیه و آله آمد سپس به علی علیه السلام فرمود: آیا برایش اسم گذاشته ای؟
- عرض کرد: در نامگذاری او بر شما پیشی نمی جویم پیامبر فرمود: من نیز در نامگذاری او برپروردگارم پیشی نمی گیرم.
- پس، خدای تبارک و تعالی به جبرئیل وحی فرمود که برای محمد فرزندی زاده شده است برو و به او سلام برسان و تبریک گفته، بگو: علی برای تو همچون هارون است برای موسی پس، نام فرزند هارون را براو بگذار جبرئیل علیه السلام فرود آمد و از جانب خدای عزوجل به پیامبر تبریک گفت و آن گاه گفت: خدای بزرگ به تو دستور می دهد که نام فرزند هارون را بر این نوزاد بگذاری.
- پیامبر پرسید: نام فرزند هارون چه بود؟
- جبرئیل گفت: شبر پیامبر فرمود: زبان من عربی است جبرئیل گفت: او را حسن بنام پس، پیامبر نام حسن را براو گذاشت.
- چون حسین علیه السلام به دنیا آمد جبرئیل علیه السلام فرود آمد و از جانب خدای تعالی تولد او را تبریک گفت و سپس گفت: علی برای تو مانند هارون است برای موسی بنابراین، نوزاد را به نام فرزند هارون نامگذاری کن پیامبر پرسید: نام او چیست؟
- جبرئیل گفت: شبیر پیامبر گفت: زبان من عربی است جبرئیل گفت: او را حسین بنام پیامبر هم نام او را حسین گذاشت.
- پیامبر خدا صلی الله علیه و آله --- به علی علیه السلام --- فرزندانم را چه نامیده ای؟
- عرض کرد: ای رسول خدا! پیش از شما نامی بر او نمی نهادم، ولی دوست داشتم نام او را حرب بگذارم پیامبر صلی الله علیه و آله فرمود: من نیز پیش از پروردگارم نامی بر او نمی نهادم.

سروران جوانان بهشت .

- پیامبر خدا صلی الله علیه و آله حسن و حسین سروران جوانان بهشت هستند و پدرشان از آن دو بهتر است.
- حسن و حسین سروران جوانان بهشتند.
- همانا حسن و حسین سروران جوانان بهشت هستند.

دوست داشتن حسنین .

- پیامبر خدا صلی الله علیه و آله هر که مرا دوست دارد باید این دو فرزند مرا نیز دوست داشته باشد زیرا خداوند به دوستداری آنان فرمان داده است .

- بار خدایا! حسن و حسین را دوست بدار و دوستداران آن دو را نیز دوست بدار.

- هر که حسن و حسین را دوست بدارد هر آینه مرا دوست داشته و هر که با آنان دشمنی ورزد با من دشمنی کرده است .

هدیه پیامبر به حسنین .

- پیامبر خدا صلی الله علیه و آله من به حسن شکوه و دانش هدیه می کنم و به حسین بخشنده گی و شفقت .

- ابهت و مهتری من از آن حسن است و شجاعت و بخشنده گی من از آن حسین .

- به حسن هیبت و بردباری می بخشم و به حسین بخشنده گی و شفقت .

- از زینب دختر ابو رافع درباره فاطمه دخت پیامبر خدا صلی الله علیه و آله نقل شده که وقتی پدر بزرگوارش در بستر بیماری که به

فوت آن حضرت انجامید، افتاده بود، حسن و حسین را خدمت آن حضرت برد و عرض کرد: ای رسول خدا! آیا به این دو چیزی

به ارث می دهی ؟

پیامبر فرمود: هیبت و مهتری خود را به حسن می دهم و دلیری و بخشنده گی را به حسین .

امامت حسنین .

- ابن شهر آشوب در مناقب : نص پیامبر صلی الله علیه و آله بر امامت دوازده امام که هر دو طریقه و طایفه ناهمساز روایت کرده اند دلیل بر امامت حسنین است .

نیز دلیل امامت آن دو بزرگوار این است که آمدند و ادعای امامت کردند و در زمان آنان کسی جز معاویه و یزید چنین ادعایی نداشت که آنها هم فسقشان و بلکه کفرشان ثابت است پس ، لازم می آید که امامت از آن حسن و حسین باشد.

دلیل دیگر، اجماع اهل بیت است ، زیرا آنان بر امامت حسنین اجماع دارند و اجماع ایشان حجت است .

همچنین دلیل دیگر این خبر مشهور است که علی علیه السلام فرمود: این دو فرزند من امام هستند، چه برخیزند و چه بنشینند.

تصریح به امامت آن بزرگوار .

- امام باقر علیه السلام چون وفات امیرالمؤمنین صلوات الله علیه فرا رسید به فرزندش حسن فرمود: نزدیک من بیا تا رازی را که پیامبر خدا صلی الله علیه و آله به من گفت به تو بگویم و آنچه را به من امانت سپرد به تو بسپارم سپس ، این کار را کرد.

- سلیم بن قیس : زمانی که امیرالمؤمنین علیه السلام به فرزند خود حسن علیه السلام وصیت می کرد من حاضر بودم او حسین

علیه السلام و محمد (بن حنفیه) و همه فرزندان و سران پیروان خود و خانواده خویش را بر وصیتش گواه گرفت آن گاه کتاب

و سلاح را به او تحویل داد.

حسن از من است و من از اویم .

- پیامبر خدا صلی الله علیه و آله حسن از من است و من از اویم هر که او را دوست بدارد خداوند دوستش دارد حسن و حسین دو

سبب از اسباط هستند.

- مقدم بن معد یکرِب و عمرو بن اسود به قنسرین رفتند معاویه به مقدم گفت: خبر داری که حسن بن علی وفات یافته است؟
مقدم کلمه ((انا لله وانا اليه راجعون)) را به زبان آورد معاویه به او گفت: آیا این را مصیبت می دانی؟
! مقدم پاسخ داد: چگونه مصیبت ندانم حال آن که پیامبر خدا صلی الله علیه و آله او را بر زانوی خود نشانده و فرمود: این از من است.

محبت امام حسن علیه السلام.

- پیامبر خدا صلی الله علیه و آله --- اشاره به حسن علیه السلام ---: هر که مرا دوست دارد باید این را دوست داشته باشد.
- نیز اشاره به حسن علیه السلام ---: خدایا! من او را دوست دارم تو نیز دوستش بدار و دوستدارش را هم دوست بدار.
- بار خدایا! من او را دوست دارم تو هم دوستش بدار.

عبادت امام حسن علیه السلام.

- امام سجاده علیه السلام حسن بن علی بن ابی طالب عابدترین مردم زمان خود و پارساترین و برترین آنان بود.

تصریح به امامت آن بزرگوار.

- امام حسن علیه السلام همانا بعد از وفات من و جدا شدن روح از بدنم حسین بن علی علیه السلام امام است وراثت او از پیامبر صلی الله علیه و آله نزد خدا در کتاب (لوح محفوظیا قرآن و یا وصیتنامه) ثبت است که خدای عزوجل این وراثت را به وراثت از پدر و مادرش افزوده است زیرا خدا دانست که شمایبترین خلق او هستید از این رو، از میان شما محمد صلی الله علیه و آله را برگزید و محمد علی علیه السلام را و علی علیه السلام مرابه امامت انتخاب کرد و من حسین علیه السلام را برگزیدم!.

حسین از من و من از حسینم.

- پیامبر خدا صلی الله علیه و آله حسین از من است و من از حسینم هر که حسین را دوست بدارد خداوند دوستش دارد حسین یکی از اسباط است.
- برا بن عازب: دیدم پیامبر خدا صلی الله علیه و آله حسین را بر خود سوار کرده می گوید: خدایا! من او را دوست دارم تو نیز دوستش بدار.
- پیامبر خدا صلی الله علیه و آله حسین از من است و من از اویم.

تصریح به امامت آن بزرگوار.

- امام باقر علیه السلام چون هنگام شهادت حسین بن علی علیه السلام رسید دختر بزرگ خود، فاطمه بنت الحسین علیه السلام، را خواند و نوشته ای سر بسته و وصیتنامه ای سرگشاده به او داد علی بن حسین دچار چنان شکم روشی بود که گمان نمی کردند جان سالم به دربرد فاطمه آن نوشته را به علی بن الحسین علیه السلام داد و به خدا قسم این نامه بعد به ما رسید سوگند به خدا که آنچه از زمان خلقت آدم تا پایان دنیا مورد نیاز فرزندان آدم بوده و هست در این نوشته وجود دارد!.

منزلت امام زین العابدین علیه السلام .

- پیامبر خدا صلی الله علیه و آله در روز رستاخیز آوازدهنده ای صدا می زند: کجاست زین العابدین (زیور عابدان)؟
و من فرزندم علی بن حسین بن علی بن ابی طالب را می بینم که صفها را می شکافد (پیش می رود).
- امام صادق علیه السلام در روز رستاخیز منادیی آواز می دهد: کجاست زین العابدین (زیور عابدان)؟
گویا به علی بن حسین علیه السلام نگاه می کنم که در میان صفها (ی مردمان) پیش می رود.

تصریح به امامت آن بزرگوار.

- از امام سجاد علیه السلام پرسیده شد: امام بعد از شما کیست؟

فرمود: فرزندم محمد که دانش را عمیقاً می شکافد.

- امام علی بن حسین در بستر بیماری که به وفاتش منجر شد افتاد پس، فرزندان خود محمد و حسن و عبدالله و عمر و زید و حسین را جمع کرد و فرزندش محمد را وصی قرار داد و او را باقر لقب نهاد و کار دیگر فرزندان را به دست او سپرد.

شکافنده علم و دانش .

- پیامبر خدا صلی الله علیه و آله --- خطاب به جابر بن عبدالله انصاری --- : جابر! تو چندان زنده می مانی که فرزندم محمد بن علی بن حسین بن علی بن ابی طالب را، که در تورات به باقر معرفی شده است، می بینی هرگاه دیدارش کردی سلام مرا به او برسان .

- نیز خطاب به جابر --- : تو مردی از مرا درک خواهی کرد که نامش نام من و رفتار و کردارش، رفتار و کردار من است و دانش را بس می شکافد.

- جابر! برای فرزندم حسین پسری به دنیا می آید به نام علی در روز رستاخیز آوازدهنده ای آواز می دهد که سرور عابدان برخیزد و علی بن حسین بر می خیزد برای علی نیز پسری به دنیا می آید به نام محمد ای جابر! اگر او را دیدی سلام مرا به وی برسان بدان که تو بعد از دیدن او زمانی کوتاه زنده خواهی ماند.

تصریح به امامت آن بزرگوار.

- پیامبر خدا صلی الله علیه و آله چون فرزندم جعفر بن محمد بن علی بن الحسین بن علی بن ابی طالب به دنیا آمد او را صادق بنامید.

- محمد بن مسلم : در حضور ابو جعفر محمد بن علی باقر علیه السلام بودم که فرزندش جعفر وارد شد در حالی که کاکل داشت و دردستش ترکه ای بود و با آن بازی می کرد باقر علیه السلام او را گرفت و محکم به آغوش چسبانید، سپس فرمود: پدر و مادرم فدایت که اهل لهو و لعب نیستی آن گاه به من فرمود: ای محمد! بعد از من این امام توست، به او اقتدا کن و از دانش وی بهره بگیر به خدا قسم او همان صادقی است که پیامبر خدا صلی الله علیه و آله در باره او فرموده است که شیعیان وی در دنیا و آخرت پیروزمندند.

اخلاق و رفتار پسندیده آن حضرت .

- محمد بن زیاد از دی: شنیدم که مالک ابن انس، فقیه مدینه، می گفت: به حضور جعفر بن محمد الصادق می رسیدم و آن حضرت به من پستی می داد و احترام می کرد و می فرمود: مالک! من تو را دوست دارم من از این سخن خوشحال می شدم و خدا را شکر می کردم مالک می گفت: آن حضرت پیوسته در یکی از این سه حالت بود: یا روزه داشت، یا نماز می خواند و یا ذکر می گفت او از اعظم عباد و اکابر زهاد خداترس بود حدیث بسیار می گفت، خوش مجلس بود و پرفایده.

- امام صادق علیه السلام ای گروه جوانان! از خدا پروا کنید و نزد رؤسا نروید و اگذاریدشان تا (از ریاست بیفتند و) به دنباله روتبدیل شوند رجال (و شخصیتها) را به جای خدا همدم خود نگیرید به خدا سوگند که من برای شما از آنان بهترم آنگاه با دست خود به سینه اش زد.

تصریح به امامت آن حضرت.

- امام صادق علیه السلام --- در پاسخ به پرسش صفوان جمال درباره دارنده این منصب [امامت] ---: دارنده این مقام به لاهو و لعب نمی پردازد در این هنگام موسی بن جعفر که کودکی بود وارد شد در حالی که ماده بزغاله ای مکی با خود داشت و به او می گفت: پروردگارت را سجده کن! ابو عبدالله او را گرفت و در آغوش کشید و فرمود: پدر و مادرم فدایش که اهل لاهو و لعب (کارهای بیهوده و غفلت آور) نیست.

امام در زندان.

- علی بن سويد: ابوالحسن موسی علیه السلام که در زندان بود، من نامه ای به ایشان نوشتم و از حالش جويا شدم و مسائل بسیاری را نیز مطرح کردم چند ماهی به من جواب فرمود سپس برای من جوابی نوشت که رونوشت آن این است: به نام خداوند بخشاينده بخشایشگر.

اما بعد، تو مردی هستی که خداوند نزد خاندان محمد منزلت خاصی به تو بخشیده است و تو را دوستدار دینش که از تو خواسته آن را پاس داری قرار داده است.

- امام کاظم علیه السلام --- در پاسخ به پرسش علی بن سويد از زندان ---: ای علی! اما این که نوشته ای معیارهای دینت را از که بگیری، معیارهای دینت را هرگز از غیر شیعیان ما نگیر، که اگر از شیعیان ما فراتر روی بیگمان دین خود را از خیانتکاران گرفته ای.

تصریح به امامت آن حضرت.

- عبدالرحمن بن حجاج: ابوالحسن موسی بن جعفر علیه السلام فرزند خود علی علیه السلام را وصی قرار داد و برای او وصیتنامه ای نوشت و شصت تن از سرشناسان مدینه را بر آن گواه گرفت.

مجبور کردن امام به پذیرفتن ولایتعهدی.

- اباصلت هروی: مامون به حضرت رضا علیه السلام گفت: ای پسر پیامبر خدا! من صلاح دیدم که خود را از خلافت عزل کنم و آن را به تو بسپارم و با تو بیعت کنم.

حضرت رضا علیه السلام فرمود: اگر این خلافت از آن توست و خدا به تو داده است که روا نیست جامه ای را که خدا بر قامت تو پوشانده از تن درآوری و به دیگری دهی و اگر خلافت از آن تو نیست، حق نداری آنچه را از آن تو نیست به من واگذاری.

مامون گفت: ای فرزند رسول خدا! باید این کار را بپذیری امام فرمود: من با میل خود هرگز این کار را نمی کنم تو با این کارت

می خواهی مردم بگویند: علی بن موسی به دنیا پشت نکرده بود بلکه دینا به او پشت کرده بود، مگر نمی بینید که چگونه به طمع خلافت و ولایتعهدی را پذیرفت ؟

! مامون در خشم شد و گفت : به خدا سوگند اگر ولایتعهدی را نپذیری تو را به پذیرفتن آن مجبور می کنم اگر این کار را کردی چه بهتر و گر نه گردنت را می زنم .

امام در زندان سرخس .

- هروی : به باب الدار سرخس که حضرت در آن جا زندانی و به زنجیر بسته شده بود رفتیم از زندانبان اجازه خواستم خدمت آن حضرت بروم اما او گفت : نمی توانید با او ملاقات کنید پرسیدم : چرا ؟

گفت : چون گاهی اوقات شبانه روزی هزار رکعت نماز می خواند فقط در آغاز روز و قبل از زوال و نزدیک غروب آفتاب ساعتی از نماز خواندن باز می ایستد و در همین اوقات نیز بر سجاده خود می نشیند و با خدایش راز و نیازی کند هروی می گوید: به زندانبان گفتم : از ایشان خواهش کن که اجازه دهند در این اوقات به دیدارشان روم او برایم اجازه گرفت و من به حضور آن بزرگوار رسیدم و دیدم بر سجاده خود نشسته و در اندیشه است .

آگاهی امام از زبانهای مختلف .

- اباصلت هروی : امام رضا علیه السلام با مردم به زبان خودشان صحبت می کرد به خدا قسم که به هر زبانی از خود اهل آن زبان دانایتر بود و رساتر سخن می گفت روزی به ایشان عرض کردم : یابن رسول الله ! من از آشنایی شما به این زبانهای گوناگون در شگفتم فرمود: ای اباصلت ! من حجت خدا بر بندگان اوهستم و خداوند حجتی را بر مردمی قرار نمی دهد که زبان آنها را بلد نباشد آیا نشنیده ای که امیرالمؤمنین علیه السلام فرمود: فصل الخطاب به ما عطا شده است , آیا فصل الخطاب چیزی جز دانستن زبانهاست ؟

آرامش امام .

- به امام رضا علیه السلام عرض شد: از شمشیرها خون می چکد و شما چنین (بی پروا) سخن می گوید؟

فرمود: خداوند وادی از طلا دارد که به وسیله ناتوانترین مخلوقاتش , مورچه , از آن پاسداری می کند و اگر شتر خراسانی آهنگ آن کند به آن نرسد.

تصریح به امامت آن بزرگوار .

- عبدالله بن جعفر: من و صفوان بن یحیی به خدمت امام رضا علیه السلام رسیدیم ابو جعفر علیه السلام که سه سال از عمرش می گذشت ایستاده بود عرض کردیم : خدا ما رافدای شما کند! اگر --- پناه به خدا --- اتفاقی بیفتد چه کسی بعد از شما خواهد بود؟

آن حضرت به امام جواد اشاره کرده فرمود: این فرزندم عبدالله بن جعفر می گوید: عرض کردیم : او با این سن و سال ؟

فرمود: آری , او با همین سن و سال خداوند تبارک و تعالی با عیسی دو ساله احتجاج کرد.

تصریح به امامت آن بزرگوار.

- امام جواد علیه السلام امام پس از من فرزندم علی است ، فرمان او فرمان من است ، سخن او سخن من و اطاعت از او اطاعت از من و پس از او امامت به فرزندش حسن می رسد.

امام در زندان .

- ابن اورمه : در روزگار متوکل به سامرا رفتم و بر سعید حاجب وارد شدم که متوکل ابوالحسن را به دست او سپرده بود تا وی را بکشد چون بر سعید وارد شدم گفت : دوست داری خدایت را ببینی ؟

گفتم : سبحان الله ! خدای من [کسی است] که به چشم دیده نمی شود گفت : منظورم کسی است که شما او را امام خود می پندارید گفتم : بدم نمی آید او را ببینم گفت : به من دستور داده شده که او را بکشم و فردا این کار را خواهم کرد در حال حاضر صاحب برید (پستیچی) نزد اوست وقتی او رفت تو داخل شو لحظه ای بعد صاحب برید بیرون آمد سعید گفت : داخل شو من وارد خانه ای شدم که ابوالحسن در آن زندانی بود: ناگهان چشمم به گوری افتاد که در برابر آن حضرت کنده شده بود وارد شدم و سلام کردم و بشدت گریستم فرمود: چرا گریه می کنی ؟

عرض کردم : برای آنچه می بینم فرمود: برای آن گریه نکن ، زیرا آنها موفق به انجام این کار نمی شوند آن حضرت مرا آرام کرد، سپس فرمود: دو روز بیشتر طول نمی کشد که خداوند خون او و خون دوستش را که دیدی می ریزد ابن اورمه می گوید: به خدا قسم دو روز بیشتر نگذشت که او [و دوستش] کشته شدند.

- در کتاب الواحدة آمده است : برادرم حسین بن محمد به من گفت : دوستی داشتم که آموزگار فرزند بغا یا وصیف --- تردید از من است --- بود او به من گفت : امیر در بازگشت از سرای خلیفه به من گفت : امروز امیرمؤمنان آن کسی را که می گوید فرزند رضاست دستگیر کرد و او را به دست علی بن کرکر سپرد شنیدم که می گوید: من نزد خداوند از ناقه صالح گرامیتر و ارجمندترم ((سه روز درسرای خود از زندگی برخوردار شوید این وعده ای است عاری از دروغ)) من از آیه و حرفهایش چیزی نفهمیدم ، منظورش چیست ؟

(برادرم) گفت : گفتم : خدا به تو عزت دهد! تهدید کرده است صبر کن بین تا سه روز دیگر چه می شود.

فردای آن روز خلیفه امام را آزاد کرد و از او پوزش خواست روز سوم یاغز و یغلون و تامش به همراه گروهی بر خلیفه شوریده ، او را کشتند و فرزندش منتصر را به خلافت نشانند.

تصریح به امامت آن بزرگوار.

- امام هادی علیه السلام امام پس از من حسن است و پس از حسن فرزندش قائم ، همو که زمین را پر از عدل و داد می کند همچنان که از بیدادگری و ستم پر شده باشد.

حالت امام در زندان .

- از کتاب احمد بن محمد بن عیاش : ابوهاشم جعفری با ابو محمد علیه السلام زندانی بود این دو نفر را المعتز به همراه عده دیگری از طالبیان به سال دویست و پنجاه و هشت زندانی کرده بود او می گوید: احمد بن زیاد همدانی از علی بن ابراهیم بن هاشم و او از داود بن قاسم برایمان نقل کرد که گفته :من و حسن بن محمد عقیقی و محمد بن ابراهیم عمری و فلان و فلان در

زندان معروف به زندان خشیش واقع در دژ سرخ، به سر می بردیم که ابو محمد الحسن و برادرش جعفر بر ما وارد شدند و ما بر گرد او حلقه زدیم مسؤول زندانی کردن او صالح بن وصیف بود در بین ما مردی از بنی جمح بود که می گفت علوی است می گوید: ابو محمد رو به ما کرد و فرمود: اگر در میان شما بیگانه نبود به شما می گفتم که چه وقت آزاد می شوید امام به مرد جمحی اشاره کرد که بیرون رود و او بیرون رفت.

ابو محمد فرمود: این مرد از شما نیست از او بر حذر باشید داخل جامه او نامه ای است که برای سلطان نوشته و تمام حرفهای شما را در باره او به وی گزارش داده است یکی برخاست و لباسهای آن مرد را بازرسی کرد و آن نامه را که در آن از ما به بدی تمام یاد کرده بود یافت.

- ابو هاشم جعفری: من با ابو محمد علیه السلام در زندان مهتدی پسر واثق زندانی بودم آن حضرت به من فرمود: ابو هاشم! این طغیانگر می خواهد در این شب خدا را به بازی گیرد اما خداوند از عمر او کاسته و به جانشینش داده است --- من فرزندی نداشتم و بزودی خداوند به من فرزندی می داد --- ابو هاشم می گوید: بامداد ترکها بر مهتدی شوریدند و او را کشتند و معتمد به جای او خلیفه شد و خداوند بزرگ ما را سالم و زنده نگه داشت.

- محمد بن اسماعیل: هنگامی که ابو محمد علیه السلام زندانی شد، عباسیان و صالح بن علی و دیگر منحرفان از جاده امامت نزد صالح بن وصیف رفتند و گفتند: بر او سخت بگیر و کوتاه نیا صالح به ایشان گفت: با او چه کنم؟ من دو تن از بدترین و شرورترین افرادی که توانستم بیابم بر او گماردم اما آن دو (تحت تاثیر امام) سخت به عبادت و نماز روی آوردند.

نامهای امام.

- امام باقر علیه السلام --- در پاسخ به پرسش ثمالی از علت نامگذاری آن حضرت به قائم ---: چون جدم حسین صلی الله علیه و آله کشته شد فرشتگان با گریه و فغان به درگاه خداوند عزوجل فریاد برآوردند که: ای خدای و سرور ما! آیا از کسی که برگزیده تو و فرزند برگزیده تو و بهتر آفریده تو را می کشد چشم می پوشی؟

خداوند عزوجل به آنان وحی فرمود که: فرشتگان من، آرام گیرید، به عزت و جلالم سوگند که از آنان انتقام خواهم گرفت گرچه به طول انجامد آن گاه خداوند امامان نسل حسین علیه السلام را به فرشتگان نشان داد و فرشتگان بدان شادمان گشتند در میان آنان یکی ایستاده بود و نماز می خواند خداوند فرمود: با این قائم از آنان انتقام می کشم!.

- امام صادق علیه السلام --- آن گاه که از علت نامگذاری قائم به مهدی پرسیده شد ---: چون او به هر امر نهانی رهنمون می شود.

- امام باقر علیه السلام --- درباره این آیه که ((هر که به ستم کشته شود به ولی او قدرتی داده ایم همانا او پیروزمند است)) ---: خداوند مهدی را منصور (پیروزمند) نامید، همچنان که (پیامبر را نیز او) احمد و محمد و محمود نامید و همچنان که عیسی را مسیح علیه السلام نامگذاری کرد.

نص بر امامت آن حضرت.

- امام عسکری علیه السلام --- در پاسخ به پرسش از حجت و امام بعد از ایشان ---: فرزندم محمد، اوست امام و حجت پس از من هر که بمیرد و او را نشناسد به مرگ جاهلی مرده است بدانید که او را غیبتی است که جاهلان درباره آن سرگشته شوند و باطل گرایان به نابودی افتند کسانی که (برای ظهور او) زمان تعیین کنند دروغ گویند پس از آن غیبت ظهور می کند گویی

پرچمهای سفید را می بینم که در نجف کوفه برفراز سر او در اهتزازند.

بشارت به مهدی علیه السلام .

- پیامبر خدا صلی الله علیه و آله بشارت بادا تو را ای فاطمه که مهدی از توست .
- شما را بشارت بادا به مهدی ، مردی قرشی از خاندان من در روزگاری که مردم گرفتار اختلاف و تزلزل هستند سر بر می دارد
- وزمین را همچنان که پر از جور و ستم شده ، از عدل و داد آکنده می سازد.
- مهدی مردی از فرزندان من است که چهره اش چون ستاره تابان است .
- امام علی علیه السلام مهدی مردی است از ما از نسل فاطمه .
- با مهدی ما حجتها تمام می شود او پایان بخش امامان و نجات بخش امت و منتهای نور است .

مهدی بقیه الله در زمین است .

قرآن .

- ((اگر ایمان آورده اید، بقیه الله (آنچه خدا باقی می گذارد)برایتان بهتر است و من نگهبان شما نیستم)).
- امام علی علیه السلام زره حکمت را پوشید و آن را با همه آداب و شرایطش فرا گرفت او باقیمانده حجتهای خداست و جانشینی از جانشینان پیامبران اوست .
- امام مهدی علیه السلام من بقیه الله (باقیمانده خدا) در زمینم و از دشمنان او انتقام می گیرم .
- امام باقر علیه السلام هرگاه قیام کند به کعبه تکیه دهد و سیصد و سیزده مرد بر گردش حلقه زنند نخستین سخنی که می گوید این آیه است ((بقیه الله (باقیمانده خدا) برای شما بهتر است اگر ایمان داشته باشید)) آن گاه می فرماید: من بقیه الله (باقیمانده خدا) هستم و حجت و جانشین او برای شما هیچ مسلمانی به او درود نگوید مگر چنین : درود بر تو ای باقیمانده خدا در زمین خدا.

قیامت برپانشود تا مهدی علیه السلام ظهور کند.

- پیامبر خدا صلی الله علیه و آله قیامت بر پا نمی شود تا زمانی که زمین از ستم و دشمنی آکنده شود، آن گاه مردی از خاندان من قیام کند و زمین را، همچنان که از ظلم و جور آکنده شده ، از عدل و داد پر کند.
- قیامت بر پا نمی شود تا زمانی که مردی از خاندان من که همنام من است ، حکومت را به دست گیرد.
- مردی از خاندان پیامبر زمین را از داد می آکند.
- پیامبر خدا صلی الله علیه و آله اگر از عمر دنیا فقط یک روز باقی مانده باشد خداوند مردی از خاندان مرا بر می انگیزد که دنیا را پر از داد می کند همچنان که پر از ستم شده باشد.
- بعد از من خلفایی خواهند بود و بعد از خلفا امیرانی و بعد از امیران شاهانی و بعد از شاهان عده ای جبار (و خود کامه) سپس مردی از خاندان من سر بر می دارد و زمین را از عدالت می آکند همچنان که از ستم آکنده شده است .
- اگر از عمر دنیا جز یک شب نمانده باشد، در همان یک شب مردی از خاندان من حکومت خواهد کرد.

همنامی آن امام و پیامبر.

- پیامبر خدا صلی الله علیه و آله دنیا از میان نرود و به سر نیاید تا مردی از خاندان من که همنام من است ، حکومت را به دست

گیرد.

- مردی از خاندان من حکومت خواهد کرد که نامش با نام من یکی است اگر از دنیا جز یک روز نمانده باشد خداوند آن روز را دراز گرداند تا او حکومت را به دست گیرد.

- اگر از عمر دنیا تنها یک روز باقی ماند خداوند آن روز را دراز گرداند تا مردی از نسل مرا برانگیزد که همنام من است و دنیا را از عدل و داد می آکند همچنان که از ستم و بیداد آکنده شده باشد.

دو غیبت امام قائم علیه السلام .

- امام صادق علیه السلام قائم را دو غیبت است: یکی طولانی و دیگری کوتاه در غیبت نخستین (کوتاه)، جایگاه آن حضرت را شیعیان خاص او می دانند و در غیبت دوم (طولانی) از جایگاه او کسی خبر ندارد بجز خواص از یاران دینی او.

--

--

- امام باقر علیه السلام همانا قائم را دو غیبت است: در یکی از آنها (از بس طولانی است) گفته می شود که مرده است و معلوم نیست در کجا به سر می برد.

- امام صادق علیه السلام صاحب این امر (امامت) را دو غیبت است: یکی از آنها چندان به درازا می کشد که بعضی می گویند مرده است، بعضی می گویند کشته شده است و بعضی می گویند رفته است (و بر نمی گردد) تنها گروهی اندک از یارانش بر عقیده خود درباره او پا برجا می مانند.

دشوار بودن دینداری در زمان غیبت امام.

- پیامبر خدا صلی الله علیه و آله --- به اصحابش --- : شما اصحاب من هستید و برادران من مردمانی هستید در آخر الزمان که مرا ندیده اند اما ایمان آورده اند برای هر کدامشان، پایداری در دین از به دست خرد کردن خار مغیلان در شب تیره سخت تر است یا همچون کسی است که اخگر شوره گز را در کف نگه دارد اینان چراغهای تابان در دل تاریکی اند خداوند آنان را از هر فتنه غبار آلود و شبگون نجات می بخشد.

- پس از شما مردمی خواهند آمد که یکی از آنان اجر و پاداش پنجاه نفر از شما را دارد عرض کردند: ای پیامبر خدا! ما در بدر واحد و حنین با شما بودیم و قرآن در میان ما نازل شد؟

! فرمود: اگر آنچه بر سر ایشان می آید به سر شما بیاید، مانند آنان صبر و شکیبایی نمی کنید.

- امام صادق علیه السلام صاحب این امر (امامت) غیبتی دارد که در آن روزگار دیندار همانند کسی است که خار مغیلان را بادیست خویش خرد کند امام سپس، اندکی خاموش ماند و آن گاه فرمود: صاحب این امر را غیبتی است، پس باید که بنده از خدا ترسد و به دین خویش چنگ آویزد.

- امام سجاد علیه السلام هر که در روزگار غیبت قائم ما، بر ولایت ما استوار ماند خداوند پاداش هزار شهید به مانند شهیدان بدر و احد وی را عطا فرماید.

- پیامبر خدا صلی الله علیه و آله سوگند به آن که به حق مرا نوید دهنده برانگیخت، آنان که در روزگار غیبت او بر اعتقاد به او استوار مانند از کبریت احمر کمیابترند.

دعا در زمان غیبت امام علیه السلام .

- عبدالله بن سنان : من و پدرم به حضور ابوعبدالله علیه السلام رسیدیم , آن حضرت فرمود: چگونه اید شما اگر به روزی درافتید که نه امامی رهنما ببینید و نه نشانه ای نمایان ؟
! از آن سرگشتگی کسی رهایی نیابد مگر آن که دعای غریق را بخواند پدرم گفت : به خدا سوگند که این بلاست فدایت شوم , در آن هنگام چه کنیم ؟

فرمود: هرگاه چنین روزگاری آمد و امام زمان را ندیدی به آنچه در دست دارید (دین) چنگ آویزید تا امر برایتان آشکار شود.
- امام صادق علیه السلام خطاب به ابن سنان : بزودی در شبهه ای خواهید افتاد و بدون نشانه ای نمایان و امامی رهنما خواهید ماند از این شبهه رهایی نیابد مگر آن کس که دعای غریق را بخواند عرض کردم : دعای غریق چگونه است ؟
فرمود: می گویی : خدایا! بخشایشگر! مهربانا! ای دگرگون ساز دلها! دل مرا بر دینت استوار گردان عرض کردم ای دگرگون ساز دلها و اندیشه ها ! دل مرا بردینت استوار گردان فرمود: البته خدای عزوجل دگرگون کننده دلها و اندیشه هاست اما تو همان بگو که من می گویم : ای دیگرگون ساز دلها! دل مرا بر دینت استوار ساز.

حکم قیام کردن قبل از قیام قائم (۱).

- امام علی علیه السلام سوگند به آن که جان علی در دست اوست هیچ دسته ای برای گرفتن حق من یا جز من و یا برای دفع ستم از ما قیام نمی کند مگر آن که فاجعه و مصیبت آنان را از پای درآورد تا آن گاه که دسته ای که با محمد صلی الله علیه و آله در بدر بودند قیام کنند, گروهی که برای کشته آنان خونبها پرداخت نمی شود, زخمی شده شان نیازی به مداوا ندارد و بر خاک افتاده شان در تابوت نهاده نمی شود.

- امام باقر علیه السلام بدان که هیچ گروهی برای زدودن ستمی یا قدرت بخشیدن به دینی قیام نمی کند مگر آن که مرگ و فاجعه آنان را به خاک افکند تا آن که گروهی قیام کنند که در بدر با پیامبر خدا صلی الله علیه و آله بودند, گروهی که کشته آنان دفن نمی شود و بر خاک افتاده شان از زمین بلند نمی شود و زخمی شده شان مداوا نمی گردد عرض کردم : آنان کیانند؟
فرمود: فرشتگان .

- آن دسته از ما خاندان که پیش از قیام قائم دست به قیام بزنند همچون جوجه پرنده ای هستند که (از لانه خود) بیرون پریده و درسوراخی افتاده و بازیچه دست کودکان شده است .

- امام صادق علیه السلام هیچ فردی از ما خاندان برای زدودن ستم یا زنده کردن حقی قیام نکرده و تا پیش از قیام قائم ما قیام نخواهد کرد مگر آن که گرفتاریها او را از پای درآورده و درآورد و قیام او بر ناراحتی ما افزوده و می افزاید.
- امام رضا علیه السلام همانا گرامیترین شما نزد خدا با تقواترین و پای بندترین شما به تقیه است عرض شد: ای پسر پیامبر خدا! تا کی ؟

فرمود: تا روزگار آن زمان معین و آن روزگار قیام قائم ماست پس , هر که پیش از قیام قائم ما تقیه را ترک کند از ما نیست .

قیام کردن قبل از قیام قائم (۲).

- امام صادق علیه السلام تا زمانی که فردی از خاندان محمد صلی الله علیه و آله بشورد من و پیروانم در خیر و خوبی به سر می بریم هر آینه دوست داشتم کسی از خاندان محمد صلی الله علیه و آله بشورد و خرج خانواده اش را من بپردازم .
- نگویید: زید شورش کرد زید مردی عالم و صدوق بود و شما را به خودش دعوت نکرد بلکه به خشنودی خاندان محمد صلی الله علیه و آله فرایتان خواند اگر پیروز می شد بیگمان به آنچه شما را بدان فرا خواند وفادار می ماند او برای درهم شکستن قدرتی

یکپارچه قیام کرد.

انتظار فرج (گشایش).

- امام علی علیه السلام در انتظار فرج و گشایش باشید و از رحمت خدا نومید مشوید، زیرا محبوبترین کارها نزد خداوند عزوجل انتظار فرج است.
- امام سجاد علیه السلام انتظار فرج خود از بزرگترین گشایش هاست.
- امام کاظم علیه السلام انتظار فرج نشانه فرج و گشایش است.
- پیامبر خدا صلی الله علیه و آله صبورانه در انتظار فرج بودن عبادت است.
- امام صادق علیه السلام پارسایی، پاکدامنی، درستی و صبورانه در انتظار فرج بودن جز دین امامان است.

انتظار فرج برترین عبادت است.

- پیامبر خدا صلی الله علیه و آله برترین کارهای امت من انتظار فرج و گشایش خداوند است.
- بالاترین اعمال امت من این است که در انتظار فرج و گشایش از سوی خدا باشند.
- برترین عبادت انتظار فرج است.
- امام علی علیه السلام بهترین عبادت مؤمن انتظار کشیدن فرج خداوند است.
- مقام کسی که چشم به راه مهدی علیه السلام است.
- امام صادق علیه السلام کسی که منتظر و چشم به راه دوازدهمین (امام) باشد مانند کسی است که با شمشیر آخته از پیامبر خدا صلی الله علیه و آله دفاع می کند.
- هر که در حال انتظار این امر (ظهور قائم) بمیرد همچون کسی است که با قائم درخیمه او باشد، نه، بلکه به مانند کسی است که در کنار پیامبر خدا صلی الله علیه و آله شمشیر زند.

ظهور قائم علیه السلام پس از نومیدی مردم.

- امام صادق علیه السلام به خدا قسم این امر (ظهور) به سراغتان نیاید مگر پس از آن که به کلی نومید شوید، نه به خدا، مگر پس از آن که (سره و ناسره شما) از هم باز شناخته شود.
- به خدا سوگند که آنچه چشم به راهش هستید فرا نرسد مگر پس از نومیدی.
- امام رضا علیه السلام همانا فرج و گشایش پس از نومیدی می آید.

تعیین کنندگان وقت ظهور دروغگویند.

- امام باقر علیه السلام --- در پاسخ به این پرسش فضیل که آیا زمان ظهور تعیین شده است؟
- وقت گذاران دروغ گفته اند، وقت گذاران دروغ گفته اند، وقت گذاران دروغ گفته اند.
- امام صادق علیه السلام وقت گذاران دروغگویند ما در گذشته زمان تعیین نکرده ایم و در آینده نیز زمان تعیین نمی کنیم.
- هر کس برای تو زمان تعیین کرد بی مهابا او را دروغزن شمار، زیرا ما برای هیچ کس زمان تعیین نمی کنیم.

علت غیبت .

- امام صادق علیه السلام --- در پاسخ به پرسش از علت غیبت --- : به علتی که اجازه نداریم آن را برای شما فاش سازیم .

عرض کردم : پس ، فایده و حکمت غیبت او چیست ؟

فرمود: حکمت غیبت او همان حکمت غیبت حجت‌های الهی پیش از اوست حکمت آن فقط پس از ظهور او معلوم خواهد شد غیبت امری از [امور] خداست و رازی از رازهای خدا و غیبی از غیب خدا وقتی دانستیم که خداوند عزوجل حکیم است تصدیق می کنیم که همه کارهای او از روی حکمت است هر چند راز حکیمانه بودن آنها بر ما معلوم نباشد.

- امام مهدی علیه السلام و اما علت رخداد غیبت ، خداوند بزرگ می فرماید: ((ای آنان که ایمان آورده اید! از چیزهایی نپرسید که اگر معلوماتان شود شما را ناخوش آید)).

هیچ یک از پدران من نبود مگر آن که بیعت خود کامه زمان خویش را به گردن داشت اما من آن گاه که قیام کنم بیعت هیچ خود کامه ای را به گردن ندارم .

- امام رضا علیه السلام گویی شیعیان را می بینم که در روزگار از دست دادن سومین فرزند از نسل من در پی یافتن آسایش بر می آیند اما نمی یابند عرض کردم : چرا، ای فرزندان رسول خدا؟

فرمود: چون امامشان از دیدگان آنها غایب می شود عرض کردم : چرا؟

فرمود: برای آن که هرگاه شمشیر برکشد بیعت احدی را به گردن نداشته باشد.

- پیامبر خدا صلی الله علیه و آله آن کودک را لاجرم غیبتی باید عرض شد: چرا، ای پیامبر خدا؟

فرمود: بیم کشته شدن می رود.

- امام صادق علیه السلام قائم علیه السلام هرگز ظهور نکند تا آنگاه که امانت‌های خدای تعالی بیرون آیند (یعنی مؤمنان از صلب کافران) پس ، هرگاه آنان بیرون آمدند قائم بر دشمنان خدا چیره می شود و آنها را می کشد.

- ابراهیم کرخی : من یا مردی دیگر از امام صادق علیه السلام پرسیدیم : آیا علی علیه السلام درباره دین خداوند با قدرت و قاطعیت رفتار نمی کرد؟

فرمود: چرا عرض شد: پس چرا بر آن گروه (دشمنان) پیروز گشت اما آنان را از بین نبرد؟

چه چیز او را از این کار باز داشت ؟

فرمود: آیه ای در کتاب خدای عزوجل که ((اگر از یکدیگر جدا می بودند هر آینه ما کافران آنان را عذابی دردناک می چشاندیم)) همانا خداوند را مؤمنانی بود به امانت سپرده در پشت گروهی کافر و منافق و علی علیه السلام پدران را نکشت تا آن امانتها (از پشت و صلب آنان) بیرون آیند چون امانتها بیرون آمدند بر آنان چیره گشت و کشت قائم ما خاندان نیز چنین است او هرگز ظهور نخواهد کرد تا آن که امانت‌های خدای عزوجل آشکار شوند و هرگاه آشکار شدند (بر دشمنان خدا) چیره می شود و آنان را می کشد.

- امام کاظم علیه السلام اگر در میان شما به تعداد اهل بدر وجود داشت قائم ما قیام می کرد.

- امام صادق علیه السلام این کار (قیام قائم علیه السلام) رخ نخواهد داد تا آن که هر گروه و دسته ای حکومت بر مردم را به دست گیرد تا کسی نگوید اگر حاکم می شدیم عدالت رامی گسترانیدیم بعد از این ، قائم حق و عدل گستر قیام می کند.

بهره گیری مردم از امام در زمان غیبت .

- پیامبر خدا صلی الله علیه و آله --- در پاسخ به این سؤال که: آیا شیعه در زمان غیبت قائم علیه السلام از وجود او بهره مند می شود؟

-: آری، سوگند به آن که مرا به پیامبری برانگیخت از وجود او بهره مند می شوند و در روزگار غیبتش از نور ولایت او پرتو می گیرند همچنان که مردم از خورشید نهان در پس ابر، بهره مند می شوند.

- سلیمان بن مهران اعمش از امام صادق علیه السلام تا قیام قیامت، زمین از حجت خدا خالی نمی ماند و اگر چنین نبود خداوند پرستش نمی شد سلیمان می گوید: به حضرت صادق علیه السلام عرض کردم: مردم چگونه از حجت غایب پنهان بهره مند می شوند؟

فرمود: همچنان که از خورشید پس ابر بهره مند می شوند.

- امام مهدی علیه السلام چگونگی بهره مند شدن از من در روزگار غیبتم همچون بهره مند شدن از خورشید است، آن گاه که در پس ابر از دیدگان پنهان شود من مایه امنیت زمینانم همچنان که ستارگان مایه امنیت آسمانیان هستند.

نشانه های ظهور.

- امام علی علیه السلام آن گاه که خطیب به هلاکت درافتد و امام عصر از دیدگان پنهان شود و دل‌هایی شاداب و دل‌هایی دیگر فسرده گردد، آرزومندان نابود شوند و از هم فروپاشند و مؤمنان باقی مانند که شمارشان اندک است، سیصد نفر یا بیشتر در رکاب این مؤمنان دسته ای می جنگند که روز بدر در کنار پیامبر خدا صلی الله علیه و آله جنگیدند و کشته نشدند و نمرند.

- به خدا قسم، به خدا قسم آن کس را که انتظارش می کشید نبیند مگر آن گاه که نتوانید خدا را بخوانید جز با اشاره دست و ابروی خود و از زمین چیزی در اختیار نداشته باشید جز همان جای گامهای خود و جنگ افزارتان بر پشتهایتان باشد در آن روز مرا یاری نرساند مگر خداوند به وسیله فرشتگان خود و کسانی که ایمان را در دلشان نهاده است.

- امام مهدی علیه السلام --- در پاسخ این پرسش علی بن مهزیار که سرورم! این امر (ظهور) کی خواهد بود؟
- فرمود: هرگاه راه مکه بر شما بسته شود.

- در توقیع به سمری ---: گوش کن! خداوند درباره تو به برادرانت پاداش نیک دهد! تو تا شش روز دیگر خواهی مرد، کارهایت را سامان ده و به هیچ کس وصیت نکن که پس از مرگت جانشین تو شود، زیرا غیبت کامل رخ داده است ظهوری در کار نخواهد بود مگر با اجازه خداوند بزرگ و آن پس از سپری شدن روزگاری دراز و سخت شدن دلها و آکنده شدن زمین از ستم و بیداد است.

- امام کاظم علیه السلام هرگاه آن بیابانگرد و زشت روی را در میان لشکری انبوه دیدی برای خود و شیعیان مؤمنت در انتظار فرج و گشایش باش هرگاه خورشید گرفت چشم به آسمان دار و بنگر که خداوند با مجرمین چه می کند.

- امام صادق علیه السلام خداوند برای مؤمنان نشانه هایی از قیام قائم علیه السلام بر شمرده است --- محمد بن مسلم می گوید عرض کردم: خداوند مرا فدای شما کند آن نشانه ها چیست؟

فرمود: این سخن خدای تعالی که: ((شما --- یعنی مؤمنان پیش از قیام قائم --- را به چیزی از ترس و گرسنگی و کمبود مال و جان و میوه ها می آزمایم و شکیبایان را نوید ده)).

- امام علی علیه السلام مهدی ظهور نمی کند مگر بعد از آن که یک سوم مردم کشته شوند، یک سوم بمیرند و یک سوم دیگر باقی مانند.

- امام صادق علیه السلام این امر (ظهور قائم) رخ نخواهد داد مگر بعد از آن که دو سوم مردم از بین بروند ما --- محمد بن

مسلم وابوبصیر --- عرض کردیم: اگر دو سوم مردم از بین بروند که باقی می ماند؟
فرمود: آیا دوست ندارید که از یک سوم باقیمانده باشید؟
!.

در هنگام ظهور (۱).

- امام علی علیه السلام هرگاه آواز دهنده ای از آسمان آواز بر آورد که: ((همانا حق در میان خاندان محمد است)) در آن هنگام مهدی بر سر زبانهای مردم می افتد و جام محبت او را سر می کشند و جز یاد و نام او بر زبان ندارند.
- امام باقر علیه السلام هرگاه زمان ما فرا رسد و مهدی علیه السلام ما بیاید شیعه ما از شیر دلیرتر و از سر نیزه برنده تر خواهد بود دشمن ما را پایمال می کند و بر چهره اش سیلی می زند این هنگامی است که رحمت و گشایش خدا بر بندگانش فرود آید.
- امام علی علیه السلام هرگاه منادی از آسمان ندا دهد که: ((همانا حق در میان خاندان محمد صلی الله علیه و آله است)) در آن زمان مهدی بر سر زبانهای مردم افتد و مردم شادمان شوند و جز یاد و نام او در میانشان نباشد.

در هنگام ظهور (۲).

- امام صادق علیه السلام زمانی که قائم ما قیام کند خداوند عزوجل گوشها و چشمهای شیعیان ما را چنان تیز کند که میان آنان و قائم پیکی نباشد از جای خود با شیعیان سخن می گوید و آنها سخنانش را می شنوند و خود او را می بینند.

یاران امام.

- امام صادق علیه السلام اندکی از عربها به همراه قائم علیه السلام قیام می کنند عرض شد: عده زیادی از عربها خود را از یاران او می دانند؟
! فرمود: مردم باید پالایش شوند و سره و ناسره شان از هم جدا گردد و غربال شوند و شمار فراوانی از غربال خواهند گذشت.
- زمانی که قائم علیه السلام قیام کند کسانی که گمان --- از دوح اهریج زای دایز می شود از خاندان اوهستند از صف آن حضرت خارج می شوند و کسانی که به خورشید و ماه پرست می مانند به صف او در می آیند.

رفتار آن حضرت باستمگران پس از قیام.

- امام باقر علیه السلام اگر مردم می دانستند که هرگاه قائم قیام کند چه کشتاری به راه می اندازد بیگمان بیشتر آنان دوست داشتند که او را نبینند چندان که بسیاری از مردم می گویند: او از خاندان محمد نیست اگر از خاندان محمد بود رحم می کرد.
- امام علی علیه السلام با آنان جز با شمشیر سخن نگوید هشت ماه پر آشوب شمشیر را از دوش خود فرو نمی گذارد، تا آن جا که می گویند: به خدا قسم، این مرد از نسل فاطمه علیها السلام نیست اگر از نسل او بود به ما رحم می کرد.

نوآوری قائم.

- امام باقر علیه السلام قائم فرمانی تازه، کتابی تازه و قضاوتی تازه می آورد بر عربها سخت می گیرد، سروکارش فقط با شمشیر است، کسی را توبه نمی دهد و در راه خدا به سرزنش هیچ نکوهشگری توجه نمی کند.

جهان پس از ظهور مهدی علیه السلام .

- امام سجاد علیه السلام زمانی که قائم ماقیام کند خداوند آفت را از شیعیان ما بزداید و دلهای آنان را چون پاره های آهن (سخت و تزلزل ناپذیر) کند و هر مرد آنانرا قدرت چهل مرد دهد آنان فرمانروا و سالار جهان خواهند بود.

- امام علی علیه السلام زمانی که قائم ماقیام کند آسمان نزولات خود را فرو ریزد و زمین گیاهانش را برویاند و کینه و دشمنی از دلهای بندگان رخت بر بندد و درندگان و چرندگان با هم بسازند، چندان که زنان زیور (زنبیل --- خ ل) به سر عراق را تا شام می پیمایند و جز بر علف و سبزه گام نمی نهند و هیچ درنده ای آنان را آشفته و هراسان نمی کند.

- پیامبر خدا صلی الله علیه و آله در میان امت من مهدی قیام می کند و پنج، هفت و یا نه (سال) زندگی می کند مرد نزدش می آید و می گوید: ای مهدی! به من عطا کن، به من عطا کن و آن حضرت لباسش را تا جایی که بتواند ببرد (از مال) پر می کند.

- در آخر الزمان خلیفه ای خواهد آمد که مال را بی شمار تقسیم می کند.

- او زمین را، همچنان که آکنده از ستم و بیداد شده، از عدل و داد می آکند، آسمان از فرو ریختن نزولاتش هیچ دریغ نمی ورزد و زمین از رویاندن گیاهانش.

- در میان واپسین اتم مهدی ظهور می کند خداوند به او باران عطا می کند، زمین گیاهش را بر می رویاند، مال را تمام و کامل می دهد، دامها و چارپایان زیاد می شوند و امت سربلند و بزرگ می شود.

- امام علی علیه السلام خواهش نفسانی را به هدایت بازگرداند و آن هنگامی است که هدایت را تابع هوی ساخته اند و رای آنان را پیرو قرآن کند آن گاه که قرآن را تابع رای خود کرده باشند زمین پاره های جگر خود (گنجینه هایش) را برای او برون اندازد و کلیدهای خویش را تسلیم او کند پس، او روش عادلانه را به شما نشان دهد و مرده کتاب و سنت را جان بخشد.

- امام صادق علیه السلام --- درباره آیه ((و هر آن که در آسمانها و زمین است، خواسته یا ناخواسته، تسلیم شد)) --- : زمانی که قائم علیه السلام قیام کند سرزمینی باقی نمی ماند که در آن ندای شهادت ((خدایی جز الله نیست و محمد پیامبر خداست)) بلند نشود.

- امام باقر علیه السلام زمانی که قائم به پا خیزد ایمان را بر هر دشمن کینه توزی عرضه می کند اگر از جان و دل ایمان نیارورد گردنش زده می شود یا همچون ذمیان امروز جزیه می پردازد و به کمر او زنار می بندد و آنان را از شهرها به حومه ها و روستاهای بیرون می کند.

پس از قائم علیه السلام .

- عبدالله بن حارث از امام علی علیه السلام پرسید: از حوادث و رخدادهای پس از قائم خود به من خبر دهید؟

فرمود: ای پسر حارث! سخن گفتن از این موضوع به خود او واگذار شده است و پیامبر خدا صلی الله علیه و آله به من سفارش فرمود که در این باره به کسی جز حسن و حسین چیزی نگویم .

ایمان .

ایمان .

قرآن .

((اما خداوند ایمان را محبوب شما ساخت و آن را در دلهایتان آراست)).

- امام علی علیه السلام ایمان ریشه حق است و حق، راه هدایت، شمشیر ایمان شمشیری آراسته و زیننده و سلاحی همیشه آماده است که دنیا میدان آزمون آن است.
- از ایمان راه به سوی کارهای شایسته برده می شود و از کارهای شایسته راه به سوی ایمان (ایمان و عمل صالح لازم و ملزوم و علت و معلول یکدیگرند) و با ایمان است که علم و معرفت آباد می شود.
- ایمان بزرگترین امانت‌هاست.

ایمان و اسلام.

قرآن.

((باده نشینان گفتند: ما ایمان آوردیم بگو: شما ایمان نیاورده اید، بلکه بگویید اسلام آورده ایم و هنوز ایمان به دل‌های شما وارد نشده است)).

- امام علی علیه السلام پیامبر خدا صلی الله علیه و آله به من فرمود: علی! بنویس عرض کردم: چه بنویسم؟
فرمود: بنویس: بسم الله الرحمن الرحيم، ایمان آن است که در دل‌ها جای گیرد و درستی آن با عمل ثابت شود و اسلام آن است که بر زبان گذرد و با آن پیوند زناشویی حلال گردد.

- امام باقر علیه السلام ایمان آن است که در قلب باشد و اسلام آن است که ازدواج و ارث بری وابسته بدان است و خون‌ها محفوظ می ماند ایمان همیشه با اسلام شریک است اما اسلام همیشه همراه و شریک ایمان نیست.

- ایمان اقرار است و عمل و اسلام اقراری است بدون عمل.

- امام صادق علیه السلام --- در پاسخ به پرسش ابو بصیر درباره ایمان --- : ایمان به خدا آن است که نافرمانی او نشود عرض کردم: پس اسلام چیست؟

فرمود: هر که اعمال عبادی ما را انجام دهد و مانند ما ذبح کند.

- ایمان آن چیزی است که در دل‌ها جای گیرد و اسلام آن چیزی است که ازدواج و ارث بردن به آن بستگی دارد و خون‌ها (مسلمانان) محفوظ می ماند.

- دین خدا نامش اسلام است پیش از آن که شما به وجود آیید، هر جا که بوده اید و پس از پدید آمدن شما، اسلام دین خدا بوده و هست پس هر که به دین خدا اقرار و اعتراف کند مسلمان است و هر که به دستورهای خدای عزوجل عمل کند مؤمن است.

ریشه ایمان.

- امام علی علیه السلام ایمان درختی است که ریشه اش یقین است، شاخه اش پرهیزگاری، شکوفه اش حیا و میوه اش بخشندگی.

- ریشه ایمان پذیرفتن شایسته فرمان خداست.

حقیقت ایمان (۱).

- پیامبر خدا صلی الله علیه و آله ایمان به ادعا و آرزو نیست بلکه ایمان آن است که در دل خالص باشد و عمل آن را تصدیق و تایید کند.

- ایمان شناخت با دل است و گفتن با زبان و عمل با ارکان بدن.

- امام رضا علیه السلام ایمان پیمانی قلبی است و تلفظ زبانی و عمل با اعضا و جوارح .
- پیامبر خدا صلی الله علیه و آله ایمان گفتاری است که بر زبان رانده شود و عملی که صورت پذیرد و شناخت به وسیله خردها.
- امام علی علیه السلام ایمان آن است که به زبان آورده شود و با اعضا و جوارح به عمل درآید.
- پیامبر خدا صلی الله علیه و آله ایمان با دل و زبان است و هجرت با جان و مال .

حقیقت ایمان (۲).

- امام علی علیه السلام ایمان خالص کردن عمل است (برای خدا).
- پیامبر خدا صلی الله علیه و آله ایمان , از حرامها پاک و از آرزو و طمعها مبرا است .
- ایمان , شکیبایی و گذشت است .
- ایمان بر دو نیم است : نیمی از آن در شکیبایی است و نیمی دیگر در سپاسگزاری .
- امام علی علیه السلام ایمان , صبوری در سختی و گرفتاری است و شکرگزاری در آسایش و نعمت .
- راستی در راس ایمان است .

حقیقت ایمان (۳).

- امام صادق علیه السلام از نشانه های ایمان حقیقی این است که حق را, هر چند به زیان تو باشد, بر باطل , هر چند به سود تو باشد, ترجیح دهی .
- پیامبر خدا صلی الله علیه و آله سه چیز از ایمان است : انفاق کردن در زمان تنگدستی , سلام کردن به عالم و انصاف داشتن درباره خود.
- امام صادق علیه السلام مردی خدمت پیامبر خدا صلی الله علیه و آله رسید و عرض کرد: ای رسول خدا! من خدمت رسیده ام تا با شما بر اسلام بیعت کنم پیامبر خدا صلی الله علیه و آله به او فرمود: با تو بیعت کنم بر این که پدرت رابکشی ؟
- عرض کرد: آری , پیامبر خدا صلی الله علیه و آله فرمود: به خدا سوگند, ما به شما دستور نمی دهیم پدرانان را بکشید, اما اینک دانستم که ایمان تو حقیقی است و تو هرگز یار و همدمی جز خدا نخواهی گرفت .
- روزی پیامبر خدا حارثه را دید به او فرمود: ای حارثه ! چگونه صبح کردی ؟
- عرض کرد: ای رسول خدا! در حالی که مؤمن حقیقی هستم فرمود: هر ایمانی را حقیقی است , حقیقت ایمان تو چیست ؟
- عرض کرد: از دنیا بیزار شده ام و شبم را با بیداری (عبادت و تهجد) گذرانده ام و روزم را با تشنگی (روزه داری) .
- امام باقر علیه السلام پیامبر خدا صلی الله علیه و آله در یکی از مسافرتهايش با کاروانی رو به رو شد, کاروانیان عرض کردند: درود بر تو ای پیامبر خدا صلی الله علیه و آله پیامبر خدا صلی الله علیه و آله پرسید: شما چیستید؟
- عرض کردند: ما مؤمن هستیم پیامبر خدا صلی الله علیه و آله فرمود: حقیقت ایمان شما چیست ؟
- عرض کردند: خشنودی به قضای الهی و گردن نهادن به فرمان خدا و سپردن کارها به دست خدا فرمود: دانشمندانی فرزانه که نزدیک است از فرزاندگی پیامبر شوند اگر راست می گویند پس خانه ای که در آن ساکن نمی شوید نسازید و آنچه نمی خورید جمع نکنید و از خدایی که به سوی او بر می گردید, پروا کنید.

حقیقت ایمان (۴).

- پیامبر خدا صلی الله علیه و آله هر چیزی حقیقتی دارد هیچ بنده ای به حقیقت نرسد مگر آن که بداند آنچه به او رسیده نمی توانست نرسد و آنچه به او نرسیده نمی توانست برسد.
- ای ابوذر! به حقیقت ایمان دست نیابی مگر آن گاه که همه مردم را در دینشان نابخرد و در دنیایشان خردمند بینی .
- بنده آن گاه به ایمان حقیقی دست یابد که برای خدا به خشم آید و برای خدا خشنود شود پس ، هر گاه چنین باشد سزایمند ایمان حقیقی گشته است .
- امام صادق علیه السلام هیچ یک از شما به ایمان حقیقی نرسد مگر آن که دورترین کس به خود را برای خدا دوست بدارد و نزدیکترین کس خود را به خاطر خدا دشمن بدارد.
- امام باقر علیه السلام هیچ یک از شما به حقیقت ایمان نرسد مگر آن که سه خصلت داشته باشد: مرگ را از زندگی دوست تربدارد و فقر را از توانگری و بیماری را از تندرستی .
- عرض کردیم : چه کسی این چنین است ؟
- ! فرمود: همه شما آن گاه فرمود هر یک از شما کدام یک را بیشتر دوست دارید، در راه دوستی ما بمیرید یا با دشمنی با ما زنده بمانید؟
- عرض کردم : به خدا قسم ، اینکه در راه دوستی شما بمیریم فرمود: فقر و ناداری و توانگری و بیماری و تندرستی نیز همین طور عرض کردم : آری ، به خدا قسم .

حقیقت ایمان (۵).

- امام علی علیه السلام ایمان هیچ بنده ای راستین نباشد مگر زمانی که اعتماد و اطمینان او به آنچه نزد خداست بیشتر باشد از آنچه در دست خویش دارد.
- امام صادق علیه السلام بدانید که هیچ بنده ای از بندگان خدا هرگز مؤمن نباشد مگر آن که از کرده خدا درباره خود، خوشایند وی باشد یا ناخوشایند، خشنود باشد.
- و مؤمن نیستی مگر آن که در بیم و امید به سر بری و بیمناک و امیدوار نیستی مگر آن که به آنچه مایه ترس و امید تو گشته عمل کنی .
- پیامبر خدا صلی الله علیه و آله هیچ بنده ای مؤمن نیست مگر آن که هر خوبی برای خود می خواهد برای مردم نیز بخواهد.
- امام صادق علیه السلام مؤمن تنها آن گاه مؤمن است که همچون پیکر برادر خود باشد که هر گاه رگی از او بجنبید دیگر رگهایش با او به جنبش در می آیند.
- پیامبر خدا صلی الله علیه و آله انسان مؤمن نیست مگر آن که دلش با زبانش یکی باشد و زبانش با دلش گفتارش با کردارش ناسازگار نباشد و همسایه اش از گزند او در امان باشد.

ایمان و عمل .

- پیامبر خدا صلی الله علیه و آله ایمان و عمل دو برادر بسته به یک ریسمانند، خداوند یکی را بدون دیگری نمی پذیرد.
- ایمان بی عمل و عمل بی ایمان پذیرفته نمی شود.
- ایمان گفتار است و کردار، کاستی و فزونی می پذیرد.
- امام صادق علیه السلام ملعون است ملعون است کسی که بگوید: ایمان گفتار است بی کردار.

- امام علی علیه السلام اگر ایمان تنها گفتار بود روزه و نماز و حلال و حرام نازل نمی شد.

- معصوم علیه السلام ایمان سراسر عمل است و گفتار، برخی از آن عمل است که خداوند در کتاب خود وجوب آن را بیان فرموده است.

- امام صادق علیه السلام اگر بندگان، حق را توصیف کنند و به آن رفتار نمایند اما در دل‌هایشان به حق بودن آن اعتقاد نداشته باشند سودی نبرده اند.

مرجئه .

- پیامبر خدا صلی الله علیه و آله هفتاد پیامبر، مرجئه را، همانان که می گویند: ایمان گفتار است بی کردار، نفرین کرده اند.

- دو گروه از امت من هستند که خداوند به زبان هفتاد پیامبر آنها را نفرین کرده است: قدریه و مرجئه، همانان که می گویند: ایمان اقرار است و عمل در آن نهفته نیست.

ایمان و گناهان (۱).

- امام کاظم علیه السلام --- در پاسخ به این سؤال که آیا گناهان کبیره ایمان را سلب می کند؟

:- آری و گناهان غیر کبیره نیز پیامبر خدا صلی الله علیه و آله فرمود: زناکار در حالی که مؤمن است زنا نمی کند و سارق، در حال ایمان، دزدی نمی کند.

- از امام باقر درباره این سخن پیامبر خدا صلی الله علیه و آله که: هرگاه مرد زنا کند روح ایمان از او جدا می شود، سؤال شد فرمود: این سخن خدای تعالی است، آن جا که می فرماید: ((و آنان را با روحی از خود پشتیبانی کرد)) همین روح است که از او جدا می شود.

- زراره از امام صادق درباره این سخن پیامبر که: زناکار در حالی که مؤمن است زنا نمی کند، پرسید آن حضرت فرمود: تا آن که روح ایمان از او کنده می شود (آن گاه مرتکب زنا می شود) زراره می گوید: عرض کردم: روح ایمان از او کنده می شود؟

زاراره می گوید [عرض کردم]: از روح ایمان برایم بفرمایید: فرمود: چیزی است آن گاه فرمود: آماده و به هوش باش که آن را بفهمی [آیا] ندیده ای که انسان چیزی را می خواهد ولی در درون او چیزی وی را از آن خواهش باز می دارد و نهی می کند؟ عرض کردم: چرا فرمود: آن چیز همان روح ایمان است.

- امام صادق علیه السلام --- در پاسخ به سؤال گروهی در باره ایمان ---: پیامبر خدا صلی الله علیه و آله فرمود: زناکار در حال ایمان زنا نمی کند، سارق در حال ایمان دست به سرقت نمی زند و شرابخوار، در حال داشتن ایمان، شراب نمی خورد آنان (مخاطبان امام) به یکدیگر نگاه کردند عمر بن ذر عرض کرد: چه نامی بر این افراد بگذاریم؟

امام علیه السلام فرمود: همان نامی که خدا بر آنان نهاده است، به نام اعمالشان خداوند فرموده است: ((مرد دزد و زن دزد)) و فرموده ((زن زناکار و مرد زناکار)).

- پیامبر خدا صلی الله علیه و آله زناکار در حالی که مؤمن است زنا نمی کند، دزد در حالی که مؤمن است مرتکب دزدی نمی شود و شرابخوار در حالت داشتن ایمان، شراب نمی نوشد و در توبه هنوز باز است.

- علقمه بن قیس: علی را دیدم بر منبر کوفه می فرماید: از پیامبر خدا صلی الله علیه و آله شنیدم که می فرمود: زناکار در حالی که مؤمن است زنا نمی کند پرسیدم: ای امیرمؤمنان! کسی که زنا کند کافر است؟

علی علیه السلام فرمود: پیامبر خدا به ما دستور می داد احادیث رخصتها را مبهم گذاریم زناکار با ایمان به این که زنا برایش حلال و رواست و زنا نمی کند، زیرا اگر ایمان و اعتقاد داشته باشد که زنا برای او حلال و رواست کافر است .

ایمان و گناهان (۲).

- پیامبر خدا صلی الله علیه و آله هر بنده ای که بگوید: ((معبودی جز الله نیست)) و بر این گفته بمیرد به بهشت درآید گرچه زنا کند و دزدی کند، گرچه زنا کند و دزدی کند، گرچه زنا کند و دزدی کند و گرچه بینی ابوذر به خاک مالیده شود.

- هر که بگوید: ((معبودی جز الله نیست)) هیچ گناهی به (ایمان) او آسیب نرساند همچنان که اگر به خدا شرک ورزد هیچ کردار نیکي او را سود نبخشد.

- همان طور که با وجود شرک هیچ چیز سودمند نیست با وجود ایمان نیز چیزی زیان نمی رساند.

- هیچ گناهی مؤمن را از ایمانش خارج نمی سازد، همچنان که هیچ کار نیکي کافر را از کفرش به در نمی برد.

ایمان و گناهان (۳).

- پیامبر خدا صلی الله علیه و آله --- به جابر انصاری --- : برو و در میان مردم جار زن که هر کس از روی یقین یا اخلاص شهادت دهد که خدایی جز الله نیست و بهشت از آن اوست .

- خداوند به من سفارش کرد که احدی از امت من با لا اله الا الله نزد من نیاید مگر آن که بهشت بر او واجب شود به شرط آن که چیزی را با آن نیامیخته باشد عرض کردند: ای پیامبر خدا! آن چیست که با لا اله الا الله آمیخته می شود؟

فرمود: حرص به دنیا و جمع کردن مال دنیا و ندادن آن به دیگران این افراد سخن پیامبران را می گویند و رفتار ستمگران را می کنند.

- هر کس گواهی دهد که خدایی جز الله نیست و دلش زبان او را تصدیق کند از هر دری از درهای بهشت که بخواهد وارد خواهد شد.

- هر که از روی اخلاص بگوید ((معبودی جز الله نیست)) وارد بهشت شود عرض شد: خالص کردن آن چگونه است ؟

فرمود: به این که آن را از حرامها و نارواهای خدا دور نگه داری .

- لا اله الا الله ، بندگان را از خشم خدا ننگه می دارد به شرط آن که داد و ستد دنیای خود را بر دین خویش ترجیح ندهند.

- لا اله الا الله ، همواره خشم خدا را از مردم باز می دارد مگر زمانی که چون دنیایشان آباد شد باکی نداشته باشند که دینشان از بین برود.

- لا اله الا الله ، همواره برای گوینده آن سودمند افتد مگر زمانی که آن را خوار شمارد و خفیف شمردن حق آن به این است که گناهکاری آشکار شود و آن را زشت بشمارند و در صدد از میان بردن گناهکاری برنیایند.

ایمان کامل .

- مسیح علیه السلام گندم را پاک و تمیز نمایند و خوب آردش کنید تا طعم آن را بچشید و از خوردنش لذت ببرید، به همین سان ، ایمان را خالص و کامل گردانید تا حلاوت آن را بچشید و سرانجامش شما را سودمند افتد.

- امام صادق علیه السلام سه چیز است که به طور کامل در یک نفر هرگز دیده نمی شود: ایمان ، عقل و سختکوشی .

آنچه ایمان را کامل می کند (۱).

- پیامبر خدا صلی الله علیه و آله سه خصلت است که هر کس داشته باشد خصلتهای ایمان را به کمال رسانده است: کسی که چون راضی شود رضایت و خشنودیش او را به گناه و باطل نکشد و چون خشمگین شود خشم او را از حق به در نبرد و هرگاه قدرت یافت چیزی را که از او نیست به زور نگیرد.

--

--

- سه چیز است که هر که داشته باشد ایمانش کامل است: مردی که در راه خدا از سرزنش هیچ نکوهشگری نهراسد و در هیچ کار خود ریا و خودنمایی نکند و هرگاه دو چیز بر او عرضه شود که یکی دنیایی است و دیگر آخرتی کار آخرت را بر دنیا ترجیح دهد.

- امام سجاد علیه السلام چهار چیز است که هر کس دارای آنها باشد اسلامش کامل گردد و گناهانش ریخته شود و پروردگار خویش را دیدار کند در حالی که از او خشنود است: آن که برای خدا به تعهد خود در قبال مردم عمل کند و با مردم راستگو باشد و از ارتکاب هر آنچه نزد خدا و مردم زشت است شرم کند و با خانواده خود خوش اخلاق باشد.

- پیامبر خدا صلی الله علیه و آله --- در پاسخ مردی که پرسید: دوست دارم ایمانم کامل شود ---: اخلاقت را خوب کن، ایمانت کامل می شود.

- امام علی علیه السلام آن کس از شما ایمانش کاملتر است که اخلاقتش نیکوتر باشد.

- سه چیز است که هر کس داشته باشد ایمانش کامل است: خرد، بردباری و دانش.

- امام سجاد علیه السلام راه شناخت کامل بودن دین مسلمان این است که سخنان بیهوده و نامربوط نمی گوید، کمتر بحث و جدال می کند، بردبار، شکیب و خوش اخلاق است.

آنچه ایمان را کامل می کند (۲).

- امام صادق علیه السلام بنده ای حقیقت ایمان را به کمال نمی رساند مگر آن که سه خصلت در او باشد: فهم در دین، برنامه ریزی درست در اقتصاد زندگی و شکیبایی در برابر گرفتاریها و مصائب.

- پیامبر خدا صلی الله علیه و آله بنده ایمان را به کمال نمی رساند مگر سه خصلت در او باشد: انفاق در هنگام تند گدستی، انصاف دادن و سلام کردن.

- بنده ایمان را به کمال نمی رساند مگر آن که اخلاقتش را نیک گرداند، خشم خود را با گرفتن انتقام فرو نشاند و آنچه برای خود دوست دارد برای مردم نیز دوست بدارد هر آینه مردانی به بهشت درآمده اند نه با عمل بلکه به سبب خیرخواهی برای مسلمانان.

- بنده به کمال ایمان نرسد مگر آن که آنچه برای خود دوست دارد برای برادرش نیز دوست بدارد و در شوخی و جدی خود از خدا بترسد.

- امام جواد علیه السلام بنده هرگز حقیقت ایمان را به کمال نرساند مگر آن گاه که دینش را بر هوس خود ترجیح دهد و هرگز به هلاکت درنیفتد مگر زمانی که هوس خود را بر دینش ترجیح دهد.

- پیامبر خدا صلی الله علیه و آله مؤمن، مؤمن نباشد و ایمان را به مرز کمال نرساند مگر سه خصلت داشته باشد: فراگیری دانش

و شکیبایی در گرفتاریها و مدارا در امر معاش .

آنچه ایمان را کامل می کند (۳).

- امام علی علیه السلام ایمان بنده ای کامل نمی شود مگر آن که آنچه را خداوند دوست دارد او نیز دوست داشته باشد و آنچه را خداوند دشمن دارد او نیز دشمن بدارد.

- ایمان مؤمن کامل نیست مگر آن که رفاه و آسایش را فتنه شمارد و بلا را نعمت .

- پیامبر خدا صلی الله علیه و آله ایمان بنده به خدا کامل نباشد مگر پنج خصلت در او باشد: توکل به خدا، وا گذاشتن کارها به خدا، سر نهادن به فرمان خدا، خشنود بودن به قضای خدا و شکیبایی کردن بر بالای خدا هر کس در مسیر خدا دوست داشته باشد، در مسیر خدا دشمن داشته باشد، برای خاطر خدا داد و دهش کند و برای خاطر خدا از بخشش باز ایستد هر آینه ایمان را به سر حد کمال رسانده است .

- امام صادق علیه السلام ایمان بنده کامل نباشد مگر چهار خصلت در او باشد: اخلافتش را نیکو گرداند، خود را سبک شمارد، از زیاده گویی خودداری ورزد و اضافی مال خود را ببخشد؟

- پیامبر خدا صلی الله علیه و آله مؤمن ایمان خود را کامل نگرداند مگر آن که یکصد و سه خصلت را (مربوط به) فعل و عمل و نیت و باطن و ظاهر دارا شود.

ایمان و آرامش .

قرآن .

((اوست که بر دل‌های مؤمنان آرامش فرستاد تا ایمانی بر ایمانشان بیفزایند و از آن خداست لشکرهای آسمانها و زمین و خدا دانا و حکیم است)).

- امام باقر علیه السلام --- در تفسیر آیه ((اوست که آرامش را فرستاد)) --- : آن آرامش ، ایمان است .

افزایش یافتن ایمان .

قرآن .

((و چون آیات او بر ایشان تلاوت شود بر ایمان آنان بیفزاید)).

((و چون سوره ای نازل شود بعضی می پرسند: این (سوره) به ایمان کدام یک از شما در افزود؟

آنان که ایمان آورده اند به ایمانشان افزوده شود و خود شادمانی می کنند)).

- امام علی علیه السلام ایمان مانند نقطه ای است در قلب ، هر چه بر ایمان افزوده شود آن نقطه گسترش می یابد.

- ایمان همچون نقطه سفیدی است در قلب که هر چه بر ایمان افزوده شود آن سفیدی بزرگتر شود و چون ایمان کامل گردد تمام قلب سپید شود.

درجات ایمان .

قرآن .

((این دو گروه نزد خدا درجاتی دارند گوناگون و او به کارهایشان آگاه است)).

- پیامبر خدا صلی الله علیه و آله بالاترین مرتبه ایمان یک درجه است هر که به آن درجه رسد رستگار و پیروز شده و آن این است که باطن آدمی به آن حد از پاکی رسد که اگر آشکار شود پروایی نداشته باشد و اگر پوشیده ماند از کیفر (خدا بر آن) نترسد.

- امام صادق علیه السلام ایمان مانند نردبانی است که ده پله دارد و پله های آن یکی پس از دیگری پیموده می شود پس کسی که در پله دوم است نباید به آن که در پله اول است بگوید تو چیزی نداری تا برسد به آن که در پله دهم است (او هم نباید به پایین تر خود چنین سخنی بگوید) آن را که در پله پایینتر از تو قرار دارد نینداز که بالاتر از تو نیز تو را می اندازد اگر دیدی کسی یک پله از تو پایینتر است با مهربانی و ملایمت او را به طرف خود بالا کشان و فراتر از توانش باری به دوش او مگذار که او را می شکنی و هر کس مؤمنی را بشکند باید شکستگی او را درمان کند.

- مؤمنان هفت درجه دارند و خداوند عزوجل به (درجه) هر صاحب درجه می افزاید.

- خداوند ایمان را به هفت بخش تقسیم کرده است: نیکوکاری، راستگویی، یقین، خشنودی، وفاداری، دانش و بردباری.

برترین ایمان.

- پیامبر خدا صلی الله علیه و آله برترین ایمان این است که بدانی خداوند همه جا با توست.

- بالاترین ایمان این است که دوستی و دشمنی ات برای خدا باشد و زبانت را در ذکر خدا به کارگیری و آنچه برای خود دوست داری برای مردم نیز دوست داشته باشی و آنچه را بر خود نمی پسندی بر مردم نیز نپسندی و به نیکی سخن گویی یا خاموش بمانی.

- برترین ایمان شکیبایی و بخشنده گی است.

- برترین ایمان خوی نیکوست.

- امام علی علیه السلام بالاترین ایمان یقین نیکو (به خدا) است.

شاخه های ایمان.

- پیامبر خدا صلی الله علیه و آله ایمان هفتاد و اندی شاخه است، برترین آنها گفته لا اله الا الله است و کمترین آنها برداشتن چیزهای آزارنده از سر راه مردم، و حیا شاخه ای از ایمان است.

ارکان ایمان.

- امام علی علیه السلام ایمان بر چهار رکن استوار است: توکل بر خدا، وا گذاشتن کارها به خدا، گردن نهادن به فرمان خدا و راضی بودن به قضای خدا.

- ایمان بر چهار ستون استوار است: صبر، یقین، جهاد و عدالت.

- پیامبر خدا صلی الله علیه و آله ایمان در ده چیز است: شناخت، فرمانبری (از خدا)، علم، عمل، پاکدامنی، سختکوشی، شکیبایی، یقین، خشنودی و تسلیم (در برابر خدا) هر یک از این ده رکن کم شود رشته ایمان از هم پاشیده شود.

- امام علی علیه السلام عزت نفس و خویشنداری و خرسند بودن به قدر کفاف از پایه های ایمان است.

محکمترین حلقه های ایمان .

- پیامبر خدا صلی الله علیه و آله محکمترین حلقه های ایمان دوست گیری به خاطر خدا، دوست داشتن و کینه داشتن به خاطر خداست .

- از آن حضرت درباره استوارترین دستاویزهای ایمان سؤال شد، فرمود: دوست داشتن برای خدا و دشمنی کردن برای خدا.

- امام صادق علیه السلام از استوارترین دستاویزهای ایمان این است که برای خدا دوست بداری و برای خدا دشمنی ورزی و به خاطر خدا داد و دهش کنی و به خاطر خدا از بخشش خودداری ورزی .

- پیامبر خدا صلی الله علیه و آله به اصحاب خود فرمود: کدام حلقه ایمان محکمتر است ؟

عرض کردند: خدا و پیامبر او بهتری دانند آن گاه یکی گفت : نماز، دیگری گفت : زکات پیامبر خدا صلی الله علیه و آله فرمود: هر یک از اینها که گفتید اهمیت خود دارد اما آن که می خواهم نیست ، بلکه محکمترین حلقه های ایمان دوست داشتن برای خداست و دشمنی کردن به خاطر خدا و دوست داشتن دوستان خدا و بیزاری از دشمنان خدا.
- پیامبر خدا صلی الله علیه و آله استوارترین دستاویز کلمه تقواست .

ایمان استوار و ایمان عاریتی و ناپایدار .

قرآن .

((اوست خداوندی که شما را از یک نفس بیافرید بعضی پایدار و بعضی ناپایدار هر آینه آیات را برای آنان که می فهمند تشریح نموده ایم)).

- امام صادق علیه السلام --- در تبیین مستقر و مستودع --- : مستقر آن کسی است که برایمان استوار است و مستودع ، ایمان عاریتی است .

- امام علی علیه السلام قسمی از ایمان در دلها استوار و پابرجاست و قسمی دیگر میان دلها و سینه ها عاریت و ناپایدار تا زمانی معلوم (هنگام مرگ) پس اگر از کسی بپزاید او را واگذارید تا مرگش فرا رسد (درباره کفر و ایمان او حکم نکنید شاید در لحظه آخر ایمان استوار و حقیقی پیدا کرد) در آن وقت سزاوار بیزاری می گردد.

عوامل استوار شدن ایمان .

- امام صادق علیه السلام --- در پاسخ به سؤال از عواملی که ایمان را در بنده استوار می سازد :- آنچه ایمان را در او استوار می کند پارسایی است و آنچه ایمان را از دل او بیرون می برد طمع و آزمندی است .

- هر کس کردارش با گفتارش یکی باشد نجات و رستگاری او گواهی شده است و هر کس کردارش با گفتارش سازگار نباشد ایمانش عاریتی است .

- خداوند عزوجل عادل است بیگمان او مردم را به ایمان به خود فرا خوانده است نه به کفر او هیچ کس را به کفر دعوت نمی کند پس هر که به خدا ایمان آورد و ایمان او نزد خدا ثابت باشد خداوند او را از ایمان به کفر باز نخواهد برد.

- امام علی علیه السلام کامل ! تو سزاوار آنی که ایمان در دلت استوار گردد به شرط آن که همواره شاهراه روشنی را پیمایی که تورا به کجراهه نمی کشاند و از راهی که ما تو را به آن کشانده و تو را به آن رهنمون شده ایم بیرون نمی برد.

- امام صادق علیه السلام ایمان مؤمن جز با عمل استوار نمی شود، عمل جز ایمان است .

- خداوند پیامبران را بر سرشت نبوتشان آفرید، از این رو هرگز بر نمی گردند و اوصیا را بر سرشت وصیت‌هایشان آفرید، بدین سبب هرگز بر نمی گردند و برخی مؤمنان را بر سرشت ایمان آفرید، از این رو هرگز (از ایمان خود) بر نمی گردند و برخی از مؤمنان هم ایمان عاریتی دارند، اینان اگر (برای استواری ایمان خود) دعا کنند و در دعا اصرار ورزند، با ایمان بمیرند.

چشیدن طعم ایمان .

- پیامبر خدا صلی الله علیه و آله سه چیز است که هر کس داشته باشد طعم ایمان را چشیده است : کسی که هیچ چیزی را بیشتر از خدا و پیامبر اودوست نداشته باشد و کسی که اگر او را با آتش بسوزانند برایش بهتر است تا این که از دینش دست شوید و کسی که برای خدادوستی و دشمنی ورزد.

- سه چیز است که هر کس داشته باشد حلاوت ایمان را می چشد: خدا و رسول او را از هر چیز دیگر بیشتر دوست داشته باشد، انساندوستی او تنها برای خدا باشد و بعد از آن که خداوند او را از کفر نجات بخشیده دیگر خوش نداشته باشد به کفر برگردد، همچنان که دوست ندارد در آتش افکنده شود.

- سه چیز است که هر کس آنها را انجام دهد بی گمان طعم ایمان را چشیده است : هر کس تنها خدای یگانه را پرستد و زکات مال خویش را با رضایت خاطر پردازد و نفس خویش را پیراسته کند.

- آن که به پروردگاری خدا و دین اسلام و پیامبری محمد خشنود باشد طعم ایمان را چشیده است .

نچشیدن طعم ایمان .

- امام علی علیه السلام تا بنده ای دروغ گفتن ، به شوخی و جدی ، را ترک نگفته باشد، مزه ایمان را نمی چشد.

- هیچ بنده ای مزه ایمان را نچشد مگر آن که بداند آنچه بدو رسیده ، نمی شد نرسد و آنچه به او نرسیده ، ممکن نبود که برسد و این که زیان بخش و سودرسان خدای عزوجل است و بس .

- آدمی حقیقت ایمان را نچشد مگر سه خصلت در او باشد: فهم در دین ، صبر در برابر مصائب و برنامه ریزی درست در امر معاش .

- پیامبر خدا صلی الله علیه و آله چهار چیز است که انسان تا به آنها ایمان نیاورد مزه ایمان را نمی چشد این که خدایی جز الله نیست ، این که من فرستاده خدا هستم و به حق مرا برانگیخته است ، این که می میرد و پس از مرگ دوباره برانگیخته می شود و این که به قضا و قدر سراسر ایمان آورد.

- بنده آن گاه نابی و زلالی ایمان را بیابد که برای خدا دوست و دشمن بدارد، پس ، هر گاه برای خدا دوست بدارد و برای خدادشمنی ورزد بیگمان سزای ولایت خداست .

نچشیدن حلاوت ایمان .

- پیامبر خدا صلی الله علیه و آله هر کس بیشترین فکرو تلاشش رسیدن به خواهشهای نفسانی باشد حلاوت ایمان از قلبش گرفته شود.

- امام صادق علیه السلام چشیدن شیرینی ایمان بر دل‌های شما حرام گشته مگر آن گاه که دل‌هایتان از دنیا رویگردان شوند.

- پیامبر خدا صلی الله علیه و آله آدمی شیرینی ایمان را در قلب خود نمی یابد مگر زمانی که برایش مهم نباشد چه کسی دنیا را خورد.

- (آدمی) شیرینی ایمان را حس نکند مگر زمانی که به خوب و بد تقدیر ایمان آورد.

کمترین درجه ایمان .

- امام علی علیه السلام کمتر چیزی که بنده بداشتن آن مؤمن می باشد این است که خدای تبارک و تعالی خود را به او بشناساند و او در برابر فرمان خداوند گردن نهد و پیامبر خود صلی الله علیه و آله را به او بشناساند و او به فرمان پیامبر گردن نهد و نیز امام و حجت خود در زمین و گواهی بر خلق را به وی بشناساند و او در برابر وی نیز سر طاعت فرود آورد سلیم می گوید: عرض کردم: ای امیر مؤمنان! اگر چه هیچ چیز دیگری، جز آنچه بر شمردی، نداند؟ فرمود: آری، چون هرگاه دستوری به او داده شد اطاعت می کند و هرگاه از چیزی نهی شد انجام نمی دهد.

آنچه ایمان را سلب می کند.

- امام صادق علیه السلام: بیگمان بنده به سبب یکی از پنج کار که همگی مانند هم و شناخته شده هستند، از ایمان خاج می شود: کفر، شرک، گمراهی، فسق و ارتکاب کبائر.

کمترین چیزی که ایمان را سلب می کند.

- امام صادق علیه السلام کمترین چیزی که انسان را از ایمان خارج می سازد این است که با کسی پیوند برادری دینی ببندد و سپس لغزشها و اشتباهات او را بر شمرد تا روزی آنها را دستمایه سرزنش وی قرار دهد.
- پیامبر خدا صلی الله علیه و آله کمترین کفر این است که انسان از برادرش سخنی بشنود و آن را نگه دارد تا با آن او را رسواسازد این افراد بهره ای از خوبی نبرده اند.
- امام صادق علیه السلام --- در پاسخ به این پرسش که: کمترین چیزی که موجب کفر بنده می شود چیست؟
: این که بدعتی بگذارد و از آن دفاع کند و از هر که با آن مخالفت ورزد بیزاری جوید.
- از امام صادق علیه السلام سؤال شد کمترین چیزی که بنده با آن کافر می شود چیست؟
آن حضرت سنگریزه ای از روی زمین برداشت و فرمود: این که بگویند این ریگ یک هسته است و از هر که با این سخن او مخالفت ورزد بیزاری جوید.
- امام صادق علیه السلام کمترین چیزی که ایمان را از آدمی سلب می کند این است که با آدم گزافه گویی (در دین) بنشیند و به حرفهایش گوش دهد و آنها را تایید کند.

آنچه با ایمان سازگار نیست .

قرآن .

((ای کسانی که ایمان آورده اید! دوست همرازی جز از همکیشان خود مگیرید)).

((ای کسانی که ایمان آورده اید! همانند آن کافران مباشید که درباره برادران خود که به سفر یا به جنگ رفته بودند، می گفتند: اگر نزد ما بودند نمی مردند و کشته نمی شدند)).

((ای کسانی که ایمان آورده اید! شما را حلال نیست که از زنان بر خلاف میلشان به ارث ببرید)).

((ای کسانی که ایمان آورده اید! اموال یکدیگر را به ناحق مخورید)).

- ((ای کسانی که ایمان آورده اید! به جای مؤمنان کافران را به دوستی مگیرید)).
- ((ای کسانی که ایمان آورده اید! یهود و نصارا را به دوستی برنگزینید)).
- ((ای کسانی که ایمان آورده اید! اهل کتاب را که دین شما را به مسخره و بازی می گیرند و نیز کافران را به دوستی نگیرید)).
- ((ای کسانی که ایمان آورده اید! چیزهای پاکیزه ای را که خدا بر شما حلال کرده است حرام نکنید)).
- ((ای کسانی که ایمان آورده اید! از چیزهایی که چون برای شما آشکار شوند اندوهگینتان می کنند، مپرسید)).
- ((ای کسانی که ایمان آورده اید! چون کافران را حمله ور دیدید به هزیمت پشت نکنید)).
- ((ای کسانی که ایمان آورده اید! شما که می دانید نباید به خدا و پیامبر خیانت کنید و در امانت خیانت ورزید)).
- ((ای کسانی که ایمان آورده اید! اگر پدر یا برادرتان دوست دارند که کفر را به جای ایمان برگزینند آنها را به دوستی مگیرید)).
- ((ای کسانی که ایمان آورده اید! دشمن من و دشمن خودتان را به دوستی نگیرید)).
- ((ای کسانی که ایمان آورده اید! در حال مستی به نماز نزدیک نشوید تا بدانید چه می گوید)).
- ((ای کسانی که ایمان آورده اید! پا جای پاهای شیطان مگذارید)).
- ((ای کسانی که ایمان آورده اید! همچون کسانی نباشید که موسی را آزرده کردند و خدایش از آنچه گفته بودند مبرایش ساخت)).
- ((ای کسانی که ایمان آورده اید! مبادا که گروهی گروه دیگر را مسخره کند)).
- ((ای کسانی که ایمان آورده اید! اگر با یکدیگر نجوا می کنید در باب گناه نجوا نکنید)).
- ((ای کسانی که ایمان آورده اید! داراییها و فرزندانان شما را از یاد خدا به خود مشغول ندارد)).
- ((ای کسانی که ایمان آورده اید! شراب و قمار و بتها و گروه بندی با تیرها پلیدی و کار شیطان است، بنابر این از آن اجتناب کنید)).
- پیامبر خدا صلی الله علیه و آله آزمندی و ایمان هرگز با هم در قلب بنده جمع نمی شوند.
- امام باقر علیه السلام هر که خشونت و درشتخویی قسمتش شود از ایمان محروم ماند.
- پیامبر خدا صلی الله علیه و آله دو خصلت است که در مؤمن گرد نمی آیند: بخل و بد گمانی به روزی .
- دو خوی در مؤمن فراهم نمی آیند: آزمندی و بدخویی .
- مؤمن به هر خصلتی خوی کند، اما به دروغگویی و خیانت خو نمی گیرد.
- امام صادق علیه السلام مؤمن بی بخت و روزی نیست .
- شش چیز در مؤمن نباشد: تنگدستی، تیره روزی (یا بی خیری)، حسادت، لجبازی، دروغ و تجاوزگری و زورگویی .

مقتضیات ایمان .

قرآن .

- ((ای کسانی که ایمان آورده اید! از خدا چنان که شاید برسید و جز مسلمان نمیرید)).
- ((ای کسانی که ایمان آورده اید! شکبها باشید و دیگران را به شکبیایی فرا خوانید و در جنگها پایداری کنید)).
- ((ای کسانی که ایمان آورده اید! همیشه عدالت را به پا دارید و برای خدا شهادت دهید)).
- ((ای کسانی که ایمان آورده اید! به پیمانها وفا کنید)).

((ای کسانی که ایمان آورده اید! در راه خدا استوار باشید و به عدالت شهادت دهید)).

((ای کسانی که ایمان آورده اید! از خدا و پیامبر او فرمان برید و در حالی که سخنش را می شنوید از او روی بر مگردانید)).

((ای کسانی که ایمان آورده اید! چون خدا و پیامبرش شما را به چیزی فرا خوانند که زندگیتان می بخشد دعوتشان را اجابت کنید)).

((ای کسانی که ایمان آورده اید! اگر از خدا بترسید برایتان جدا ساز (حق از باطل) قرار می دهد)).

((ای کسانی که ایمان آورده اید! اگر به فوجی از دشمن برخوردید پایداری کنید و خدا را بسیار یاد کنید)).

((ای کسانی که ایمان آورده اید! با کافرانی که نزدیک شمایند بجنگید، باید در شما خشونت احساس کنند)).

((ای کسانی که ایمان آورده اید! خدا را فراوان یاد کنید)).

((ای کسانی که ایمان آورده اید! از خدا بترسید و سخن استوار بگویید)).

((ای کسانی که ایمان آورده اید! از خدا پروا کنید و هر کس بنگرد که برای فردایش چه فرستاده است)).

((ای کسانی که ایمان آورده اید! یاوران خدا باشید)).

((ای کسانی که ایمان آورده اید! خود و خانواده خود را از آتش نگه دارید)).

((ای کسانی که ایمان آورده اید! به درگاه خدا توبه کنید توبه ای نصوح و خالصانه)).

((ای کسانی که ایمان آورده اید! مراقب خود باشید، اگر راه یافته باشید، آنکه گمراه شده به شما آسیب نمی رساند)).

علت نامگذاری مؤمن به این نام .

- پیامبر خدا صلی الله علیه و آله آیا به شما بگویم که چرا مؤمن ، مؤمن نامیده شده است ؟

چون جان و مال مردم از (تعرض) او در امان است .

- امام صادق علیه السلام مؤمن ، مؤمن نامیده شده است چون از خدا امان می خواهد و خدا به او امان می دهد.

- مؤمن از آن رو مؤمن نامیده شده است که از عذاب خدا در امان است و روز قیامت خود را در امان خدا در می آورد و خدا امان خواهی او را می پذیرد.

ارجمندی مؤمن .

- امام صادق علیه السلام حرمت مؤمن از کعبه بیشتر است .

- روایت شده که پیامبر خدا صلی الله علیه و آله به کعبه نگاه کرد و فرمود: آفرین به تو خانه ، چقدر نزد خدا ارجمند و محترمی ؟

!به خدا قسم حرمت مؤمن از تو بیشتر است ، زیرا خداوند از تو یک چیز را حرام کرد و از مؤمن سه چیز را: مالش را، خونس را و گمان بد بردن به او را.

- امام باقر علیه السلام خدای عزوجل سه خصلت به مؤمن بخشیده است : عزت در دنیا و دین ، رستگاری در آخرت و ابهت و شکوه در دلهای جهانیان .

- پیامبر خدا صلی الله علیه و آله همان گونه که مرد را زن و فرزندانش می شناسند مؤمن در آسمان شناخته می شود او نزد خدا از فرشته مقرب گرامیتر است .

- خداوند، جل ثناؤه ، می فرماید: به عزت و جلال خودم سوگند آفریده ای نیافریده ام که نزد من محبوبتر باشد از بنده مؤمنم .

- امام صادق علیه السلام خلایق از پی بردن به کنه صفت خداوند عزوجل ناتوانند و همچنان که از رسیدن به گوهر صفت خدا

ناتوانند از دریافت ژرفای صفت پیامبر خدا صلی الله علیه و آله نیز ناتوانند و همچنان که از پی به کنه صفت پیامبر خدا عاجزند از رسیدن به ژرفای صفت امام ناتوانند و همچنان که امام را چنان که باید نمی‌توانند بشناسند از شناخت حقیقت مؤمن چنان که باید ناتوانند.

- خدای عزوجل فرموده: اگر از شرق تا غرب کره زمین آفریده‌ای نداشتی بجز یک مؤمن و یک پیشوای دادگر، هر آینه با عبادت همان دو از عبادت همه آنچه در زمین آفریده‌ام بی‌نیاز بودم و هفت آسمان و زمین با آن دو بر پا می‌شد.

- پیامبر خدا صلی الله علیه و آله مؤمن نزد خدا گرامیتر از فرشتگان مقرب اوست.

مؤمنان همچون یک پیکرند.

- پیامبر خدا صلی الله علیه و آله مؤمنان در دوستی، عطوفت و مهرورزی نسبت به هم چونان یک پیکرند که هرگاه عضوی از آن به درد آید دیگر اعضا را بیخوابی و تب فراگیرد.

- امام صادق علیه السلام به خدا قسم مؤمن هرگز مؤمن نیست، مگر آن که برای برادر خود همچون بدن باشد که هرگاه رگی از او (از درد و بیماری) بجنبد دیگر رگهایش با آن همصدا شوند.

- پیامبر خدا صلی الله علیه و آله مؤمنان خونهایشان برابر است، در برابر دیگران یکدست هستند و اگر کمترین آنها (به دشمن) زنهار و امان دهد دیگران به آن احترام گذارند.

- مؤمنان خیر خواه و دوستدار یکدیگرند هر چند خانه‌ها و بدنهایشان از هم دور باشد و تبهکاران نسبت به یکدیگر دغلكارند و همیاری ندارند، هر چند خانه‌ها و بدنهایشان گرد هم باشد.

مؤمن کیست؟ (۱).

قرآن.

((مؤمنان کسانی هستند که چون نام خدا برده شود دل‌هایشان ترسان شود و چون آیات خدا بر آنان خوانده شود ایمانشان افزون گردد و بر پروردگارشان توکل می‌کنند همان کسان که نماز می‌گزارند و از آنچه روزیشان داده ایم انفاق می‌کنند اینان مؤمنان حقیقی هستند در نزد پروردگارشان درجاتی دارند و مغفرتی و رزقی نیکو)).

- امام علی علیه السلام مؤمن شادیش در چهره‌اش می‌باشد و اندوهش در دلش، سینه‌اش از هر چیز فراختر (پر حوصله و دریادل) است و نفسش از هر چیز زبوتر، بلندپایگی را ناخوش دارد و شهرت را دشمن، اندوهش دراز است و همتش بلند، بسیارخموش است و اوقاتش به بیکاری نمی‌گذرد، شکور است و شکیباء غرق در اندیشه خویش است و در پابندی به دوستی خود (بادیگران) حریص است نرمخو و مهربان است، اراده‌اش سخت‌تر از سنگ خاراست و با این حال از یک بنده خوارتر و افتاده‌تر است.

- مؤمن در هنگام گرفتاریهای تکان‌دهنده استوار است، در ناخوشیها پابرجا، در هنگام بلا شکیباء، در موقع برخورداری از رفاه و آسایش سپاسگزار، به آنچه خدا روزیش کرده قانع و خرسند است، به دشمنان ستم روا نمی‌دارد و با دوستان غرض‌ورز نیست (یا به خاطر آنها به دیگران ستم نمی‌کند یا مرتکب گناه نمی‌شود)، مردم از او در آسایشند و نفسش از او در رنج.

- امام باقر علیه السلام مؤمن کسی است که چون خشنود و سرخوش شود خشنودیش او را به گناه و باطل نکشاند و هرگاه به خشم آید خشمش او را از حق‌گویی دور نسازد، مؤمن کسی است که اگر قدرت یابد قدرتش او را به تجاوز و دست‌اندازی به آنچه حق اونیست نکشاند.

- امام صادق علیه السلام مؤمن یآوری خوب و کم خرج و زحمت است ، زندگیش را خوب اداره می کند، از یک سوراخ دوبار گزیده نمی شود.
- پیامبر خدا صلی الله علیه و آله مؤمن در هر حال در خیر و خوبی به سر می برد، حتی در آن حال که جاننش از سینه اش کنده می شود خدا را ستایش و سپاس می گوید.
- مؤمن مورد ناسپاسی قرار می گیرد (با همه خوبیهای که به مردم می کند کسی از او تقدیر و تشکر به عمل نمی آورد).
- مؤمن برادر مؤمن است در هیچ حال از نصیحت و خیر خواهی برای او فروگذار نیست .
- مؤمن نسبت به چیزی که در دنیا به سرش آمده سرزنش نمی شود بلکه کافر مورد توبیخ و سرزنش قرار می گیرند.
- مؤمن رام و ملایم است ، چندان که خیال می کنی احمق است .
- امام علی علیه السلام مؤمن ساده دل (بی شیله پله) و بزرگوار است ، امین نفس خویش و همواره ترسان و اندوهگین است .
- مؤمن امانتدار نفس خویش است با هوی و هوس خود می جنگد.
- مؤمن چون اندرز داده شود (از گناه) باز ایستد و چون بر حذر داده شود حذر کند و چون پند داده شود پند پذیرد و چون به او یادآوری شود متذکر گردد و هرگاه به او ستم شود ببخشد.
- مؤمن شیوه و عادتش زهد اوست و هم و غمش دینش و عزتش قناعتش و تلاشش برای آخرتش ، خوبیهایش بسیار است و درجاتش بلند و در آستانه رهایی و رستگاری است .
- امام سجاد علیه السلام مؤمن سکوت می کند تا سالم ماند و سخن می گوید تا سود برد.
- امام صادق علیه السلام مؤمن در دین قدرتمند است ، در نرمی دوراندیش ، ایمانش با یقین همراه است ، در فهمیدن (دین) آزمند و در پیمودن راه راست با نشاط و با وجود کار و گرفتاری نمازش را ترک نمی گوید.
- مؤمن بردباری است که جهالت نمی ورزد و اگر نسبت به او کار جاهلانه ای صورت گیرد بردباری می کند، او ستم نمی کند و اگر به وی ستم شود می بخشد، بخل نمی ورزد و اگر به او بخل ورزند صبر می کند.
- مؤمن کسی است که در آمدش حلال و پاک باشد و اخلاقش نیکو و باطنش سالم و درست ، زیادی مالش را انفاق کند و از زیاده گویی بپرهیزد.
- مؤمن در دین خود نیرومند است .
- امام سجاد علیه السلام مؤمن دانش و بردباری را با هم آمیخته است ، می نشیند تا دانش بیاموزد، سکوت می کند تا سالم ماند، سخن می گوید (برای سؤال) تا بفهمد و امانت (راز) خود را برای دوستانش بازگو نمی کند.
- پیامبر خدا صلی الله علیه و آله مؤمن غیرتمند است و خدا غیرتمندتر.
- مؤمن خوشدل و بزرگوار است و بدکار حيله گر و فرومایه .
- امام علی علیه السلام مؤمن همیشه به یاد خداست ، زیاد می اندیشد، بر نعمتها سپاسگزار و در بلا شکیباست .
- مؤمن کسی است که دل خود را از چیز پست پاک کرده باشد.
- مؤمن بیدار است و چشم به راه یکی از دو فرجام نیک .
- مؤمن در هنگام توانگری پاکدامن است و از دنیا وارسته .
- مؤمن در هنگام خوشی و آسایش سپاسگزار است و در هنگام گرفتاری و بلا شکیا و در زمان ناز و نعمت ترسان .
- هرگاه از مؤمن چیزی خواسته شود زیاد کمک می کند و چون خود چیزی از کسی بخواهد سبک می گیرد.
- پیامبر خدا صلی الله علیه و آله (وجود) مؤمن سود است اگر با او راه بردی به تو سود می رساند، اگر با وی مشورت کنی به

توبه‌ره می‌رساند، اگر با او مشارکت کنی به تو فایده می‌رساند همه چیز او سود است .

- مؤمن کسی است که مردم او را بر جان و مال خود امین کرده باشند.

به این مضمون احادیث دیگری نیز وجود دارد.

- مؤمن کسی است که نفسش از او در رنج است و مردم در آسایش .

- مؤمن با اشتهای خانواده خود غذا می‌خورد و منافق خانواده اش با اشتهای او غذا می‌خورند.

- مؤمن ابتدا به سلام می‌کند و منافق می‌گوید باید به من سلام کنند.

- مؤمن در دنیا همچون بیگانه و غریب است ، به عزت آن خو نمی‌گیرد و از خواری آن نمی‌نالد.

- قرآن دست و پای مؤمن را در برآوردن بسیاری از خواهشهای نفسانیش بسته است .

- مؤمن یک شکم غذا می‌خورد و کافر هفت شکم .

- مؤمن آینه مؤمن است .

- مؤمن آینه برادر مؤمن خویش است : در غیابش خیرخواه اوست و در حضورش ناراحتیهایش را برطرف می‌سازد و در مجلس برای او جا باز می‌کند.

- مؤمن برای مؤمن مانند ساختمان است که اجزای مختلف آن یکدیگر را محکم می‌سازند.

- امام علی علیه السلام مؤمن کسی است که دین خود را با دنیای خود حفظ کند و تبهکار کسی است که دنیای خود را با دینش نگه دارد.

- پیامبر خدا صلی الله علیه و آله مؤمن انس می‌گیرد و با او انس می‌گیرند و کسی که انس نگیرد و انس پذیر نباشد از خیر و برکت بی بهره است بهترین مردمان کسی است که برای مردم سودمندتر باشد.

- امام صادق علیه السلام مؤمن مغلوب فرج و رسوای شکم خود نمی‌شود.

- امام علی علیه السلام مؤمن به دشمن خود ستم نمی‌کند و به خاطر دوست خود مرتکب گناه نمی‌شود، اگر به او ستم شود شکیبایی می‌ورزد تا خداوند عزوجل انتقامش را از او بکشد.

- پیامبر خدا صلی الله علیه و آله مؤمن انس می‌گیرد و مردم با او انس و الفت پیدا می‌کنند.

- مؤمن زیرک و باهوش و هشیار است .

- مؤمن کم خرج و زحمت است .

- مؤمن کسی است که مردم او را بر جان و مال خود امین کرده باشند.

- از اندرزه‌های خدای تعالی به موسی علیه السلام مؤمن کسی است که آخرت برای او آراسته و زیبا باشد، از این رو نگاهش بی آن که سست و خسته شود به آخرت دوخته شده است عشق به آخرت میان او و لذت زندگی جدایی افکنده و او را تا سحرگاهان بیدار داشته است ، همچون سواری که به سوی هدف خود می‌راند شب و روز افسرده و اندوهناک است .

مؤمن کیست ؟ (۲).

- امام علی علیه السلام مؤمن رفیق مؤمن است و دانش وزیر او و شکیبایی فرمانده سپاه او و کار و عمل سرپرست او.

- پیامبر خدا صلی الله علیه و آله مؤمن در انجام کارهایی که در توانش هست کوشاست و بر انجام آنچه از توانش بیرون است دریغ می‌خورد.

- هر که از کار نیک خود شادمان باشد و از کار بد خویش ناراحت ، او مؤمن است .

- امام باقر علیه السلام خداوند سه خصلت به مؤمن عطا فرموده است: عزت در دنیا و در دینش، رستگاری در آخرت و شکوه و ابهت در دلهای مردمان.

- پیامبر خدا صلی الله علیه و آله --- در وصف مؤمن ---: حرکات و رفتارهایش ملایم و مهربان است و دیدارش شیرین از هر چیز عالیترین آن را می جوید و از خویها پر ارج ترین را به کسی که دشمنی دارد ستم نمی کند و به خاطر کسی که دوستش دارد مرتکب گناه نمی شود، کم خرج است و بسیار کمک و یاری می رساند کارش را به خوبی انجام می دهد به طوری که گویی آن را می بیند، چشمانش فروهشته است، دست بخشنده دارد و دست رد به سینه سائل نمی زند سخنش را می سنجد و زبان در کام می کشد باطل را از دوستش نیز نمی پذیرد و حق را حتی از دشمنش انکار نمی کند، دانش نمی آموزد مگر برای دانستن و دانایی فرا نمی گیرد مگر برای عمل کردن اگر با دنیا خواهان رفتار کند زیرکترین آنهاست و هرگاه با آخرت جویان سلوک کند پارساترین آنهاست.

- امام رضا علیه السلام مؤمن تا سه خصلت در او نباشد، مؤمن نیست: روشی از پروردگارش، روشی از پیامبرش صلی الله علیه و آله و روشی از ولی خدا علیه السلام اما روش پروردگار، نهفتن راز، و روش پیامبر خدا صلی الله علیه و آله، ملایمت با مردم، و روش ولی خدا، شکیبایی در تنگنا و سختی.

- امام حسین علیه السلام براستی مؤمن خدا را نگهدار خود (از گزندها و گناهان) گرفته است و گفتار او را آینه خود پس یک بار (در آن آینه) به اوصاف مؤمنان می نگرد و بار دیگر به اوصاف گردنکشان و در آن نکته ها می بیند و خود را شناسایی می کند و دربار هوش و ذکاوت خود یقین می کند و به پاکی خود اطمینان می یابد.

- امام علی علیه السلام بندگان خدا! بدانید که مؤمن شب و روز را سپری نمی کند مگر آن که به نفس خود بدگمان و بی اعتماد است، از این رو پیوسته سرزنشش می کند و از او کارهای خوب بیشتر می طلبد.

صلابت مؤمن.

- امام باقر علیه السلام مؤمن از کوه سخت تراست از کوه کم می شود اما از دین مؤمن چیزی کاسته نمی گردد.

- امام صادق علیه السلام مؤمن از پاره آهن محکمتر است، پاره آهن هرگاه در آتش نهاده شود تغییر می کند اما اگر مؤمن بارها کشته شود در دلش تغییری پدید نمی آید.

- امام کاظم علیه السلام مؤمن از کوه سخت تر است، زیرا کوه با ضربات تیشه شکاف بر می دارد اما دین مؤمن با هیچ چیز شکاف نمی خورد.

کرنش همه چیز برای مؤمن.

- امام صادق علیه السلام همه اشیا برای مؤمن کرنش می کنند و همه اشیا به او احترام می گذارند آن گاه فرمود: اگر برای خدا اخلاص ورزد، خداوند همه چیز را از او هراسان سازد حتی حشرات و خزندگان و درندگان زمین و پرندگان آسمان و ماهیان دریا را.

- مؤمن کسی است که هر چیزی از او بیمناک باشد زیرا او در دین خدا قدرتمند و عزیز است، از هیچ چیز نمی ترسد و این نشانه هر مؤمنی است.

- همه چیز، حتی حشرات و خزندگان و درندگان زمین و پرندگان آسمان، در برابر مؤمن تسلیمند.

مؤمنان اندکند.

قرآن .

((برای وی هر چه می خواست از معبدها و تندیسها و کاسه هایی چون حوض و دیگهای محکم برجای , می ساختند ای خاندان داود! سپاسگزاری کنید و اندکی از بندگان من سپاسگزارند)).

((داود گفت : مسلما او با درخواست یک میش تو برای افزودن آن به میشهایش , بر تو ستم نموده و بسیاری از شریکان جز کسانی که ایمان آورده اند و کارهای شایسته کرده اند و اینان نیز اندک هستند, بر یکدیگرستم می کنند و داود دانست که او را آزمودیم پس از پروردگارش آمرزش خواست و به سجده درافتاد و توبه کرد)).

--

--

((چون فرمان ما رسید و تنور جوشید, گفتیم : از هر نر و ماده دو تا و نیز خاندان خود را در کشتی بنشان , مگر آن کس را که حکم خدا از پیش درباره اش صادر شد و نیز آنهایی را که به تو ایمان آورده اند و جز اندکی به او ایمان نیاورده بودند)).

((اگر از آنان بررسی : چه کسی از آسمان باران فرستاد و زمین مرده را بدان زنده ساخت ؟

مسلمان خواهند گفت : خدا بگو: سپاس خدای راست ولی بیشترینشان در نمی یابند)).

در این باره بیش از شصت آیه وجود دارد مراجعه کنید به المعجم المفهرس .

- امام صادق علیه السلام زن مؤمن از مرد مؤمن کمیابتر است و مرد مؤمن از کبریت احمر کدام یک از شما کبریت احمر را دیده است ؟

!

- امام کاظم علیه السلام نه هر که دم از ولایت ما بزند مؤمن است بلکه آنان همدم مؤمنان قرار داده شده اند.

- امام علی علیه السلام ای مردم ! در راه راست , به دلیل شمار اندک رهروان آن , احساس تنهایی و ترس نکنید, زیرا مردم بر سفره ای گرد آمده اند که سیری آن کوتاه و گرسنگی اش طولانی است .

- خداوند زمین خود را از وجود کسی که به نیازهای مردم آگاه است و از کسی که در راه نجات و رستگاری دانش فرا می گیرد خالی نگذاشته است و البته شمار اینان بسیار اندک است خداوند این را در میان امتهای پیامبران (گذشته) روشن ساخته و آنها را نمونه ای برای آیندگان قرار داده است مثلا درباره قوم نوح می فرماید: ((و جز اندکی با او ایمان نیاوردند)).

نشانه های مؤمن .

- امام سجاد علیه السلام نشانه های مؤمن پنج تاست : پاکدامنی در خلوت و تنهایی , صدقه دادن در تنگدستی , شکیبایی در برابر مصیبت , بردباری در هنگام خشم و راستگویی با وجود بیم و ترس .

- امام علی علیه السلام نشانه ایمان این است که اگر جایی راست گفتن بزیان تو و دروغ گفتن به سود بود راستگویی را بر دروغ گویی ترجیح دهی , بیش از مقداری که می دانی سخنی نگویی و در سخن گفتن از دیگران پروای خدا داشته باشی .

- امام صادق علیه السلام سه چیز از نشانه های مؤمن است : شناخت خدا و شناخت دوستان و دشمنان خدا.

- در پاسخ به این پرسش که : مؤمن بودن مؤمن به چه چیز شناخته می شود؟

- : به تسلیم در برابر خدا و خشنود بودن به هر آنچه از غم و شادی که به او می رسد.

در این باره قبلاً احادیثی نقل کردیم و در بابهای آینده نیز نقل خواهیم کرد.

صفات مؤمنان .

- امام علی علیه السلام مؤمنان به خیرشان امید می رود و شرشان به کسی نمی رسد.
- مؤمنان به خود بد گمانند، از فراوانی لغزشهای خود بیمناکند، از دنیا متنفرند، شیفته آخرتند و در انجام فرامین الهی شتابان .
- پیامبر خدا صلی الله علیه و آله مؤمنان آسانگیر و نرمخوبند.

بهترین مؤمنان .

- امام علی علیه السلام بهترین مؤمنان آن کس است که از جان و خانواده و دارایی خود (در راه خدا) بیشتر مایه بگذارد.
- از مؤمنان آن کس ایمانش برتر است که داد و ستد و خشم و خشنودیش برای خدا باشد.
- پیامبر خدا صلی الله علیه و آله بهترین مؤمنان خوش خوترین آنهاست .
- ایمان آن مؤمن برتر است که هرگاه چیزی از او خواسته شد بدهد و اگر کسی چیزی به او نداد بی نیازی جوید.
- بهترین مؤمن کسی است که در خرید و فروش و پرداختن (قرض) و پس گرفتن (آن) جوانمرد باشد.
- بهترین مؤمن آن است که دلی پاک و زبانی راستگو دارد.
- فضیلت کسی که نادیده به پیامبر ایمان آورد.
- پیامبر خدا صلی الله علیه و آله ایمان کسی که مرا دیده شگفت آور نیست بلکه شگفتی فراوان از مردمی است که اوراقی نوشته شده دیدند و به آن ، از ابتدا تا انتهایش ، ایمان آوردند.
- کی برادران خود را دیدار می کنم ؟
- عرض کردند: مگر ما برادران شما نیستیم ؟
- فرمود: شما اصحاب منید، برادران من کسانی هستند که نادیده به من ایمان آوردند من مشتاق آنانم .
- ایمان کدامین آفریدگان برای شما شگفت آورتر است ؟
- عرض کردند: فرشتگان ، فرمود: آنها که نزد پروردگارشان هستند چنان باید ایمان بیاورند ؟
- ! (ایمان آنها تعجبی ندارد)، عرض کردند: پس ، پیامبران ، فرمود: آنان چرا نباید ایمان بیاورند در حالی که وحی برایشان نازل می شود ؟
- عرض کردند: پس ، ما، فرمود: شما چرا نباید ایمان بیاورید در صورتی که من در میان شما هستم ؟
- ! بدانید شگفت آورترین ایمان نزد من ایمان آن مردمی است که بعد از شما می آیند و در میان نوشته ها کتابی را می بینند (قرآن) و به آن ایمان می آورند.

امانتداری .

امانتداری .

قرآن .

((و آنان که پای بند امانتها و پیمان خود هستند)).

- امام علی علیه السلام برترین ایمان امانتداری است و زشت ترین اخلاق خیانت ورزی است .
- امام باقر علیه السلام سه چیز است که خداوند عزوجل دست هیچ کس را در آنها باز نگذاشته است : برگرداندن امانت به نیکوکار و بدکار، وفا کردن به عهد و پیمان با نیکوکار و بدکار و نیکی کردن به پدر و مادر ، خوب باشند یا بد.
- پیامبر خدا صلی الله علیه و آله به نماز و روزه و حج و بخشش و ناله های شبانه زیاد آنها نگاه نکنید، بلکه به راستگویی و امانتداری آنها بنگرید.
- امام صادق علیه السلام امانتداری توانگری است .
- بین علی علیه السلام به سبب چه چیز آن منزلت را نزد پیامبر خدا صلی الله علیه و آله پیدا کرد همان را پیروی کن همانا علی علیه السلام با راستگویی و امانتداری آن مقام را نزد پیامبر خدا صلی الله علیه و آله یافت .
- برگرداندن امانت در هر حال واجب است .
- امام صادق علیه السلام اگر ضارب و قاتل علی مرا امین بشمارد و از من خیرخواهی و با من مشورت کند و من امانتش را بپذیرم ، آن را به او باز خواهم گرداند.
- از خدا بترسید و امانت را به کسی که شما را امین دانسته است ، باز گردانید، زیرا حتی اگر قاتل امیرالمؤمنین علیه السلام امانتی را به من بسپرد هر آینه آن را به او برمی گردانم .
- امام علی علیه السلام امانت را (به صاحبان آنها) برگردانید، هر چند قاتل فرزندان پیامبران باشند.
- امام صادق علیه السلام امانت را به صاحبش برگردانید ، اگر چه قاتل حسین بن علی باشد.
- امام علی علیه السلام به کسی که تو را امین قرار داده است خیانت مکن هر چند او به تو خیانت کرده باشد و راز او را فاش مساز اگر چه او راز تو را فاش ساخته باشد.
- سوگند می خورم که پیامبر خدا ساعتی پیش از وفات خود سه بار به من فرمود: اباالحسن ! امانت را، کم باشد یا زیاد، به نیکوکار و بدکار برگردان اگر چه آن امانت نخی باشد یا سوزنی .
- امام صادق علیه السلام خداوند عزوجل هیچ پیامبری بر نینگیخت مگر با راستگویی و برگرداندن امانت به نیکوکار و بدکار.
- پیامبر خدا صلی الله علیه و آله --- آن گاه که این آیه را خواند: ((و بعضی از اهل کتابند که اگر او را امین شمری)) --- :
- دشمنان خدا دروغ گفته اند هر چه در جاهلیت بوده زیر پا می گذارم مگر امانتداری را، که باید امانت را به نیکوکار و بدکار برگرداند.
- امام صادق علیه السلام از خدا بترسید و امانتها را به سیاهپوست و سفید پوست برگردانید اگر چه (صاحبش) حروری (از خوارج) باشد یا شامی (از یاران معاویه).

کسی که امانتدار نباشد ایمان ندارد.

- پیامبر خدا صلی الله علیه و آله کسی که امانتدار نباشد ایمان ندارد.
- کسی که در دنیا به امانتی خیانت کند و آن را به صاحبش برنگرداند و آن گاه بمیرد بر دین من نمرده است و با خدا دیدار می کند در حالی که بر او خشمگین است .
- از ما نیست آن که امانت را بی اهمیت بشمارد و بدین سبب امانتی را که به او سپرده شده ضایع گرداند.
- امام علی علیه السلام کسی که امانتدار نیست ایمان ندارد.

دستاوردهای امانتداری .

- امام علی علیه السلام امانتداری به صداقت می انجامد.
- هرگاه امانتداری تقویت شود صداقت زیاد گردد.
- امانتداری و وفاداری راستکرداریند.
- امانتداری روزی می آورد و خیانت در امانت فقر.
- پیامبر خدا صلی الله علیه و آله امانتداری توانگری می آورد و خیانت در امانت ناداری .
- لقمان علیه السلام فرزندم ! امانت را (به صاحبش) برگردان تا دنیا و آخرت سالم بماند و امانتدار باش تا توانگر باشی .

کسانی که نباید به آنها امانت سپرد.

- پیامبر خدا صلی الله علیه و آله کسی که به فردی غیرامین امانت بسپارد، خداوند ضامن او نیست ، زیرا او را از امانت سپاری به غیر امین بازداشته است .
- امام علی علیه السلام شخص به ستوه آمده و رنجیده را امین مشمار.
- امام صادق علیه السلام نباید به کسی که امانت بدو سپرده ای بدگمان باشی و به خائنی که او را آزموده ای ، امانت مسپار.
- امام باقر علیه السلام انسان امین به تو خیانت نکرده بلکه تو به خائن امانت سپرده ای .
- اگر کسی از بنده ای از بندگان خدا دروغی بشنود و خیانتی ببیند و با این حال او را بر امانت خدا امین قرار دهد سزاوار است که خدای عزوجل او را درباره این امانت (که به خائن سپرده) گرفتار سازد و عوض و پاداشی هم (در برابر آن امانت از دست رفته) به وی ندهد.
- پیامبر خدا صلی الله علیه و آله هر کس بداند کسی شرابخوار است و با این حال به او امانتی بسپرد خداوند ضامن او نیست و مزد و عوضی به او نخواهد داد.
- امام باقر علیه السلام کسی که غیر امین را امین و معتمد شمارد، حجتی بر خدا ندارد.
- امام صادق علیه السلام برای من فرقی نمی کند که به خائن امانت بسپارم ، یا به کسی که از امانت مراقبت و نگهداری نمی کند.

امانت الهی .

قرآن .

- ((ما این امانت را بر آسمانها و زمین و کوهها عرضه داشتیم ، از به دوش کشیدن آن سرباز زدند و از آن ترسیدند و انسان آن امانت را به دوش گرفت ، او همیشه ستمکار و نادان بوده است)).
- امام علی علیه السلام دیگر، گزاردن امانت است و آن که امانتگزار نیست زیانکار است ، امانت به آسمانهای افراشته و زمینهای گسترده و کوههای بلند بر پا داشته عرضه شد چیزی بلندتر، گسترده تر، فرازتر و بزرگتر از این سه چیز نیست اگر چیزی به خاطر بلندی یا گستردگی یا نیرومندی و یا صلابت امانت را نمی پذیرفت هر آینه این سه بودند لیکن از عقوبت ترسیدند و چیزی رادانستند که ناتوانتر از آنها ندانست و او انسان است ((و انسان همیشه ستمکار و نادان بوده است)).
- زندیقی از امیرالمؤمنین علیه السلام پرسید: می بینم که خدا می فرماید: ((ما عرضه کردیم امانت را)) این امانت چیست و این انسان کیست ؟

خدای عزیز حکیم را این صفت نشاید که حقیقت را از بندگان خویش پوشیده دارد امام فرمود: امانتی که گفتم، امانتی است که نباید و نشاید بود مگر در پیامبران و اوصیای آنان.

- در حدیث آمده است: هرگاه وقت نماز می رسید علی علیه السلام بیتیابی می کرد و می لرزید رنگ به رنگ می شد عرض می شد: شما را چه شده است ای امیرمؤمنان؟

می فرمود: وقت نماز رسیده است و وقت امانتی که خداوند بر آسمانها و زمین عرضه کرد و آنها را پذیرفتن این امانت سرباز زدند و از آن ترسیدند.

- از امام صادق علیه السلام سؤال شد: مردی به کسی سفارش می دهد که: برایم جامه ای خریداری کن آن مرد به بازار می رود و در بازار جامه ای می یابد که مانند آن را خودش دارد و لذا همان جامه خود را به او می دهد (چه حکمی دارد؟)

(فرمود: نباید این کار را بکند و خود را آلوده سازد خداوند عزوجل می فرماید: ((ما امانت را عرضه کردیم)) حتی اگر جامه خودش از جامه ای که در بازار دیده بهتر باشد، نباید مال خودش را به او بدهد.

زنهار دادن.

زنهار دادن.

قرآن ::

((مگر کسانی که به قومی که میان شما و ایشان پیمانی است می پیوندند یا خود نزد شما می آیند در حالی که از اینکه یا با شما باید بجنگند، یا با قوم خود، خسته و دلتنگ شده باشند، و اگر خدا می خواست آنان را بر شما چیره می کرد و با شما به کارزار برمی خاستند، ولی اگر از شما کناره گرفتند و با شما نجنگیدند و از در تسلیم وارد شدند خداوند اجازه جنگ با آنان را نمی دهد)).

- پیامبر خدا صلی الله علیه و آله اگر کسی بر جان خود از تو امان خواست او را نکش.

- هر که پیمان بسته ای را بکشد، بوی بهشت را که از فاصله چهل سال به مشام می رسد، استشمام نخواهد کرد.

- هر که کسی را بر جانش امان دهد و سپس او را بکشد، من از آن قاتل بیزارم اگر چه مقتول کافر باشد.

- هر کس مردی را بر جانش امان دهد و سپس او را بکشد در روز رستاخیز پرچمدار خیانت و پیمان شکنی است.

پیمانداری.

- امام علی علیه السلام میخهای عهد و پیمانها را محکم کنید.

- در عهد نامه اش به اشتر ---: اگر با دشمن خود پیمانی بستی یا به او جامه زنهار و امان پوشاندی به پیمان خویش وفا کن و با

امانت پیمان را رعایت نما و خود را سپر زنهار که داده ای گردان، زیرا مردم، با همه خواسته های گوناگون و آرای پراکنده ای که دارند، نسبت به هیچ فریضه ای از فرایض الهی همچون بزرگ شمردن وفای به پیمانها چنان سخت همداستان نیستند.

احترام گذاشتن به پیمانها و زنهارها.

- پیامبر خدا صلی الله علیه و آله کمترین فرد امت من از طرف آنها می تواند زنهار دهد.

- مسلمانان برادرند، خونهایشان یکسان است، کمترین آنها زنهار می دهد و در برابر بیگانگان یکدست و متحدند.

- امام صادق علیه السلام --- در پاسخ به پرسش از معنای این جمله پیامبر که کمترین آنها زنده می دهد --- : اگر سپاهی از مسلمانان گروهی از مشرکان را محاصره کنند و در همین وضع مردی از محاصره شدگان بیاید و بگوید: به من امان دهید تا پیام و با فرمانده شما گفتگو کنم و پایین ترین فرد سپاه مسلمانان به آنان زنده دهد بالاترین فرد آنان باید به این زنده پایبند باشد.

همدمی .

همدمی .

- امام علی علیه السلام انسان نادان از آنچه دانا بدان خو می گیرد گریزان است .
- جز با حق خو مگیر و جز از باطل گریزان مباش .
- امام رضا علیه السلام همدمی هیبت را از میان می برد.
- همدم شدن زیاد هیبت و شکوه را از بین می برد.
- امام صادق علیه السلام سه چیز مایه انس و همدمی هستند: زن سازگار، فرزند صالح و دوست یکرنگ .

انس با خدا.

- امام علی علیه السلام خدا یا! تو با دوستان خودانیستی ترینی اگر غربت و تنهایی آنان را به وحشت اندازد یاد تو همدم آنان باشد و اگر مصیبتها بر آنان فرو ریزد به زنده خواهی از تو پناه می برند.
- ثمره خو گرفتن با خدا همدم نشدن با مردم است .
- چگونه با خدا انس گیرد آن که از مردم گریزان نیست .
- امام عسکری علیه السلام هر که با خدا همدم شود با مردم خو نگیرد.
- امام علی علیه السلام هر که از مردم کناره گیرد با خدای سبحان خو گیرد.
- امام عسکری علیه السلام نشانه انس گرفتن با خدا کناره گیری از مردم است .
- پیامبر خدا صلی الله علیه و آله هر که از خواری گناه به سربلندی طاعت درآید خداوند عزوجل انیس او شود بی آن که همدمی داشته باشد و او را کمک رساند بی آن که مال و ثروتی داشته باشد.
- امام صادق علیه السلام هیچ مؤمنی نیست مگر آن که خدا ایمان او را همدم و دلارام او قرار دهد، چندان که اگر بر ستیغ کوهی باشد احساس تنهایی نکند.
- افسوس و دریغ بر دلهایی که لبریز از نور است همانا دنیا در نگاه آنان همچون مار پیسه و دشمن زبان نفهم است ، همدم خدا هستند و از آنچه خوشگذرانان بدان خومی گیرند گریزانند.

انسان .

اشاره

کرامت و بزرگواری آدمیان .

قرآن .

((ما فرزندان آدم را کرامت بخشیدیم و بر دریا و خشکی سوارشان کردیم و از چیزهای خوش و پاکیزه روزیشان دادیم و بر

بسیاری از آفریدگانمان برتریشان دادیم)).

- پیامبر خدا صلی الله علیه و آله هیچ چیز نزد خدا گرامیتر از فرزند آدم نیست عرض شد: ای پیامبر خدا! و نه فرشتگان؟
! فرمود: فرشتگان، بسان خورشید و ماه مجبورند.

- هیچ چیزی نیست که از هزار همتای خود بهتر باشد مگر انسان.

- امام صادق علیه السلام شبی که پیامبر صلی الله علیه و آله به معراج برده شد وقت نماز رسید جبرئیل اذان و اقامه گفت و سپس عرض کرد: ای محمد! (برای امامت نماز) پیش برو پیامبر خدا صلی الله علیه و آله فرمود: تو پیش برو، ای جبرئیل! جبرئیل گفت: از آن زمان که به ما دستور داده شد بر آدم علیه السلام سجده کنیم خود را بر آدمیان مقدم نمی داریم.

- امام باقر علیه السلام --- بعد از بیان درگذشت آدم علیه السلام --- : تا آن که نوبت نماز خواندن بر (جنازه) آدم رسید هبه الله گفت: ای جبرئیل! جلو برو و بر آدم نماز بخوان جبرئیل علیه السلام به او (فرزند آدم) گفت: ای هبه الله! خداوند به ما دستور داد که در بهشت بر پدرت سجده آوریم، پس ما را نسزد که بر هیچ یک از فرزندان او امامت کنیم.

شرافت مؤمن.

- پیامبر خدا صلی الله علیه و آله هیچ چیز سراغ نداریم که از هزار همتای خود بهتر باشد مگر مرد مؤمن را.

- امام باقر علیه السلام خداوند هیچ آفریده ای نیافرید که از مؤمن نزد خدا گرامیتر باشد، زیرا فرشتگان خدمتگزار مؤمنان هستند. آنچه انسان را بر فرشتگان برتری می دهد.

- امام صادق علیه السلام --- در پاسخ به این پرسش عبدالله بن سنان که: فرشتگان برترند یا آدمیان؟

-: امیرالمؤمنین علی بن ابی طالب علیه السلام فرموده است: خداوند در فرشتگان فقط عقل نهاده است و نه خواهش نفسانی و در ستوران میل و خواهش نهاده است و عقل نه و در بنی آدم هر دو را نهاده است پس، آن که عقلش بر خواهشش چیره آید از فرشتگان بهتر است و هر که خواهشش بر خردش غالب گردد از ستوران بدتر است.

- امام علی علیه السلام انسان دارای نفس ناطقه (و مدرک معقولات) آفریده شده است، اگر آدمی آن را با علم و عمل تزکیه کند و پیروانند با گوهرهای اولیه علت‌هایش (با ذات عقول مقدسه) همسان گردد و هرگاه ترکیب معتدل شود و از اضداد جدا گردد (خصلتهای اخلاقی در او به اعتدال گراید و از افراط و تفریط سالم مانند) با آن هفت آسمان قوی و محکم (نفوس فلکیه) شریک شود.

فلسفه آفرینش انسان.

قرآن.

((و چون پروردگارت به فرشتگان گفت: من در زمین خلیفه ای می آفرینم، گفتند: آیا کسی را می آفرینی که در زمین فساد کند و خونها بریزد حال آن که ما به ستایش تو تسبیح می گوئیم و تو را تقدیس می کنیم؟

گفت: آنچه من می دانم شما نمی دانید)).

((جن و انس را نیافریدم مگر تا مرا پرستش کنند)).

((اگر پروردگار تو خواسته بود، هر آینه همه مردم را یک امت می کرد، ولی همواره گونه گون خواهند بود مگر آنهایی که پروردگارت بر آنها رحمت آورده و آنها را برای همین بیافریده است)).

- امام علی علیه السلام به خدا پروایی فرمان داری و برای نیکوکاری و فرمانبرداری (از خدا) آفریده شده اید.

- امام صادق علیه السلام --- در پاسخ به این پرسش زندیق که خدا چرا خلاق را آفرید حالی که به آنها نیاز ندارد و از آفریدن آنها ناگزیر نیست و بازیچه کردن ما نیز شایسته او نیست ؟

- : آفریدگان را بیافرید تا حکمت خود را نشان دهد و علم خود را به کار زند و تدبیر خویش را بگذراند.

- امام علی علیه السلام --- در هنگام فرا خواندن مردم به جهاد --- خداوند با دین خود شما را گرامی داشت و برای پرستش خویش شما را بیافرید، پس در ادای حق او بکوشید.

- خدای تعالی می فرماید: فرزند آدم ! تو را نیافریدم تا سودی کنم بلکه آفریدیمت تا تواز من سود بری پس ، به جای هر چیز مرا برگزین ، زیرا من یاور تو به جای هر چیز هستم .

- امام حسین علیه السلام ای مردم ! خدای عزوجل بندگان را نیافرید مگر تا او را بشناسند چون او را شناختند پرستندش و چون او را پرستند از پرستش جز او بی نیاز شوند مردی عرض کرد: فرزند پیامبر خدا! پدر و مادرم فدایت باد! شناخت خدا چیست ؟

فرمود: شناخت این است که مردم هر زمانی امام و پیشوای واجب الطاعة خود را بشناسند.

- امام صادق علیه السلام --- درباره آیه ((جن و انس را نیافریدم مگر تا مرا پرستند)) --- : آنان را برای عبادت آفرید.

- علی بن ابراهیم --- نیز از آن حضرت --- : آنان را برای امر و نهی و تکلیف آفرید آنان را نیافرید تا به زور عبادت کنند بلکه برای آزمایش آفرید تا به وسیله اوامر و نواهی خود ایشان را بیازماید.

- امام صادق علیه السلام در تفسیر آیه ((پیوسته گونه گونند مگر آن کس که خدایت بر او رحمت آورد و برای همین آنان را آفریده است)) --- : آنان را بیافرید تا کاری کنند که مستوجب و سزاوار رحمت خدا شوند و خداوند بر ایشان رحمت آورد.

- امام علی علیه السلام آنچه آفرید نه برای افزودن بر قدرتی (از خود) بود و نه به خاطر بیم از پیشامدهای زمان و نه برای آن که در مصاف با همتایی جنگجو و شریکی که در مال خود بر او برتری می جوید و مخالفی که در تبار خود بر او فخر می فروشد، یاری طلبد، بلکه آنان آفریدگانی هستند پرورده و بندگانی بیمقدار.

- امام صادق علیه السلام خداوند تبارک و تعالی آفریدگان خود را بیهوده نیافرید و آنان را به خود رها نکرد بلکه آفریدشان تا قدرت خویش را نشان دهد و تکلیف طاعت خود را به دوش آنها نهد تا با آن سزاوار خشنودی او شوند آنان را نیافرید تا از آنها سود برد و یا زبانی را به وسیله آنها از خود دور سازد بلکه آفریدشان تا به ایشان سود رساند و به نعمت جاودان برساندشان .

- در تفسیر آیه ((و همواره گونه گونند مگر آن کس که پروردگارت به وی رحم آورد و برای همین آنها را آفریدم)) --- : آنان را آفرید تا کاری کنند که مستوجب رحمت خدا شوند و او بر آنان رحمت آورد.

- مردی از امام صادق علیه السلام پرسید: ما برای شگفتی [دیگران] آفریده شده ایم ؟

فرمود: مگر تو برای خدا چه هستی ؟

عرض کرد: برای نابود شدن آفریده شده ایم ؟

فرمود: خاموش پسر برادر! برای ماندن آفریده شده ایم .

چگونگی آفرینش انسان .

قرآن .

((اوست آن خدایی که شما را از خاک ، سپس از نطفه ، سپس از لخته خونی بیافریده است آن گاه شما را کودک از رحم مادر بیرون آورد، تا به سن جوانی برسید و پیر شوید بعضی از شما پیش از پیری بمیرند و بعضی به آن زمان معین می رسید و شاید به

عقل دریابید)).

ناتوانی انسان .

قرآن .

((انسان ناتوان آفریده شده است)).

- امام علی علیه السلام بینوا آدمی! مرگش پوشیده است و بیماریهایش نهفته و کردارش نگاشته شده پشه ای او را می آزارد و جرعه ای گلوگیر از پای در می آوردش و عرق وی را گندیده می کند.

معیار انسان (۱).

- امام علی علیه السلام آدمی شبیه ترین چیز به ترازوست یا با نادانی سبک می شود و یا با علم و دانش سنگین می گردد.

معیار انسان (۲).

- امام علی علیه السلام (ارزش) انسان به دو عضو کوچک اوست: دل و زبان چون بجنگد با دل جنگد و چون زبان باز کند واضح و رسا بگوید.

- انسان دو فضیلت و برتری دارد: خرد و گفتار با خرد بهره می گیرد و با گفتار بهره می رساند.

- اصل و تبار انسان دل اوست و خرد او دینش و مردانگی اش آن جا که خود را قرار دهد.

- انسان با گفتار خود اندازه گرفته می شود و با کردارش ارزیابی می گردد.

- (ارزش) انسان به هوش اوست نه به شکل و شمایلش, (ارزش) انسان به همت اوست نه به مال و اندوخته اش .

ویژگی انسان کامل .

- امام علی علیه السلام خرد خویش را زنده کرده و نفس خود را میرانده است چندان که (اندام) درشت او نزار شد و خشونتش لطیف نوری بس درخشان برای او تابید و راهش را روشن ساخت و او را در راه راست راند.

- همواره خدا را --- که نعمتهایش گرانهاست --- در برهه ای پس از برهه ای و در زمان میان آمدن دو پیامبر، بندگان است که از در اندیشه شان با آنان راز می گوید و از در خردشان با ایشان در گفتار است آنان اینچنین چراغهایی در آن تاریکیها بوده اند و راهنمایان در آن شبهه ها.

ظروف طلا و نقره .

- ابن بزغ: از ابوالحسن الرضا علیه السلام درباره ظرفهای طلا و نقره پرسیدم, آن حضرت این ظرفها را ناخوش داشت .

- امام صادق علیه السلام در ظرفهای زرین و سیمین غذا نخور.

- امام کاظم علیه السلام ظروف زرین و سیمین کالای کسانی است که (به خدا و معاد) یقین ندارند.

۱ --- البخل: ((بخل)) ۴۴۱ .

۱ --- البدعة: ((بدعت)) ۴۵۱ .

۱ --- البداء: ((بدا)) ۴۵۹ .

- ۱ — الابدال: ((ابدال)) ۴۶۵ .
- ۱ — التبذیر: ((ولخرجی)) ۴۶۹ .
- ۱ — البر: ((نیکوکاری)) ۴۷۳ .
- ۱ — البرزخ: ((برزخ)) ۴۷۹ .
- ۱ — البرکة: ((برکت)) ۴۸۵ .
- ۱ — البرهان: ((برهان)) ۴۹۱ .
- ۱ — البشر: ((خوشرویی)) ۴۹۵ .

بخل .

بخل .

قرآن .

((آنان که بخل می ورزند و مردم را به بخل فرمان می دهند و آنچه را که خداوند از فضل خویش به آنان داده است پوشیده نگه می دارند و ما برای کافران عذابی خوار کننده فراهم آورده ایم)).

((آگاه باشید که شما را دعوت می کنند تا در راه خدا اتفاق کنید بعضی از شما بخل می ورزند و هر کس که بخل ورزد در حق خود بخل ورزیده است زیرا خدا بی نیاز است و شما نیازمندانید و اگر روی برتایید به جای شما مردمی دیگر آرد که هرگز همسان شما نباشند)).

- امام علی علیه السلام بخل در بردارنده بدیهای هر عیبی است و افساری است که (بخیل) به وسیله آن به سوی هر بدی کشانده می شود.

- امام سجاد علیه السلام من از پروردگارم شرم می کنم که برای برادری از برادران خود از خداوند بهشت طلب کنم و آن گاه درهم و دینار را از او دریغ دارم , زیرا روز قیامت به من گفته خواهد شد : اگر بهشت [از تو] بود هر آینه نسبت به آن بخیلتر و بخیلتر و بخیلتر بودی !!!.

- امام هادی علیه السلام بخل نکوهیده ترین خوی است .

- امام علی علیه السلام بخل عیب و ننگ است .

- بخل ردای بینوایی است .

- امام رضا علیه السلام بخل آبرو را بر باد می دهد.

- امام علی علیه السلام بخل ورزیدن به آنچه در دست داری بدگمانی به معبود است .

- هر که در مال خود بخل ورزد خوار شود و هر که در دین خود بخل ورزد سربلند گردد.

- بخل ورزیدن مایه دشنام بسیار می شود.

- روایت شده : از بخل پرهیزید که بخل آفت است و در انسان آزاده و مؤمن یافت نمی شود بخل با ایمان ناسازگار است .

- امام صادق علیه السلام اگر خداوند عزوجل براستی پاداش و عوض می دهد, پس دیگر بخل ورزیدن چرا؟

.

- هر که از بخل برهد به شرافت دست یابد.

بخیل .

- امام علی علیه السلام آدم بخیل خزانه داروارثان خود است .
- بخل همنشین خود را خوار می دارد و کناره گیر از خود را ارجمند.
- بخیل اندکی از مال خود را از خویش دریغ می دارد و همه آن را به وارثانش می بخشد.
- بخیل آبروی خود را بیشتر از آن که حفظ کند، از بین می برد.
- پیامبر خدا صلی الله علیه و آله بخیل از خدا و مردم بدور است و به آتش نزدیک .
- امام علی علیه السلام نگاه کردن به بخیل دل را سخت می کند.
- بخیل هیچ دوستی ندارد.
- در شگفتم از بخیل که فقر و ناداری را که از آن گریزان است به سوی خود می شتاباند و توانگری و ثروتی را که در پی آن است از دست می دهد او در دنیا مانند تهیدستان به سر می برد و در آخرت همچون توانگران از او حسابرسی می شود.
- امام صادق علیه السلام در شگفتم از کسی که دنیا به او روی آورده است و او بخل می ورزد، یا دنیا از او رویگردان است و نسبت به آن بخل می ورزد، زیرا با وجود رویکرد دنیاانفاق به او (آدم بخیل) زبانی نمی رساند و در صورت پشت کردن دنیا به او بخل و امساک به او سودی نمی رساند.
- بخیلان بیش از همه باید برای مردم آرزوی توانگری کنند، زیرا وقتی مردم بی نیاز شدند از اموال و داراییهای بخیلان چشم برمی دارند.
- در بخل بخیل همین بس که به خدای خود بدگمان است کسی که به عوض یقین داشته باشد، بذل و بخشش می کند.
- بخیل نباید به صله رحم چشم بدوزد.
- پیامبر خدا صلی الله علیه و آله بیگانه ترین شما از من آدم بخیل بد زبان زشت کردار است .
- امام علی علیه السلام نیاز تو به آدم بخیل خنکتر از زمهریر (سرما بسیار سخت) است .
- پیامبر خدا صلی الله علیه و آله در روز رستاخیز آتش با سه نفر سخن می گوید و به ثروتمند می گوید: ای کسی که خداوند دنیایی فراوان و فراخ و سرشار به تو داد و فقیر اندکی قرض از تو خواست و تو ندادی و بخل ورزیدی پس (آتش) او را فرومی بلعد.

ویژگیهای بخیل .

- امام صادق علیه السلام بخیل کسی است که مالی را به ناروا به دست آورد و آن را بیجا خرج کند.
- پیامبر خدا صلی الله علیه و آله بخیل واقعی کسی است که از پرداخت زکات واجب مال خود سرباز می زند و از بخشش به قوم و خویشان خود دریغ می ورزد و در جز این موارد تذبذیر می کند.
- امام کاظم علیه السلام بخیل کسی است که در پرداخت آنچه خدا بر او واجب کرده است بخل ورزد.
- پیامبر خدا صلی الله علیه و آله مردان چهار گروهند: بخشنه، بزرگوار، بخیل و فرومایه بخشنده کسی است که می خورد و می خوراند، بزرگوار کسی است که خود نمی خورد و می خوراند، بخیل کسی است که می خورد و به کسی چیزی نمی دهد و فرومایه کسی است نه می خورد و نه به کسی می دهد.
- بخیل واقعی کسی است که نام من نزد او برده شود و بر من درود نفرستد.

- امام صادق علیه السلام بخیل کسی است که از سلام کردن بخل ورزد.

بخیل کمتر آسایش دارد.

- پیامبر خدا صلی الله علیه و آله آدم بخیل کمتر از همه مردم آسایش دارد.

- امام صادق علیه السلام بخیل آسایش ندارد.

- امام رضا علیه السلام --- از پدران بزرگوارش --- : امیرالمؤمنین علیه السلام این شعر را می خواند:
مردمان با قدرت آفریده شدند.

برخی از آنان بخشنده اند و برخی دیگر بخیل .

آن که بخشنده است در آسودگی است .

اما بخیل در نحوستی دیر پای است .

بخیلترین مردم .

- پیامبر خدا صلی الله علیه و آله بخیلترین مردم کسی است که در پرداخت آنچه خدا بر او واجب گردانیده است بخل ورزد.

- امام علی علیه السلام بخیلترین مردم کسی است که مال خویش را از خود دریغ دارد و برای وارثانش بگذارد.

- دریغ کردن از پرداخت اموالی که خدا واجب کرده است زشت ترین نوع بخل است .

- امام صادق علیه السلام امیرالمؤمنین پنج بار شتر ((۱۹)) خرما برای مردی فرستاد مردی به امیرالمؤمنین عرض کرد: به خدا قسم فلانی از تو (این مقدار) نخواست است ، یک بار از پنج بار برای او کافی است امیرالمؤمنین فرمود: خدا امثال تو را در میان مؤمنان زیاد نکند! من می بخشم و تو بخل می ورزی !.

- امام علی علیه السلام چشم پوشیدن از آنچه در دست مردم است بالاتر از بخشنده گی است .

- پیامبر خدا صلی الله علیه و آله بخیلترین مردم کسی است که در سلام کردن بخل ورزد.

نشانه بخل .

- امام علی علیه السلام بهانه تراشی نشانه بخل است .

- انسان بخیل عذر و بهانه می آورد.

بدعت .

(جدید)

بدعتگذاری .

- امام علی علیه السلام هیچ بدعتی نهاده نشد مگر آن که بدان سبب سنتی ترک شد از بدعتها بپرهیزد و راه روشن را در پیش گیرد، بهترین کارها آن است که پیشینه داشته باشد و بدترین آنها آن است که نو پدید و بی سابقه باشد.

- پیامبر خدا صلی الله علیه و آله بدترین کارها آن است که نوپدید و بی سابقه باشد بدانید هر بدعتی گمراهی است بدانید که هر گمراهی فرجامش آتش است .

- پیروی کنید و بدعت مگذارید که آنچه شما را کفایت کند گفته شده است .

- امام علی علیه السلام چیزی مانند بدعتها دین را ویران و تباه نکرده است .

- پیامبر خدا صلی الله علیه و آله مبدا سنتی را بدعتگذاری , زیرا اگر بنده سنت بدی را به وجود آورد گناه آن و گناه کسی که به آن عمل کند به گردن اوست .

- امام صادق علیه السلام از رسول خدا صلی الله علیه و آله درباره کسی که (در دین) نوآوری کند یا نوآوری را پناه دهد سؤال شد, فرمود: او کسی است که در اسلام بدعتی بگذارد یا بدون حد کسی را مثله کند یا دست به چپاول و غارتی بزند که نگاههای مسلمانان به سوی آن کشانده شود (برای مسلمانان تازگی داشته باشد) یا از بدعتگذار دفاع کند یا او را یاری رساند یا کمکش کند.

بدعتگذاران .

- پیامبر خدا صلی الله علیه و آله بدعتگذاران بدترین مردم و موجودات هستند.

- در تفسیر آیه ((آنان که دین خود را فرقه فرقه کردند و گروه گروه شدند)) --- : اینان همان بدعتگذاران و هوا پرستانند توبه آنان پذیرفته نیست من از آنان بیزارم و آنان از من بیزارند.

- بدعتگذاران سگهای اهل دوزخ هستند.

معنای بدعت .

- امام علی علیه السلام بدعتگذاران کسانی هستند که با فرمان خدا و کتاب او و پیامبرش مخالفت می ورزند و بر اساس رای و هواهای نفسانی خود عمل می کنند, هر چند شمارشان بسیار باشد.

- امام صادق علیه السلام هر که مردم را به خود فرا خواند, حال آن که در میان آنان دانای و عالمتر از او هست , بدعتگذاری گمراه است .

روگرداندن از بدعتگذار .

- پیامبر خدا صلی الله علیه و آله هرگاه بدعتگذاری را دیدید به او رو ترش کنید.

- هر که به روی بدعتگذار لبخند بزند به نابود کردن دین خود کمک کرده است .

- هر کس بدعتگذاری را به وحشت افکند خداوند قلب او را از آرامش و ایمان بیاکند.

- هر که از روی نفرت و دشمنی از بدعتگذار روی گرداند خداوند دل او را از آرامش و ایمان لبریز سازد.

- هر که از سر بغض و دشمنی با بدعتگذار از او روی گرداند خداوند دل او را آکنده از یقین و خشنودی کند.

- هر کس نزد بدعتگذاری برود و او را احترام کند در نابودی اسلام کوشیده است .

- هرگاه شکاکان و بدعتگذاران پس از من را دیدید از آنان بیزاری نشان دهید و تا می توانید به ایشان بد و ناسزا بگویید و بر آنان

بتازید تا در تباه کردن اسلام چشم طمع ندوزند, مردم را از آنان بر حذر دارید و از بدعتهای آنان چیزی نیاموزید, بدین سان خداوند برای شما ثوابها می نویسد و درجات شما را در آخرت رفعت می بخشد.

بدعتگذار و عبادت .

- پیامبر خدا صلی الله علیه و آله هر کس به بدعتی عمل کند شیطان او را با عبادت تنها گذارد و خشوع و گریه بر او افکند.
- هر گاه گناهان بنده به اوج خود رسد اختیار دار چشمان خود گردد و تا بخواهد از آنها اشک فرو ریزد.
- امام علی علیه السلام سوگند به خدا که شنیدم پیامبر خدا صلی الله علیه و آله می فرماید: هر گاه شیطان مردمی را به ارتکاب زشتیها مانند زنا، میگساری، ربا خواری و پلیدیها و گناهانی اینچنین وادارد عبادت شدید و خشوع و رکوع و خضوع و سجود راجحوب آنان گرداند و سپس ایشان را به ولایت و پیروی از پیشوایانی که به آتش فرا می خوانند، وادار کند.
- پیامبر خدا صلی الله علیه و آله مؤمن از دل می گرید و منافق از سر.

بطلان عمل بدعتگذار.

- پیامبر خدا صلی الله علیه و آله خداوند از بدعتگذار نه روزه ای می پذیرد نه نمازی، نه صدقه و زکاتی، نه حجی، نه عمره ای، نه جهادی، نه نقدی و نه فدیة ای.
- عمل اندکی که با سنت همراه باشد بهتر است از عمل بسیار که با بدعت.
- هیچ گفتاری جز با کردار پذیرفته نشود و هیچ گفتار و کرداری جز با نیت و هیچ گفتار و کردار و نیتی جز با مطابقت با سنت.

توبه بدعتگذار.

- پیامبر خدا صلی الله علیه و آله خداوند توبه بدعتگذار را نمی پذیرد.
- وظیفه علما به هنگام پدید آمدن بدعتها.
- پیامبر خدا صلی الله علیه و آله هر گاه بدعتها در میان امت آشکار شوند بر عالم است که علم و دانش خود را آشکار سازد هر کس چنین نکند نفرین خدا بر او باد.
- هر گاه بدعتها آشکار شوند و آخرین افراد این امت اولین افراد آن را لعن و نفرین کنند، هر کس دانشی دارد باید آن را منتشر سازد هر که در آن روز دانش خود را پنهان دارد همچون کسی است که آنچه را خدا بر محمد نازل کرده کتمان کرده باشد.
- یونس بن عبدالرحمن: از امامان راستگو برای ما روایت شده است که فرموده اند: هر گاه بدعتها سربردارند عالم باید علم و دانش خود را آشکار سازد و اگر چنین نکند نور ایمان از او سلب می شود.

بدا.

بدا.

- امام صادق علیه السلام خداوند عزوجل به هیچ چیز چون بدا تعظیم و بزرگداشت نشده است.
- امام باقر علیه السلام یا امام صادق علیه السلام خدای عزوجل به چیزی مانند بدا پرستش نشده است.

معنای بدا.

- امام صادق علیه السلام خداوند را دو علم است: علمی نهفته و اندوخته که جز خودش کسی آن را نداند و بدا از این علم است و

علمی که به فرشتگان و فرستادگان و پیامبران خود آموخته است و ما آن را می دانیم .

بدای محال .

- امام صادق علیه السلام هر که خیال کند برای خداوند در نکته ای بدا حاصل می شود که دیروز آن را نمی دانسته است از او بیزاری جوید.

((بدا --- به فتح و مد --- در لغت به معنای آشکار شدن یک چیز پنهان و آگاه شدن به آن در صورتی که قبلاً بر ما معلوم نبوده و می باشد همه مسلمانان --- بجز شماری ناچیز --- این گونه بدا را برای خداوند ناشدنی و محال می دانند و کسانی که چنین افتراقی به امامیه بزنند بیگمان تهمت و دروغ بزرگی زده اند و دامن امامیه از آن پاک و مبرا است .
بدا در عرف --- آن گونه که از سخنان علما و پیشوایان حدیث بر می آید --- به چند معناست که همه آنها درباره خداوند درست است ، از جمله ::

۱ --- آشکار کردن و پدید آوردن چیزی و حکم به هستی یافتن آن به سبب تقدیری جدید و تعلق گرفتن اراده ای جدید به چیزی بر حسب شرایط و مصالح از این قبیل است پدید آوردن اتفاقات روزمره سخن ابن اثیر --- در حدیث افراد کچل و پیس و کور نزدیک به همین معناست او می گوید: ((برای خداوند عزوجل بدا حاصل شد که آنان را به این وسیله آزمایش کند: یعنی به این حکم می کند در این جا بدا به این معناست ، زیرا قضا قبلاً صورت می گیرد و بدا به معنای پی بردن به درستی امری و کاری است که قبلاً معلوم نبوده است بدا به این معنا نسبت به خداوند محال و نارواست)) پایان سخن ابن اثیر شاید مراد ابن اثیر از قضا ، حکم به هستی یافتن باشد و مرادش از این که می گوید قضا قبلاً صورت می گیرد، این باشد که علم به آن قبلاً صورت می گیرد، که ظاهر تعلیل بعدی ابن اثیر نشانگر همین مطلب است .

۲ --- ترجیح یکی از دو امر متقابل و حکم به هستی یافتن آن بعد از تعلق گرفتن اراده غیر حتمی نسبت به هر دو امر این ترجیح ناشی از رجحان مصلحت و شروط یکی بر مصلحت و شروط دیگری است از این قبیل است اجابت دعا و بر آورده شدن خواسته های دعا کننده ، طولانی شدن عمر به سبب صله رحم و تصمیم به باقی نگه داشتن مردمی بعد از تصمیم گرفتن به نابودی آنها.

۳ --- از بین بردن چیزی که وجود آن در زمانی معین و با در نظر گرفتن شرایطی مشخص و مصلحتی خاص حتمی بوده است و نیز قطع استمرار وجود آن چیز بعد از سپری شدن آن زمان و شرایط و مصالح ، خواه به دلیل محقق شدن شرایط و مصالح ، جانشینی برای آن شیء از میان رفته گذاشته شود یا نشود از این قبیل بدا است زنده کردن و میراندن و قبض و بسط در امور تکوینی و نسخ احکام بدون جانشین یا با جانشین در امور تکلیفی نسخ نیز ، همچنان که صدوق در دو کتاب التوحید و الاعتقادات خود تصریح کرده است ، داخل در موضوع بدا می باشد.

ابدال .

ابدال .

- پیامبر خدا صلی الله علیه و آله سه خصلت است که هر کس داشته باشد از ابدال است : خشنودی به قضای الهی ، خویش داشتن داری در برابر محرمات خدا و به خشم آمدن در راه خدای عزوجل .

- همانا ابدال امت من با کردارها (ی خود) به بهشت نمی روند بلکه به سبب رحمت خداوند و سخاوت جانها و سلامت دل

و مهربانی نسبت به همه مسلمانان به بهشت می روند.

ولخرجی .

ولخرجی .

قرآن .

((حق خویشان و مسکینان و در راه ماندگان را پرداز و هیچ ولخرجی مکن همانا ولخرجان با شیاطین برادرند و شیطان نسبت به پروردگارش ناسپاس بود)).

- امام علی علیه السلام بخشنده باش اما ولخرجی مکن ، و صرفه جو باش لیکن خسیس و سختگیر مباش .

- ولخرجی سرلوحه فقر و ناداری است .

- ولخرجی همنشینی بینواست .

- هر که به ولخرجی افتخار کند با تهیدستی خرد و خوار شود.

معنای ولخرجی .

- امام صادق علیه السلام --- درباره آیه ((و ولخرجی مکن)) --- : هر کس چیزی در راهی جز طاعت خدا انفاق کند ولخرج است و هر کس در راه خیر و خوبی خرج کند مقتصد و صرفه جوی است .

- در پاسخ به پرسش ابو بصیر از آیه ((و ولخرجی مکن)) --- : انسان مال خود را تلف می کند و خود تهیدست می ماند ابوبصیر گفت : پس در مال حلال نیز ولخرجی ممکن است ؟
فرمود: آری .

نیکوکاری .

نیکوکاری .

قرآن .

((در نیکوکاری و پرهیزگاری همکاری کنید نه در گناه و تجاوز و از خدای بترسید که او به سختی کیفر می دهد)).

((ای کسانی که ایمان آورده اید! اگر با یکدیگر نجوا می کنید در باب گناه و دشمنی و نافرمانی از پیامبر نجوا مکنید بلکه درباره نیکوکاری و پرهیزگاری نجوا کنید از آن خدایی که همگان نزد او گرد می آیید بترسید)).

- پیامبر خدا صلی الله علیه و آله بر عمر نیفزاید مگر نیکوکاری .

- پاداش نیکوکاری زودتر از هر کار خوب دیگری می رسد و کیفر ستم و تجاوز زودتر از هر کار بد دیگری گریبان می گیرد.

- امام باقر علیه السلام نیکوکاری و صدقه دادن پنهانی فقر را از بین می برند، عمر را زیاد و هفتاد مرگ بد و ناگوار را دفع می کنند.

- امام کاظم علیه السلام هر کس به برادران و خانواده خود نیکی کند عمرش دراز شود.

- امام علی علیه السلام نیکوکاری کهنه و پوسیده نمی شود و گناه فراموش نمی گردد.

- امام صادق علیه السلام --- از فرمایشهای ایشان به راوی --- : از جمله کارهای شایسته ، نیکی کردن به برادران و کوشش در

برطرف ساختن نیازهای آنان است این کارها بینی شیطان را به خاک می مالد و موجب دور شدن از آتش و وارد شدن به بهشت می گردد این مطلب را به یاران شریف خود برسان آنان که در سختی و آسایش به برادران نیکی می کنند.

- در رستخیز چیزی مانند یک وزنه می آید و به پشت مؤمن می خورد و او را به بهشت در می افکند پس گفته می شود: این همان نیکوکاری است .

- امام علی علیه السلام نیکوکاری کرداری اصلاحگر است .

- امام صادق علیه السلام به پدران خود نیکی کنید تا فرزندانان به شما نیکی کنند.

درها و گنجهای نیکوکاری .

- پیامبر خدا صلی الله علیه و آله سه چیز از درهای نیکوکاری است : سخاوتمندی دل , گفتار نیکو و شکیبایی در برابر آزار و اذیت .

- امام باقر علیه السلام چهار چیز از گنجهای نیکوکاری است : نهان داشتن نیاز, نهانی دادن صدقه , نهان داشتن درد و نهان داشتن مصیبت .

نشانه نیکوکار .

قرآن .

((نیکوکاری آن نیست که روی خود به جانب مشرق و مغرب کنید بلکه نیکوکار کسی است که به خدا و روز واپسین و فرشتگان و کتاب خدا و پیامبران ایمان آورد)).

((از تو درباره هلالهای ماه می پرسند, بگو: برای آن است که مردم وقت کارهای خویش و زمان حج را بشناسند و نیکوکاری این نیست که از پشت خانه ها به آنها داخل شوید بلکه کار پسندیده آن است که پروا کنید و از درها به خانه ها درآیید و از خدا بترسید تا رستگار شوید)).

- پیامبر خدا صلی الله علیه و آله نشانه نیکوکار ده چیز است : برای خدا دوست می دارد, برای خدا دشمنی می ورزد, برای خدا یارو همراه می شود, برای خدا جدا می شود, برای خدا خشم می گیرد, برای خدا خشنود می شود, برای خدا کار می کند, خدا جوست , در برابر خدا خاشع و ترسان و هراسان و پاک و با اخلاص و با حیا و مراقب خود است و برای خدا احسان و نیکی می کند.

مراتب نیکوکاری .

- پیامبر خدا صلی الله علیه و آله بالا دست هر نیکی , نیکی است تا آن که انسان در راه خدا کشته شود از این بالاتر نیکی وجود ندارد.

فرمان به نیکوکاری نسبت به یکدیگر .

- امام صادق علیه السلام با یکدیگر پیوند و ارتباط داشته باشید, به هم نیکی کنید و نسبت به هم مهربان باشید و همچنان که خدای عزوجل به شما دستور داده برادرانی نیکوکار باشید.

- با همدیگر پیوستگی و نیکوکاری و مهربانی و مهر ورزی داشته باشید.

- از خدا بترسید و برادرانی نیکوکار باشید و در راه خدا یکدیگر را دوست بدارید و با هم ارتباط برقرار سازید و به هم مهر و شفقت ورزید.

نیکوکاری کامل .

- پیامبر خدا صلی الله علیه و آله نیکوکاری کامل آن است که در نهان همان رفتاری را کنی که در آشکار انجام می دهی .

برزخ .

برزخ .

قرآن .

((و پشت سرشان برزخی است تا روز رستاخیز)).

- علی بن ابراهیم : برزخ میانه دو چیز است ، پاداش و کیفری است که در فاصله میان دنیا و آخرت به انسان می رسد، برزخ همان فرمایش امام صادق علیه السلام است که می فرماید: به خدا سوگند من برای شما جز از برزخ نمی ترسم .

- امام سجاد علیه السلام --- در تفسیر آیه ((و پشت سرشان برزخی است)) --- : آن برزخ همان گور است و آنان در گور زندگی تنگ و سختی دارند به خدا سوگند که گور باغی از باغهای بهشت است یا گودالی از گودالهای دوزخ .

- امام صادق علیه السلام برزخ همان گور است و آن پاداش و کیفر در فاصله میان دنیا و آخرت است .

- به خدا سوگند از برزخ بر شما می ترسم عرض کردم : برزخ چیست ؟

فرمود: گور، از زمان مرگ تا روز رستاخیز.

- امام علی علیه السلام به راهی در اندرونهای برزخ قدم نهادند و خاک در آن جا بر ایشان چیره گشت و گوشتهایشان را خورد.

نادرستی روایاتی که حاکی است ارواح مؤمنان .

در چینه دانهای پرندگان سبز رنگ است .

- امام صادق علیه السلام --- در پاسخ به این روایت که ارواح مؤمنان در چینه دانهای پرندگان سبز رنگ است که بر گرد عرش می چرخند- خیر، مؤمن در پیشگاه خداوند گرامیتر از آن است که روحش در چینه دان مرغی قرار داده شود، بلکه روح آنها در کالبدهایی همچون کالبد خود آنان می باشد.

- چون خداوند جان او (مؤمن) را بستاند روحش را به کالبدی همچون کالبد وی در دنیا می برد و می خورند و می آشامند و هرگاه کسی بر ایشان وارد شود او را با همان چهره ای که در دنیا داشته ، می شناسند.

ارواح مؤمنان در برزخ .

قرآن .

((آنان را که در راه خدا کشته شده اند مرده مپندار، بلکه زنده اند و نزد پروردگارشان روزی می خورند)).

- ابوبصیر می گوید: امام صادق علیه السلام از ارواح مؤمنان سخن به میان آورد و فرمود: آنان با هم دیدار می کنند عرض کردم دیدار می کنند؟

! فرمود: آری و از یکدیگر سؤال و جواب می کنند و همدیگر را می شناسند به طوری که وقتی او را ببینی می گویی: فلانی است .

- امام صادق علیه السلام ارواح مؤمنان در اتاقهایی در بهشت است ، از غذای آنجا می خورند و از نوشیدنیهای آن می آشامند به دیدار هم می روند و می گویند: پروردگارا! قیامت را برپا دار تا آنچه را به ما وعده داده ای به کار بندی .

- امام علی علیه السلام ای پسر نباته ! در این پشت --- نجف --- جانهای تمام مردان و زنان مؤمن در کالبدهایی نورانی است بر فراز منبرهایی نورانی .

- ای پسر نباته ! اگر پرده ها کنار زده شود هر آینه ارواح مؤمنان را در این پشت خواهید دید که حلقه زده اند و با هم دیدار می کنند و با یکدیگر سخن می گویند در این پشت روح هر مؤمنی هست و در دره برهوت جان هر کافری .

- امام صادق علیه السلام --- درفرمایشش به راوی --- : خداوند ارواح مؤمنان را از شرق و غرب عالم در وادی السلام جمع می کند عرض کردم : وادی السلام کجاست ؟

فرمود: پشت کوفه هان ! گویی آنان را می بینم که دسته دسته نشسته اند و با هم صحبت می کنند.

ارواح کافران در برزخ.

قرآن .:

((خدا او را از آسیب مکاری که برایش اندیشیده بودندنگه داشت و عذاب ناگوار خاندان فرعون را در میان گرفت هر صبح و شام بر آتش عرضه شوند و روزی که قیامت بر پا شود ندا دهند که خاندان فرعون را به سخت ترین عذابها درآورید)).

- امام صادق علیه السلام --- درباره ارواح کافران --- : در اتاقهایی درون آتش جا دارند، از خوراک آن می خورند و از نوشیدنیهای آن می نوشند، به دیدارهم می روند و می گویند: بارخدا! قیامت را بر پا مدار تا مبادا وعده ای را که به ما داده ای اجرا کنی .

- جانهای کافران در آتش دوزخ است و بر آن عرضه می شوند و می گویند: پروردگارا! قیامت را برای ما بر پا مدار و وعده ای را که به ما داده ای اجرا مکن و آخر ما را به اول ما ملحق مکن .

- پیامبر خدا صلی الله علیه و آله .

- هنگام ایستادن بر سر جنازه کشتگان بدر --- : ابو جهل ! عتبه ! شیبه ! امیه ! آیا وعده پروردگار خود را راست یافتید؟

من که آنچه را خدایم به من وعده داده بود راست یافتم عمر عرض کرد: ای پیامبر خدا! با پیکرهای بی جان سخن می گویی ؟

فرمود: به خدایی که جانم در دست اوست شما بهتر از آنان سخنان مرا نمی شنوید، فقط نمی توانند جواب بدهند.

بابرکت .

قرآن .

((و هر جا که باشم مرا بابرکت ساخته و به ادای نماز و زکات در همه عمرم سفارش کرده است)).

((و بگو: ای پروردگار من ! مرا در جایگاهی پربرکت فرود آور که تو نیکترین مهمان نوازانی)).

- امام صادق علیه السلام در تفسیر آیه ((و مرا با برکت قرار داده هر جا که باشم)) ، فرمود: یعنی بسیار بهره رسان .

عوامل برکت زا.

قرآن .

((اگر مردم قریه ها ایمان آورده و پرهیزگاری پیشه کرده بودند، برکتهای آسمان و زمین را به رویشان می گشودیم ولی پیامبران

را دروغگو خواندند ما نیز به کیفر کردارشان آنان را مؤاخذه کردیم)).

- امام حسین علیه السلام در حدیثی طولانی پیرامون رجعت می فرماید: هر آینه برکت از آسمان و زمین فرو می ریزد تا آنجا که درختان از سنگینی میوه هایی که خداوند برایشان خواسته ، می شکنند در تابستان میوه زمستانی خورده می شود و در زمستان میوه تابستانی این است سخن خدای تعالی که : ((اگر مردم قریه ها)).

- پیامبر خدا صلی الله علیه و آله خوراکیهای خود را وزن و پیمانه کنید که برکت در خوراک وزن شده است .

- در سه چیز برکت است : فروش مدت دار، وام دادن به یکدیگر و مخلوط کردن گندم با جو برای مصرف خانه نه برای فروش .

- امام رضا علیه السلام خدای عزوجل به یکی از پیامبران خود وحی فرمود که : هرگاه اطاعت شوم خشنود گردم و چون خشنود گردم برکت دهم و برکت من بی پایانست .

- پیامبر خدا صلی الله علیه و آله برکت ده قسمت است : نه دهم آن در بازرگانی است و یک دهم دیگر در پوستها.

- امام علی علیه السلام با عدالت و دادگری برکتها دو چندان می شود.

عوامل برکت زدا.

قرآن .

((اگر مردم قریه ها ایمان آورده و پرهیزگاری پیشه کرده بودند برکتهای آسمان و زمین را به رویشان می گشودیم ولی پیامبران را دروغگو خواندند ما نیز به کیفر کردارشان آنان را مؤاخذه کردیم)).

- پیامبر خدا صلی الله علیه و آله چهار چیز است که اگر یکی از آنها به خانه ای درآید آن را ویران کند و از برکت آبادان نشود: خیانت ، دزدی ، شرابخواری و زنا.

- امام جواد یا امام هادی --- به داود صرمی --- : ای داود! مال حرام رشد نمی کند و اگر هم رشد کند برای صاحبش برکتی ندارد و اگر از آن چیزی انفاق کند پاداشی نخواهد دید و آنچه پس از خود بر جای گذارد ره توشه او به سوی دوزخ است .

- امام علی علیه السلام هرگاه جنایتها آشکار شود برکتها از میان برود.

برهان .

(جدید)

برهان خداوند.

قرآن .

((ای مردم ! شما را از سوی پروردگارتان برهانی آمده است و برای شما نوری روشنگر فرو فرستادیم)).

((این دو از جانب پروردگارت برهانهای تو برای فرعون و مهتران اوست ، که آنان مردمی نافرمانند)).

برهان خواهی .

قرآن .

((یا آن که مخلوقات را می آفریند، سپس آنها را بازمی گرداند و آن که از آسمان و زمین به شما روزی می دهد؟

آیا معبودی با خداست ؟

بگو: اگر راست می گوئید برهان خویش بیاورید)).

((آن کس که با الله خدای دیگری می خواند که بر او هیچ برهانی ندارد جز این نیست که حسابش نزد پروردگارش خواهد بود, به یقین کافران رستگار نمی شوند)).

((گفتند: جز یهودیان و ترسایان کسی به بهشت نمی رود این آرزوی آنهاست بگو: اگر راست می گوئید برهان خویش بیاورید)).

((و از هر ملتی شاهی بیاوریم و گوئیم: برهان خویش بیاورید آن گاه بدانند که حق از آن خداست و آنچه به دورغ نسبت می دادند, تباه شود.

خوشرویی .

خوشرویی .

- پیامبر خدا صلی الله علیه و آله خوشرویی کینه رامی زداید.
- با برادرت گشاده رو برخورد کن .
- امام علی علیه السلام خوشرویی کمند دوستی است .
- خوشرویی دامگه محبت و دوستی است .
- خوشرویی خوی آزاده است .
- گشاده رویی خوی آزاده است .
- خوشرویی نخستین دهش است .
- خوشرویی احسانی است بی زحمت و هزینه .
- خوشرویی یکی از دو دهش است .
- خوشرویی یکی از دو مهمان نوازی است .
- خوشرویی چشم اندازی خوشایند و خویی تابان است .
- با آنان خوشرو برخورد کن , کینه هایشان می میرد.
- با خوشرویی و گشادگی چهره , بخشش ارزش پیدا می کند.
- خوشرویی ریسمان محبت است .
- خوشرویی با پافشاری دمساز نیست .
- شادی مؤمن در چهره اوست , قدرتش در دینش و اندوهش در دلش .
- خوشرویی تو نشانگر بزرگواری و کرامت نفس توست .
- برخورد خوش , پیوند برادری را استوارتر می کند.
- پیامبر خداصلی الله علیه و آله شما هرگز نمی توانید با اموال خود همه مردم را بهره مند سازید, پس با آنان با گشاده رویی و خوشرویی تمام برخورد کنید.
- امام علی علیه السلام پیامبر خدا می فرمود: خداوند کسی را که به چهره برادر خود رو ترش کند دشمن می دارد.
- در توصیف مؤمن — : خنده روی است و گشاده رو, نه ترشروی و درشتخو.

- هر گاه با برادران خود رو به رو شدید و دست دادید و خوشرویی و گشاده رویی نشان دادید، هنگام جدا شدن گناهانتان ریخته است .

- بهترین وسیله ای که مردم با آن دلهای دوستان خود را به دست می آورند و کینه ها را از دلهای دشمنانشان می زدایند خوشرویی در هنگام برخورد با آنان است و جویای احوال آنان شدن در غیابشان و گشاده رویی با آنان در حضورشان .

برابری هشدار و نوید.

- امام علی علیه السلام کسی که به تو هشدار دهد همانند کسی است که به تو نوید دهد.

پاورقی ها

۱- در متن حدیث ، کلمه ((رائد)) آمده است رائد : به کسی می گویند که صحرانشینان در هنگام کوچ او را جلوتر می فرستند تا منزلی پر آب و علف یا جایی امن برایشان بیابد و به آنها خبر دهد م .

۲- آبه : آوه فعلی در ۲۵ کیلومتری ساوه واقع شده است .

۳- مجارات : مناظره و بحث کردن به قصد خودنمایی و مشهور شدن در یکی از نسخه ها ((ولا تحاربنی)) آمده است و در نسخه ای دیگر ((ولا تجازینی)) و در نسخه چهارم ((ولا تجاربنی)) این ضبطهای مختلف در حاشیه خصال آمده است .

۴- جفا : ترک صله و احسان ، خشونت طبع و درشتخویی ، رفتار خشونت آمیز در معاشرت با مردم ، بیزاری و سردی در دوستی .

۵- در نهج البلاغه فیض حکمت ۲۸۱ چنین آمده است : آنچه می گفت بجا می آورد و آنچه نمی کرد نمی گفت --- م .

۶- در متن حدیث ((حاطب اللیل)) آمده است و ضرب المثلی است درباره کسی که هر رطب و یابس را گرد می آورد و فرق میان خوب و بد نمی گذارد هر چیزی را به زبان می آورد ، پر گو و یاوه سرا.

۷- ظاهرا مراد از ادب در اینجا دانش است .

۸- امام حسین علیه السلام درباره استدراج خداوندی می فرماید : استدراج خدا بنده خود را این است که به او نعمت فراوان دهد و شکرگزاری را از او بگیرد (تحف العقول : ۲۵۰ / ۷) --- م .

۹- به امام صادق علیه السلام عرض شد اگر کسی یک یا دو یا سه روز در حالت اغما باشد نمازهایش را چگونه قضا کند ؟ حضرت در پاسخ او این قاعده را بیان داشت --- م .

۱۰- لسان العرب ذیل ماده ((کلا)) این حدیث را آورده و چنین توضیح می دهد که اگر در بیابان چاه یا چشمه آبی باشد و در نزدیکی آن چراگاه و مرتعی وجود داشته باشد و کسی بیاید و آن چاه یا چشمه را در اختیار بگیرد و اجازه ندهد که دیگران از آب آن استفاده کنند، با این کار خود از چرای مرتع نیز جلوگیری کرده است ، زیرا وقتی کسی شتر خود را در آن مرتع بچراند اما اجازه نداشته باشد از آب آن چاه شتر خود را سیراب کند، شتر از تشنگی خواهد مرد پس کسی که جلو استفاده دیگران از آب چاه را می گیرد طبیعتا مانع استفاده دیگران از چراگاه نزدیک آن چاه نیز می شود --- م .

۱۱- در نهج البلاغه عبارت ((لا امرء الا لله)) (فرمانروایی مخصوص خداوند است) آمده است .

۱۲- در متن حدیث تعبیر نمط ذکر شده و در لسان العرب آمده است : نمط بمعنای جماعتی از مردم که یکپارچه و هم هدف باشند ، امت ، راه و روش .

۱۳- در متن حدیث تعبیر ((نظام)) آمده است و در لغت به معنای رشته ای است که با آن مروارید و مانند آن را به رشته کشند --- م .

- ۱۴- درباره نایب فاعل ((يعرف)) که در متن حدیث آمده است چند احتمال داده اند: خدا، امام، حق و باطل ولی ما به توجه به عنوان مبحث احتمال دوم را ترجیح داده ایم --- م.
- ۱۵- ابن ابی الحدید: در شرح این عبارت می نویسد چون مردم بر اثر ترس از حکمران بیرحم و ستمگر نیازها و مشکلاتشان را پیش او نمی برند مرحوم فیض چنین ترجمه کرده است: تا به ظلم و جور آنان رامستاصل و پریشان کند --- م.
- ۱۶- مرحوم فیض این عبارت را چنین ترجمه کرده است: و نه ترسند از تغییر ایام تا با گروهی همراهی کرده دیگری را خوار سازد --- م.
- ۱۷- ابن ابی الحدید می گوید: خود را نشناختند و در اصل و ریشه خود که آبی گندیده و لجنی بدبوست نیندیشیدند --- م.
- ۱۸- در متن تعبیر ((فرائض)) آمده است که جمع فریضه است و به معنای گوشت پاره میان پهلوی و کتف که در وقت ترسیدن بلرزد، گرده --- م.
- ۱۹- در متن حدیث اوساق آمده است، که جمع وسق است و هر وسق، شصت صاع، یا یک بار شتر است.

درباره مرکز تحقیقات رایانه‌ای قائمیه اصفهان

بسم الله الرحمن الرحيم

جَاهِدُوا بِأَمْوَالِكُمْ وَأَنْفُسِكُمْ فِي سَبِيلِ اللَّهِ ذَلِكَ خَيْرٌ لَكُمْ إِنْ كُنْتُمْ تَعْلَمُونَ (سوره توبه آیه ۴۱)

با اموال و جانهای خود، در راه خدا جهاد نمایید؛ این برای شما بهتر است اگر بدانید حضرت رضا (علیه السلام): خدا رحم نماید بنده‌ای که امر ما را زنده (و برپا) دارد ... علوم و دانشهای ما را یاد گیرد و به مردم یاد دهد، زیرا مردم اگر سخنان نیکوی ما را (بی) آنکه چیزی از آن کاسته و یا بر آن بیافزایند) بدانند هر آینه از ما پیروی (و طبق آن عمل) می کنند

بنادر البحار-ترجمه و شرح خلاصه دو جلد بحار الانوار ص ۱۵۹

بنیانگذار مجتمع فرهنگی مذهبی قائمیه اصفهان شهید آیت الله شمس آبادی (ره) یکی از علمای برجسته شهر اصفهان بودند که در دلدادگی به اهل بیت (علیهم السلام) بخصوص حضرت علی بن موسی الرضا (علیه السلام) و امام عصر (عجل الله تعالی فرجه الشریف) شهره بوده و لذا با نظر و درایت خود در سال ۱۳۴۰ هجری شمسی بنیانگذار مرکز و راهی شد که هیچ وقت چراغ آن خاموش نشد و هر روز قوی تر و بهتر راهش را ادامه می دهند.

مرکز تحقیقات قائمیه اصفهان از سال ۱۳۸۵ هجری شمسی تحت اشراف حضرت آیت الله حاج سید حسن امامی (قدس سره الشریف) و با فعالیت خالصانه و شبانه روزی تیمی مرکب از فرهیختگان حوزه و دانشگاه، فعالیت خود را در زمینه های مختلف مذهبی، فرهنگی و علمی آغاز نموده است.

اهداف: دفاع از حریم شیعه و بسط فرهنگ و معارف ناب ثقلین (کتاب الله و اهل البيت عليهم السلام) تقویت انگیزه جوانان و عامه مردم نسبت به بررسی دقیق تر مسائل دینی، جایگزین کردن مطالب سودمند به جای بلوتوث های بی محتوا در تلفن های همراه و رایانه ها ایجاد بستر جامع مطالعاتی بر اساس معارف قرآن کریم و اهل بیت عليهم السلام با انگیزه نشر معارف، سرویس دهی به محققین و طلاب، گسترش فرهنگ مطالعه و غنی کردن اوقات فراغت علاقمندان به نرم افزار های علوم اسلامی، در دسترس بودن منابع لازم جهت سهولت رفع ابهام و شبهات منتشره در جامعه عدالت اجتماعی: با استفاده از ابزار نو می توان بصورت تصاعدی در نشر و پخش آن همت گمارد و از طرفی عدالت اجتماعی در تزریق امکانات را در سطح کشور و باز از جهتی نشر فرهنگ اسلامی ایرانی را در سطح جهان سرعت بخشید.

از جمله فعالیتهای گسترده مرکز :

- (الف) چاپ و نشر ده ها عنوان کتاب، جزوه و ماهنامه همراه با برگزاری مسابقه کتابخوانی
 (ب) تولید صدها نرم افزار تحقیقاتی و کتابخانه ای قابل اجرا در رایانه و گوشی تلفن همراه
 (ج) تولید نمایشگاه های سه بعدی، پانوراما، انیمیشن، بازیهای رایانه ای و ... اماکن مذهبی، گردشگری و ...
 (د) ایجاد سایت اینترنتی قائمیه www.ghaemiyeh.com جهت دانلود رایگان نرم افزار های تلفن همراه و چندین سایت مذهبی دیگر

- (ه) تولید محصولات نمایشی، سخنرانی و ... جهت نمایش در شبکه های ماهواره ای
 (و) راه اندازی و پشتیبانی علمی سامانه پاسخ گویی به سوالات شرعی، اخلاقی و اعتقادی (خط ۲۳۵۰۵۲۴)
 (ز) طراحی سیستم های حسابداری، رسانه ساز، موبایل ساز، سامانه خودکار و دستی بلوتوث، وب کیوسک، SMS و ...
 (ح) همکاری افتخاری با دهها مرکز حقیقی و حقوقی از جمله بیوت آیات عظام، حوزه های علمیه، دانشگاهها، اماکن مذهبی مانند مسجد جمکران و ...

- (ط) برگزاری همایش ها، و اجرای طرح مهد، ویژه کودکان و نوجوانان شرکت کننده در جلسه
 (ی) برگزاری دوره های آموزشی ویژه عموم و دوره های تربیت مربی (حضور و مجازی) در طول سال
 دفتر مرکزی: اصفهان/خ مسجد سید/ حد فاصل خیابان پنج رمضان و چهارراه وفائی / مجتمع فرهنگی مذهبی قائمیه اصفهان
 تاریخ تأسیس: ۱۳۸۵ شماره ثبت: ۲۳۷۳ شناسه ملی: ۱۰۸۶۰۱۵۲۰۲۶

وب سایت: www.ghaemiyeh.com ایمیل: Info@ghaemiyeh.com فروشگاه اینترنتی: www.eslamshop.com

تلفن ۲۵-۲۳۵۷۰۲۳-۲۳۵۷۰۲۲ (۰۳۱۱) فکس ۲۳۵۷۰۲۲ (۰۳۱۱) دفتر تهران ۸۸۳۱۸۷۲۲ (۰۲۱) بازرگانی و فروش ۰۹۱۳۲۰۰۰۱۰۹ امور کاربران ۲۳۳۳۰۴۵ (۰۳۱۱)

نکته قابل توجه اینکه بودجه این مرکز؛ مردمی، غیر دولتی و غیر انتفاعی با همت عده ای خیر اندیش اداره و تامین گردیده و لی جوابگوی حجم رو به رشد و وسیع فعالیت مذهبی و علمی حاضر و طرح های توسعه ای فرهنگی نیست، از اینرو این مرکز به فضل و کرم صاحب اصلی این خانه (قائمیه) امید داشته و امیدواریم حضرت بقیه الله الاعظم عجل الله تعالی فرجه الشریف توفیق روزافزونی را شامل همگان بنماید تا در صورت امکان در این امر مهم ما را یاری نمایند انشاءالله.

شماره حساب ۶۲۱۰۶۰۹۵۳، شماره کارت: ۶۲۷۳-۵۳۳۱-۳۰۴۵-۱۹۷۳ و شماره حساب شبا: IR۹۰-۰۱۸۰-۰۰۰۰-۰۰۰۰-۰۶۲۱-۵۳-۶۰۹ به نام مرکز تحقیقات رایانه ای قائمیه اصفهان نزد بانک تجارت شعبه اصفهان - خیابان مسجد سید ارزش کار فکری و عقیدتی

الاحتجاج - به سندش، از امام حسین علیه السلام :- هر کس عهده دار یتیمی از ما شود که محنت غیبت ما، او را از ما جدا کرده است و از علوم ما که به دستش رسیده، به او سهمی دهد تا ارشاد و هدایتش کند، خداوند به او می فرماید: «ای بنده بزرگوار شریک کننده برادرش! من در کرم کردن، از تو سزاوارترم. فرشتگان من! برای او در بهشت، به عدد هر حرفی که یاد داده است، هزار هزار، کاخ قرار دهید و از دیگر نعمت ها، آنچه را که لایق اوست، به آنها ضمیمه کنید».

التفسير المنسوب إلى الإمام العسكري عليه السلام: امام حسين عليه السلام به مردی فرمود: «کدام یک را دوست تر می داری: مردی اراده کشتن بینوایی ضعیف را دارد و تو او را از دستش می رهایی، یا مردی ناصبی اراده گمراه کردن مؤمنی بینوا و ضعیف از پیروان ما را دارد، اما تو دریچه ای [از علم] را بر او می گشایی که آن بینوا، خود را بیدان، نگاه می دارد و با حجت های خدای متعال،

خصم خویش را ساکت می‌سازد و او را می‌شکند؟».

[سپس] فرمود: «حتماً رهاندن این مؤمن بینوا از دست آن ناصبی. بی‌گمان، خدای متعال می‌فرماید: «و هر که او را زنده کند، گویی همه مردم را زنده کرده است»؛ یعنی هر که او را زنده کند و از کفر به ایمان، ارشاد کند، گویی همه مردم را زنده کرده است، پیش از آن که آنان را با شمشیرهای تیز بکشد».

مسند زید: امام حسین علیه السلام فرمود: «هر کس انسانی را از گمراهی به معرفت حق، فرا بخواند و او اجابت کند، اجری مانند آزاد کردن بنده دارد».



اصفهان

فائمه



برای داشتن کتابخانه های تخصصی
دیگر به سایت این مرکز به نشانی

www.Ghaemiyeh.com

www.Ghaemiyeh.net

www.Ghaemiyeh.org

www.Ghaemiyeh.ir

مراجعه و برای سفارش با ما تماس بگیرید.

۰۹۱۳ ۲۰۰۰ ۱۰۹